



# ۳ اوضاع درد آخر الزمان

رضا کوشاری



# اوضاع در آخرالزمان

جلد دوم

● رضا کوشاری



## شناسنامه کتاب

- نام کتاب: اوضاع در آخر زمان (۲)
- نویسنده: رضا کوشاری
- ناشر: انتشارات تهذیب
- شمارگان: ۸۰۰۰ جلد
- نوبت چاپ: اول - تابستان ۱۳۸۶
- چاپ: عمران
- قیمت: ۱۲۵۰ تومان
- شابک: ۰ - ۲۵ - ۷۶۳۶ - ۹۶۴

## مرکز پخش:

قم - خ حضرتی - مقابل دارالشفاء - مجتمع تجاری ساحل - پ ۲۲ - انتشارات تهذیب

۰۲۵۱ - ۷۷۲۰۵۹۰

## فهرست مطالب

- پیشگفتار ..... ۷
- پیشگوئی برای زمانها و حوادث مختلف ..... ۱۱
- پیشگوئی برای آینده علی علیه السلام ..... ۱۳
- علی علیه السلام پس از رحلت پیامبر ..... ۱۶
- پیش بینی شهادت امام حسین علیه السلام ..... ۱۷
- مصائبی که بر ذریه پیامبر وارد میشود ..... ۲۰
- بلاهای طبیعی و آسمانی در آخرالزمان ..... ۲۵
- در آخرالزمان از شدت سرما کاسته میشود ..... ۳۱
- در انتظار حادثه‌ای در خورشید باشیم ..... ۳۹
- در آخرالزمان سیستان بزیر شن فرو میرود ..... ۴۱
- کشف یکی از مهمترین آثار قدیمی در زمان ظهور حضرت مهدی علیه السلام ..... ۴۵
- سرنوشت بد اعراب در آخرالزمان ..... ۴۸
- قتل عامهای پی در پی در بغداد ..... ۵۰
- امان از قدرت شرق و غرب در آخرالزمان ..... ۵۴
- مردم آخرالزمان شیفته خارجی‌ها و مدلهای آنها میشوند ..... ۵۸



- ۶۱ ..... غربزدگی مسلمانان در آخرالزمان
- ۶۶ ..... آخرالزمان چه زمانی است؟
- ۷۲ ..... درد دل‌های امام صادق علیه السلام از اوضاع مردم آخرالزمان
- ۱۷۸ ..... معرفت امام زمان علیه السلام

## پیشگفتار

بحمدالله جلد اول کتاب اوضاع در آخرالزمان، مورد استقبال قرار گرفت و بسیاری از علاقمندان آن، بعناوین مختلف، مرا تشویق کردند لذا وظیفه خود میدانم که از همه آنها تشکر و قدردانی کنم و امیدوارم که جلد دوم نیز مورد پسند آنها واقع شود.

● لازم به یادآوری است که در چاپ دوم جلد اول در صفحه دوم، بجای مؤلف، اشتباهاً مترجم نوشته شده بود و بدینوسیله، این اشتباه تائیدی تصحیح میشود.

● و همچنین عده‌ای به من گفتند که چرا درباره سفیانی و دجال و حوادث دیگر، موردی ذکر نشده، در جواب به آنها میگویم که اینگونه موارد، تحقیقات بسیار مفصلی لازم دارد و کار به این سادگی نیست هر چند که متأسفانه در کتابهای متعددی که اخیراً چاپ می‌شود از سفیانی و دجال و حوادث دیگر، مواردی را



بصورت ساده ذکر کرده‌اند درحالی‌که این موضوعات نیاز به تحقیق جوانب امر و ذکر موضوعات متعلقه و در نظر گرفتن زمان و حوادث پی در پی و خیلی مسائل دیگر که به همدیگر ربط دارند می‌بایستی در مجموع، تحقیق کامل و قابل درک‌بهتری باشد و تنها با ذکر حدیث و ترجمه اکتفا نشود و اصل و فرع موضوع بصورت خام نباشد و ان شاء الله در جلد‌های بعدی این کتاب، بطور مفصل و بصورت دقیق در این باره بحث بسیار مفصلی خواهیم داشت.

● امیدواریم که خداوند به همه ما توفیق دهد تا از پیروان راستین امام زمان باشیم و با ظهورش، گل روی حضرتش را ببینیم و باید بدانیم که دعا کردن برای فرج ظهور آنحضرت، بهمان اندازه اهمیت دارد که دل آنحضرت را شاد می‌کنیم و ان شاء الله دعای خیرش، شامل حال ما شود.

● دوست داشتن مهدی علیه السلام یعنی عشق داشتن به همه خوبیها است و انتظار آنحضرت نشانه ایمان و اعتقاد ما به فرامین الهی است چون مهدی علیه السلام بفرمان خداوند در وقت معین ظهور می‌کند و مردم را بسوی حق، راهنمایی می‌کند.

● مهدی علیه السلام معجزه‌ای است الهی و نشانه‌ای از عظمت خالق است.

● مهدی علیه السلام ذخیره‌ای است الهی برای حفظ و اصلاح بشریت است و خداوند، مهدی علیه السلام را برای زمانی قرار داد که فساد و ظلم و





کفر در همه جا حاکم میشود و اوضاع طبیعی به فروپاشی نزدیک میشود و بشر برای نجات خود و رهائی از اوضاع آشفته، جز با ظهور مهدی علیه السلام چاره‌ای نخواهد داشت.

● مهدی علیه السلام بهترین امید برای زمانی که امیدها به ناامیدی و یأس تبدیل میشود.

● مهدی علیه السلام جلوه‌ای از عظمت خالق است عاشق مهدی علیه السلام خوبیها را دوست دارد و عاشق مهدی علیه السلام یعنی شرافت، غیرت، نجابت، پاکیزگی و عفت است.

رضا کوشاری

قم ۱۳۸۵/۳/۳

### پیشگوئی برای زمانها و حوادث مختلف

● پیامبر گرامی و امیر مؤمنان علی (ع) و ائمه معصومین علیهم السلام نه تنها درباره اوضاع و احوال آخرالزمان، سخنان بسیاری را بیان نموده‌اند بلکه درباره وقوع حوادث و اتفاقات مختلفی که در آینده رخ میدهد پیش بینیهای بسیاری را مطرح کرده بودند یعنی از اتفاقاتی که تا لحظات دیگر تا روزهای دیگر و از ماهها و سالهای دیگر تا قرن‌ها و صدها سال بعد تا امروز که آخرالزمان است و بیش از هزار و چهارصد سال از زمان حیات آنها گذشته، پیشگوئیهای بسیاری را بیان نموده و مردم را از خیلی چیزها با خبر کردند.

● اما آنچه که اکنون برای ما مهم است و ما روی آن، بیشتر اهمیت می‌دهیم بیانات آن بزرگواران درباره اوضاع زمان ما است که چه اتفاقاتی رخ میدهد و چه بسا خیلی از آنها دقیقا واقع شده و ما شاهد



و ناظر همان صحنه‌های یاد شده می‌باشیم.

● یکی از پیش بینیهائی که پیامبر گرامی بیان نموده بودند این بود که این مردم پس از حیات من به علی علیه السلام جفا میکنند و او را در بدترین شرایط، قرار میدهند و پیامبر گرامی از این امر، بشدت ناراحت بودند و همینطور هم شد.

● همانطور که میدانیم پس از رحلت پیامبر، از دقایقی بعد از آن تا سالها بعد از رحلت آنحضرت، علی علیه السلام با نامهربانیها و نامردیها و پیمان شکنی‌های بسیاری روبرو شد تا بالاخره آنحضرت در محراب مسجد کوفه در حال نماز به شهادت رسید.

● عن ربیعه المالکی قال: سمعت علیاً علیه السلام علی منبر الکوفه و هو یقول عهدَ إلیَّ النبی الامّی، ان الامه ستغدر بعلی علیه السلام.<sup>(۱)</sup>

● «ربیعه مالکی گفت شنیدم علی علیه السلام روزی بر بالای منبر مسجد کوفه اینچنین فرمود که پیامبر گرامی مرا از موضوعی آگاه نمود که این مردم، پس از من بتو بی وفا و جفا می‌کنند.

● علی علیه السلام در مدت حیات چند ساله بعد از رحلت پیامبر، بقدری مشکلات و مصائب از آن مردم بیوفاتحمل کرد و صبر نمود تا آن لحظه‌ای که ابن ملجم ملعون، وقتی که باشمشیر زهر آگین خود، باشدت بر فرق مبارک علی علیه السلام فرود آورد و سر آنحضرت را



شکافت، می بینیم که آن حضرت بجای فریاد و آه و ناله از درد شکافته شدن سرش، اولین حرفی که زد فزت و رب الكعبه میگوید، یعنی به خدای کعبه رستگار شدم و این کلام آنحضرت، معنای دیگری هم دارد یعنی به خدا قسم راحت شدم و خلاص شدم، از اینجا معلوم میشود که آنحضرت چه ستمها نبود که از دست آنمردم نکشید.

● پیشگوئی، یکی از ویژگیهای بزرگوارن دین و آئین ما است آنها پیشگوئیهای بسیار و در حد وسیع در تمام زمینهها بیان نموده‌اند و هرگز حتی یکی از آنها بنخطا نرفت.

● بنابراین پیامبرگرامی و امامان ما، پیشگوئی برای زمانهای مختلف و پیشگوئی برای حوادث مختلف و پیشگوئی برای جاهای مختلف بیان نموده‌اند و اگر همه آنها جمع آوری شود شاید چندین جلد کتاب میشود.

### پیشگوئی برای آینده علی علیه السلام

● براستی پیش بینی کردن، کاری است خارق العاده و درتوان درک بشر عادی نیست، پیامبر اسلام، هر وقت که اراده میکرد او بخوبی میتوانست پیش بینی کند که در ساعت دیگر و یا روز دیگر و یا سالها و قرنهای بعد، چه اتفاقاتی رخ میدهد.



● پیشگوئی برای زمانهای مختلف و حوادث مختلف، حاصل از الهام غیبی است و آنهایی که میتوانند اینچنین باشند حتماً با آنچه که نامرئی است محرم و آشنا هستند و دستها و عوامل غیبی، همواره آنها را هدایت میکند.

● روی عن انس ابن مالک قال: كنت أنا و علي ابن أبي طالب عليه السلام مع النبي صلى الله عليه وآله في بعض حيطان المدينة، فمررنا بحديقة فقال علي عليه السلام: ما أحسن هذه الحديقة يا نبي الله صلى الله عليه وآله؟

قال صلى الله عليه وآله: حديقتك في الجنة أحسن منها، ثم مررنا بحديقة أخرى، فقال علي عليه السلام: ما أحسن هذه الحديقة يا نبي الله؟

قال صلى الله عليه وآله حديقتك في الجنة أحسن منها، ثم وضع النبي رأسه على ها هنا و أشار بيده الى منكبه ثم بكى، فقال علي عليه السلام ما يبكيك يا رسول الله؟

قال: ضغائن في صدور قوم لا يبدونها لك حتى يفارقوني أو يفقدوني.

● «روایت شده که روزی پیامبر گرامی به همراه علی عليه السلام در اطراف مدینه، قدم میزدند و در سر راه خود، چندین باغ بود، میرفتند تا اینکه به باغی رسیدند علی عليه السلام گفت چه باغ خوبی است ای پیامبر خدا؟ آنحضرت فرمودند: علی جان باغ تو در بهشت بهتر از این است و از آنجا گذشتند تا اینکه به باغ بعدی رسیدند که آن باغ، بمراتب بهتر



بود.

علی علیه السلام گفت: این باغ، چه باغ خوبی است و اقبابی نظیر است ای پیامبر خدا

● پیامبر خدا فرمودند: یا علی بیقین بدان که باغ تو در بهشت، خیلی بهتر از این است ● سپس پیامبر گرامی دست خود را بر پیشانی‌اش گذاشت و دست دیگرش را بر سینه‌اش نهاد و گریه کرد

● علی علیه السلام گفت: ای پیامبر خدا چرا گریه میکنی؟ چه چیزی باعث شد تا تو را بگریاند

● آنحضرت فرمودند: یا علی کینه‌های بسیاری در دل عده‌ای هست که آنرا برای تو فعلاً آشکار نمیکنند تا اینکه از من جدا شوند و یا اینکه من از دنیا بروم آنوقت است که می‌بینی کینه‌هایی که بر علیه تو در دل آنها است برای تو آشکار میشود.

● یعنی علی جان: از دنیا و مردم آنقدر بیوفائی می‌بینی که به آنجاها نمیرسی تا روزی از این دنیا، خیر و خوشی بینی.

● و همینطور هم شد.

● بله: علی علیه السلام پس از رحلت پیامبر، واقعا روز خوشی را ندید و هر روز که میگذشت بر مصائب و سختی روزگارش، افزوده می‌شد تا آنکه آنحضرت را ناجوانمردانه در حین سجده، در محراب مسجد کوفه به شهادت رساندند.



- بنابراین پیامبر خدا خیلی چیزها را میدانست و از اوضاعی که در آینده برای علی علیه السلام بوجود می‌آید باخبر بود.
- پیامبر خدا در تمام زمینه‌ها از کلیه اوضاع و احوالاتی که در آینده رخ میدهد باخبر بود و میدانست که چه اتفاقاتی رخ میدهد.

### علی علیه السلام پس از رحلت پیامبر

- عن النبی: أن ألامة ستغدر بعلی. (۱)
- پیامبر گرامی در میان عده‌ای از مردم فرمودند بیقین میدانم که این امت، پس از من به علی جفا خواهد کرد.
- و اتفاقاً همانطور هم شد با آنحضرت ناسازگاری و نامردی و جفا بسیار کردند و آنحضرت تا آنجائی که توانست صبر و تحمل کرد.
- آری آنروز که خلی علیه السلام بر بالای منبر مسجد کوفه در میان مردم، اینچنین میگفت تا روزی که به شهادت رسید از نظر فاصله زمانی، خیلی نبود او بخوبی میدانست که همین مردم با او ناسازگاری میکنند و آنچه را که آنحضرت، توقع داشت با او همکاری و همراهی نکردند در حالیکه آنحضرت برای خیر و صلاح مردم، تلاش بسیاری نمودند و آنچنان توطئه‌های ریز و درشت و جنگها و مشکلات پی در پی و نیرنگهایی که یکی بدتر از دیگری



بود برای آنحضرت بوجود آوردند و عرصه را برایش تنگ و دشوار کردند و این مدت کم خلافت آنحضرت، همواره درگیر مبارزه و دفاع و حل کردن مشکلات بودند و آنمردم بیخرد، آنطور که شایسته بود از وجود نازنین آنحضرت، استفاده نکردند.

● اینهم یک نوع پیش بینی برای مدت کوتاه بود و این پیشگویی پیامبر گرامی در این باره، بیش از بیست سال فاصله زمانی بود و همانطور هم شد که آنحضرت درباره روزگار سخت و دشوار علی علیه السلام گفته بود.

● علی علیه السلام پس از رحلت پیامبر، چه سختیها و چه رنجهایی نبود که تحمل نکرد چه در قبل از خلافت آنحضرت و چه در زمان خلافتش، و اگر به تاریخ مراجعه کنیم می بینیم که آنحضرت پس از رحلت پیامبر، سخت ترین و تلخ ترین روزگار خود را گذراند تا اینکه او به شهادت رسید.

### پیش بینی شهادت امام حسین علیه السلام

● پیش بینی و بحقیقت پیوستن، یکی از نشانهها و مصادیق حقانیت بزرگواران ما است و نشاندهنده مقام و منزلت و شأن آنها است، بزرگوارانی که همان انبیا و اولیاء الله می باشند خداوند، آنها را برای ما برگزید تا راهنمای خوبی برای سعادت دنیا و آخرت ما





باشند و ما بحمدالله پیرو و علاقمند به این بزرگوارانی و الامقام هستیم که آنها ما را به خالق هستی متصل میکنند و در واقع، سعادت بزرگی است که نصیب ما شده.

● و اینک به یکی دیگر از پیشگوئی‌هایی که به حقیقت پیوست و آن به شهادت رسیدن امام حسین علیه السلام بود.

● قال الحسين علیه السلام: لعبد الله ابن عباس في كلام دار بينهما، اني مقتول بالعراق ولان اقتل هناك أحب الي من أن يستحل دمي في حرم الله و حرم رسوله.

● «در یک گفتگو بین امام حسین علیه السلام و ابن عباس، آنحضرت فرمودند: من بیقین میدانم که در عراق، کشته میشوم و کشته شدن من در آنجا بهتر است تا آنکه خون من در حرم خدا و حرم پیامبرش ریخته شود».

● دشمن کج اندیش و بظاهر مسلمان و سفاکان بیرحم، برای کشتن حسین علیه السلام حتی بحرم امن خداوند در مکه، حرمتی قائل نیستند ولی آنحضرت، این حرمت را قائل شد تا خونش آنجا ریخته نشود و این سخن آنحضرت به این معنا است که دشمن، مرا خواهد کشت و کشته شدن من قطعی است و در هر کجا که باشم، بیخردان خدانشناس در اندیشه قتل من هستند حال که اینچنین است میروم به عراق تا این واقعه در آنجا رخ دهد و بهتر است که دشمن، این



گستاخی را در حرم امن خدا انجام ندهد.

● شهادت: زیباترین چیز برای مردان خدا است و مردان خدا که تمام عمر خود را صرف جهاد در راه الله نموده‌اند هرگز از شهادت، نمی‌ترسند بلکه شهادت را کمال مطلوب برای خود میدانند.

● آنحضرت از کشته شدنش در آینده، تنها این سخنش نبود بلکه بطور مکرر، از این واقعه برای مردم خبر داد و نه تنها این، بلکه پیامبر گرامی نیز بارها و بارها از کشته شدن حسینش که در آنروز طفلی بود برای مردم از این حادثه دلخراش سخن گفت و حتی حاضران از این خبر برآشفتنند که آیا چگونه کسانی این گستاخی را به عزیز پیامبر خدا روا میدارند.

● و همچنین امیرالمؤمنین علی علیه السلام بارها برای مردم، نیز از بیرحمی و قساوت قاتلان در قتل حسینش برای مردم، این موضوع را بیان نمودند.

● بله همه این موارد و تذکر دادن‌ها برای این بود که حقانیت حسین علیه السلام در هدفی که دارد و باطل بودن دشمن بدخو را به همه مردم بشناسانند و برای همیشه، شهادت مظلومانه حسین این علی علیه السلام جاودانه باقی بماند و تا ابد ستمکاران جفایپیشه روسیاه باشند.

● بالاخره همینطور هم شد روز عاشورا در کربلا حضرت



ایعبدالله به شهادت رسید سلام و درود خداوند بر او باد .

### مصائبی که بر ذریه پیامبر وارد میشود

● براستی یکی از جاذبه‌های ایران اسلامی که در هر جا، زیاد به چشم می‌خورد دیدن صحن و سرای امامزاده‌ها است و نمایان بودن گنبد و بارگاه زیبا و دیدنی آنهاست و منظره هر کدامش، انسان را خاشع میکند و روح انسان را صفا میدهد و ما را به خداوند متعال، نزدیکتر میکند و آنچه‌ان معنویت دیدن آن منظره‌های باشکوه و دلپذیر، در انسان تأثیر میگذارد که آدمی را از خود بیخود میکند و مدتی از دنیای فانی و لهویاتش فارغ میشود و گوئی به ملکوت اعلی می‌اندیشد و بحق تقرب و توسل میجوید بخصوص با دیدن گل سر سبد همه، گنبد و بارگاه ملکوتی حضرت ثامن الحجج، علی بن موسی الرضا علیه آلاف التحية والثناء، دیدنش جلوه دیگری دارد و بحق سمبل نمادین افتخار ایران است و مایه فخر و مباهات و سربلندی شیعیان میباشد و مردم ایران به داشتن نزدیکی با این امام همام، شور و شوق غیر قابل وصفی از خود نشان می‌دهند و همه ساله، میلیونها مشتاق و علاقمند به زیارت آنحضرت می‌روند و دل را صفا و جلا میدهند چون به مرقد امامی از امامان خود، مشرف شده‌اند و بسی جای شکرگذاری از

داشتن اینچنین نعمت الهی هستند، و همچنین گنبد و بارگاه باشکوه حضرت عبدالعظیم علیه السلام در تهران و حضرت معصومه علیها السلام در قم و شاهچراغ در شیراز و صدها امامزاده دیگر که همچون ستاره‌های فروزان آسمان این آب و خاکند و همچون نگینهای گرانبهائی هستند که در حلقه شیفتگان‌ش میدرخشند و در هر جا امامزاده‌ای هست می‌بینیم که در آنجا رونق و صفائی هست.

● آن بزرگواران در بیش از ۱۲ و ۱۳ قرن پیش به این سرزمین پناه بردند چون دشمنان حق و بدخواهان اهل بیت معصومین علیهم السلام، شرایطی را برای آنها بوجود آوردند و آنچنان عرصه رابرزندگی آنها تلخ و دشوار کردند و خانه و کاشانه آنها را که جای امن و امان آنها بود به ماتمسرائی تبدیل کردند لذا آنها بناچار متواری شدند و به گوشه و کنار این سرزمین، پناه بردند ولی باز هم دشمن کینه توز، آرام و قرار نگرفت و بدنبال آنها رفتند و هر کجا آنها را می‌یافتند بیرحمانه و بدترین وجهی، آنها را به شهادت میرساندند.

● چرا؟ مگر گناه آنها چه بود جز اینکه ذریه پیامبرگرامی بودند همانند حسین ابن علی علیه السلام که در کربلا مظلومانه به شهادت رسید حسینی که هرگز بفکر جاه و مقام نبود و تنها از دین حق و حریم اسلام و مسلمین دفاع میکرد و آیا سزای پیامبر خدا و دستمزد او این بود که به ذریه‌اش رحم نکنند و هر چه میتوانند به آنها ظلم و



ستم کنند.

● بله اینها همان ذریهٔ پیامبرگرمی هستند و اولادائمه معصومین علیهم السلام میباشند و حال ببینیم که آنحضرت دربارهٔ آینده و سرنوشت ذریهٔ خود، چه اظهار نظری بیان فرمودند: قال رسول الله صلی الله علیه و آله: ان اهلیتی سیلقون من بعدی من امتی قتلا و تشریدا و ان اشد قوما لنا عداوة بنی امیه و بنوالمغیره و بنوالمخزوم. <sup>(۱)</sup> حتی در احادیثی داریم که آنحضرت نام افراد جنایتکاران را نیز یاد نمودند که آنها بر سر ذریه من چه ستم و ظلمهائی روا خواهند داشت.

● «پیامبرگرمی فرمودند: بیقین میدانم که پس از من، خانواده من و ذریه من، از دست همین امت من، چه بلاها و محنتها و چه مصیبتهای را می بینند و آنها را می کشند و یا آنها را وادار بفرار میکنند».

● یا رسول الله برخیز و بنگر که در هر نقطه از خاک ایران، گنبد و بارگاهی دیده میشود و اینها مرقد و مأوای همان ذریه شما هستند و ظالمان و ستمکاران، آنقدر عرصه را بر آنها تنگ کردند که وادار بفرار به کوهستانها و جنگلها و بیابانهای ایران شدند و حتی در غربت نیز، دست از سر آنها برنداشتند و دشمن به هر سو در تعقیب آنها



پرداخت و آنها را به بدترین وجه ممکن، مظلومانه و غریبانه به شهادت رساندند.

● در حالیکه آنروز سرزمین ایران در زیر سلطه بنی امیه و بنی العباس نبود و سادات و فرزندان ائمه معصومین علیهم السلام و خانواده‌هایشان، اغلب به این نواحی پناه بردند با اینحال، اینجاهم در امان نماندند و تیغ کینه دشمن، حتی در غربت به جان آنها رحم نکرد.

● در گوشه و کنار ایران، امامزاده بسیار است و باید بدانیم که چقدر از قبور آن ذریه پیامبرگرامی در ایران و جاهای دیگر پخش هست که ما از آنها بیخبریم و هنوز کشف نشده‌اند و از طرف دیگر نه تنها در ایران، بلکه در کشورهای دیگر مجاور و حتی در کشورهای دور دست از سمت مشرق تا چین هم که برویم در گوشه و کنار درودشت و کوههای آن، مرقد این امامزاده‌ها جلوه خاصی دارند و از طرف جنوب تا دورترین مناطق آفریقا هم که برویم مرقدی از امامزاده‌ها را می‌بینیم که خود نمائی میکنند و از طرف شمال تا سیبری، و در اروپا تا اندلس و اسپانیا و در جزایر بسیاری در دنیا هم هستند و هر یکی از این امامزاده‌ها در واقع، فریاد مظلومیت آنها را می‌رساند.

● ای پیامبر خدا حالا می‌فهمیم که چه راست گفתי از دست



امت، ذریه‌ات چه کشتار فجیعی شدند و چقدر از آنها متواری شدند حتی غارها و کوهها و بیابانها و جنگلها و مناطق صعب العبور نیز برای آنها جای امن نبود.

● و اینک در هر جا که برویم مرقد امامزاده‌ای را می‌بینیم که نشانه حضور آنها است حضوری که نشانه پناه بردن آنها به این مناطق بود.

● اما تعریف از چگونگی به شهادت رساندن این سلاله پاک پیامبرگرامی و چگونگی تحمل سختی و مصائب فرزندان و به بندکشیدن و متواری شدن به جنگلها و کوههای غربت، داستانش بسیار مفصل است و شنیدن هر چیزی از آن، دل هر انسان با وجدان و آزاده‌ای را بدردمی آورد و آن ستمکاران بیخرد، بلائی نبود که بر سر ذریه پیغمبر نیاوردند و گوئی در کشتار و ستم به این بندگان خوب خدا، هر هنری که داشتند پیاده کردند و انواع شیوه‌های زجر و شکنجه نبود که بر سر این عزیزان نیاوردند.

● پیامبرگرامی و امیر مؤمنان علی علیه السلام و ائمه معصومین علیهم السلام، نه تنها درباره اوضاع در آخرالزمان، موضوعات بسیاری را مطرح کردند بلکه برای زمانها و مکانهای مختلف، چه درباره حوادث و چه درباره احوالات و شرایط طبیعی، سخنان بسیاری گفتند و این یکی از آن پیشگوئیهای پیامبرگرامی بود که به حقیقت پیوست.

● یا رسول الله در زمان ما نیز دشمن کینه توز، هنوز هم جنایت میکنند نه به سادات رحم میکنند و نه به مؤمنین و پیروانت، و ما هر روز در گوشه و کناری شاهد جنایتی تازه و هولناک علیه شیعیان هستیم بهر حال، خداوند بهشت را برای شایستگان خود قرار داده و جهنم را جایگاه ابدی برای بیخردان و ظالمان و یاغیان ستمکار است.

● و ما خدای را شکر میکنیم که از عاشقان و عارفان اهل بیت عصمت و طهارت هستیم و هر چند وقت یکبار بزیارت امامزاده‌ای میرویم و روح و دلمان را بعشق آنها صفا میدهیم.

### بلاهای طبیعی و آسمانی در آخرالزمان

● به مفهوم این حدیث، توجه کنیم و در واقع این حدیث، یکی دیگر از نشانه‌های آخرالزمان را برای ما بازگو میکند از یک ماجرا جوئی که اکنون در حال شکل گیری است به ما خبر میدهد و آنرا برای ما نمایان میسازد.

● عن أبي جعفر محمد بن علي عليه السلام قال: قال علي بن ابي طالب عليه السلام: اذا اختلف رمحان بالشام فهو آية من آيات الله تعالى

● قيل: ثم مه؟

● قال: ثم رجفه تكون بالشام - يهلك فيها مائة ألف يجعلها الله





رحمة للمؤمنين و عذابا على الكافرين

● فاذا كان ذلك فانظروا الى اصحاب البراذين الشهب، والرايات الصفر تقبل من المغرب حتى تحل بالشام، فاذا كان ذلك فانظروا خسفا بقرية من قرى الشام يقال لها «حريستا» فاذا كان ذلك فانظروا ابن آكلة الأكباد بوادي اليايس<sup>(۱)</sup>

● «از امام باقر عليه السلام نقل شده که فرمودند: أمير مؤمنان علی عليه السلام درباره آخر الزمان و نزدیکی ظهور امام زمان عليه السلام فرمودند: آن هنگام که بین دو قشون اشغالگر در شام، مختلف بودند حادثه ای رخ میدهد که آن، یکی از نشانه های قدرت خدا است.

● از آن حضرت پرسیدند که بعد از آن چه میشود؟

● آنحضرت فرمود: پس از آن، یک لرزش شدیدی در زمین یکی از مناطق اطراف شام رخ میدهد که باعث بهلاکت رسیدن بیش از صد هزار نفر از متجاوزین خواهد شد و مردم مسلمان از این حادثه، بسیار خوشحال میشوند و خداوند این واقعه را مایه رحمت و خیر و شادی مؤمنان قرار میدهد و عذابی هولناک بر متجاوزین کافر خواهد بود.

● آن هنگام بنگرید به اشغالگران متجاوز، همانهایی که دارای سواریه های تجاوزگر بسیار تندرو که همچون شهاب آتشین



می‌باشند با پرچمهای زرد از غرب، گسیل میشوند و در شام مستقر میشوند و اگر این وضع، پیش آمد منتظر باشید و ببینید که در یکی از مناطق اطراف شام، زمین فرو میرود و همچنین خواهید دید که از سوی دیگر، دشمن جگر خوار و بیرحم در کویر خشک مستقر میشود.

● از مفهوم این حدیث، اینچنین دانسته میشود که در آخرالزمان، دو لشکر متجاوز از دو جبهه به سوریه حمله خواهند کرد و این کشور به اشغال متجاوزین در می‌آید و اینطور که پیدا است مناطق اطراف سوریه نیز قبلاً به اشغال آنها در می‌آید.

● این دو قشون با سواریه‌های تندرو و آتشین که بهترین تشبیه برای آنها، اینست که بگوئیم تانکهای متجاوز بطور وحشیانه به این مناطق یورش می‌برند و اتفاقاً امروز کشور عراق به اشغال نظامیان آمریکا و صهیونیستها درآمده و این کشور، یکی از مناطق اطراف کشور سوریه می‌باشد و از جهتی دیگر، زمینه برای تجاوز و اشغال سوریه، مساعد شده است و اینروزها در اخبار، زیاد شنیده میشود که سوریه بعنوان مختلف از طرف آمریکا و اسرائیل به طور علنی تهدید میشود و همواره تهدیدها و قصد شوم آنها شدیدتر میشود و مطمئن باشیم که حتماً این حوادث یکی پس از دیگری رخ میدهد چون اسرائیل و یهودیان حاکم بر آمریکا تصمیم دارند اسرائیل



کوچک را به یک کشور بزرگی تبدیل کنند بنابراین تا اینجا معلوم میشود که مفهوم این حدیث، در حال صحت پیدا کردن است و این پیش بینی که از هزار و چهار صد سال پیش بدست ما رسیده، کم کم به یک حقیقت، تبدیل میشود یعنی مقداری از این پیش بینیها اکنون واقع شده و به اثبات رسیده و بقیه اش را نیز در مدت نه چندان دور، بوجود می آید.

● از آنحضرت پرسیدند که بعد از آن چه میشود؟

● آنحضرت میفرماید که در این هنگام در منطقه ای از اطراف شام که دشمن متجاوز در آنجا مستقر میشود زمین، لرزش شدیدی میکند که بر اثر آن، در وسعت زیادی، زمین زیر پای دشمن فرو میرود و اتفاقاً یکی از چیزهایی که در قرن اخیر دانسته شد این بود که اندیشمندان علوم طبیعی بتدریج در حال شناخت و تشخیص اوضاع گسلها و پوک بودن زیر برخی از زمینهای مناطق مختلف می باشند و همواره اینچنین جاهائی را پی در پی اعلام میکنند در حالی که مردم قدیم، چیزی که بیش از یک گودال باشد بیشتر از این، چیزی نمی دانستند ولی امروز شبه ترسناک گسلها یک دغدغه فکری شده و احتمال دارد در هر آن، منطقه وسیعی و یا شهر بزرگی را در کام خود فرو برد و آنحضرت در واقع از چیزی سخن گفت که بیانگر همین گسلها و خالی بودن برخی از زمینها یا



با اصطلاح امروزی، گسل، پیش‌بینی نموده و اتفاقاً در این باره، موارد متعددی را که در جاهای مختلف در آخرالزمان رخ میدهد آنحضرت پیش‌بینی نموده‌اند که در فرصتهای بعدی از آنها یاد خواهد شد.

● بهر حال در آن هنگام که دو سپاه دشمن و متجاوز از دو جبهه به سرزمین شام حمله میکنند و مردم مسلمان که در معرض خطر کشتار و رعب و وحشت هستند با خواست و اراده خدا حادثه‌ای طبیعی رخ میدهد که مردم مسلمان شادمان خواهند شد چون همانگونه که پیش‌بینی شده، این اتفاق، الهی است و بضرر دشمن تمام میشود و باعث شادمانی و بنفع مردم مسلمان خواهد شد چون در این حادثه، بیش از صد هزار نفر دشمن متجاوز با کلیه تجهیزات، نابود خواهند شد، حالا که آن لرزش و تکان خوردن زمین چگونه بوجود می‌آید خدا میداند و این لرزش با زلزله، فرق دارد و اتفاقاً آنحضرت مثالی همچون زلزله را ذکر نکردند و اندیشمندان میگویند که در حین شکسته شدن گسلها، زمین تکان می‌خورد و صدای مهیبی از آن بوجود می‌آید و سپس هر چیزی در زمین فرو می‌ریزد.

● بنا به گفته آنحضرت، اشغالگران متجاوز، همانهایی که از غرب می‌آیند و در نواحی اطراف شام مستقر میشوند در برخی از معجم‌ها برآذین را بعنوان نوعی از سنجاقکهای تند و مزاحم تعبیر



شده و اگر با این تعبیر مقایسه کنیم آنگاه چیزی مشابه هلیکوپترهای امروزی بهترین مصداق این معنا خواهد بود.

● لشگر زمینی که از بیابانها به شام حمله میکند آنها خون آشامتر و بیرحمتتر از آن لشگری خواهد بود که از غرب به این منطقه آمده چون همانطور که میدانیم تمامی سربازان آمریکائی مسیحی یا غیر معتقد هستند و اینها را بطور ناخواسته به این منطقه، اعزام میکنند و اینها طبعاً از آن لشگر بیرحم اسرائیلی باعاطفه تر خواهند بود.

بنظر بنده بعید نیست که همان آمریکائیها می باشند چون تمام علائم و قرائن، همین موضوع را نشان میدهد و آن لشگر متجاوززی که از بیابانهای اردن که با شام هم مرز است همان اسرائیلیها می باشند و در حد تعبیر آنحضرت، این قشون، خون آشامتر از آن لشگری است که از غرب آمده و اینها تشنه قتل و غارت مسلمانها می باشند و طمع زیادی به سرزمینهای اطراف اسرائیل دارند و هر دو قشون در این مناطق، فتنه و جنگ و آشوب برپا خواهند کرد و جنگی ناخواسته بر مسلمانان تحمیل میشود.

● در این حدیث، آنچه که مهم است آنستکه اشاره به چیزهایی شده که برای مردم آنزمان، خیلی عجیب و غیر قابل باور بوده ولی امروز براحتی، همه مفهوم این حدیث را درک و باور میکنیم چون تمام این زمینهها اکنون وجود دارد و ما شاهد و ناظر همه آنها



هستیم و تصور همه این موارد یاد شده برای ما واقعا یک امر ساده‌ای بنظر میرسد بنابراین برپاکنندگان فتنه و آشوب در آخرالزمان در هر جا که هستند قبل از ظهور حضرت مهدی علیه السلام گرفتار عذابهای الهی و بلای طبیعی خواهند شد و بیاری خداوند، دنیا بکام آنها نخواهد شد و یقیناً آنها به اهداف شوم خود نمیرسند جز چند سال در عرصه بین المللی ماجرا جوئی کردن و ایجاد رعب و وحشت، و پس از آن مهدی آل محمد علیهم السلام بفرمان خداوند ظهور میکند و بنیاد ظلم و ستم را از ریشه بر میکند و دنیا پر از عدل و داد خواهد شد.

### در آخرالزمان از شدت سرما کاسته میشود

● پیامبر گرامی از اوضاع نابسامان در آخرالزمان سخنان بسیاری دارد که همه آنها حکایت از این دارد که هرج و مرج، همه جا و همه چیز را فرا میگیرد.

● عن رسول الله صلی الله علیه و آله أنه قال: لا تقوم الساعة حتى يجعل كتاب الله عارا و يكون الاسلام غريبا و حتى ينقص العلم و يهرم الزمان و ينقص عمر البشر و تنقص السنون و الثمرات، يؤتمن التهماء و يصدق الكاذب و يكذب الصادق و يكثر الهرج قالوا و ما الهرج يا رسول الله صلی الله علیه و آله؟ قال صلی الله علیه و آله: القتل و حتى تبني الغرف فتطاول و حتى



تحزن ذوات الاؤلاد و تفرح العواقر و حتی یجهر بالفحشاء و یظهر البغی و الحسد و الشح و یغیض العلم غیضا و یفیض الجهل فیضا و یكون الولد غیضا و الشتاء قیضا و تزول الأرض زوالا<sup>(۱)</sup>

● «پیامبر گرامی میفرماید: زمان ظهور فرا نمی‌رسد مگر اینکه قرآن، این کتاب خدا، مردم با آن بیگانه شوند و از آن دوری بجویند و دین اسلام غریب میشود و مردم نسبت به آن، بی‌اعتنا میشوند و ترقی علم و دانشها در میان مردم روبه کاستی و تنزل میرود و دوروز مونه، آشفته و نابسامان میشود و از عمر آدمها کاسته میشود و سالها و عمر مردم زودگذر میشود و از محصولات کشاورزی بشدت کاسته میشود آدمهای ناباب و ناجور، امین و همه‌کاره مردم میشوند و مردم به آنها اطمینان میکنند و آدمهای بی‌ایمان و فریبکار و دروغگو، مورد تصدیق و قبول مردم واقع میشوند و گفتار آدمهای باایمان و راستگو مورد قبول واقع نمیشود و هرج و مرج بشدت زیاد میشود.

● حاضرین در مجلس از پیامبر پرسیدند ای پیامبر خدا هرج و مرج چیست؟

● آنحضرت فرمودند در آنزمان که قتل و کشتار، فراوان میشود بقدری که گورستانهای دستجمعی ساخته میشود و مادرهای

جوان از دست داده بشدت اندوهناک میشوند و در همه جازنان فاسدوبی بندوبار، شادمان و شادابند و فساد و فحشا در میان مردم علنی و یک امر عادی میشود و خشونت‌ها و حسادت‌ها و کمبودها زیاد میشود و علم و دانش، سیر نزولی پیدامی‌کند و در عوض، آدمهای بیخرد و نادان و جاهل، بیش از حد زیاد میشوند و اولاد، مایه حرص و جوش و دردسر پدر و مادرها میشوند و آن هنگام، حال و هوای زمستان همچون پائیز میشوند و اوضاع طبیعی زمین بشدت بسوی نابودی به پیش میرود.

● اینها سخنان پیامبرگرامی بود که باغم و اندوه بیان نمود، چرا که با آه و ناله نگویید؟ وقتی که او میداند که مردم آخرالزمان به چه حال و روزی می‌افتند و هر کدام یکجور به خطا و انحراف و گناه و بدبختی آلوده می‌شوند و از قرآن مجید این کتاب آسمانی، مردم فاصله میگیرند و به آن اعتنائی نمی‌کنند وقتی که اسلام، این دین الهی که مایه خیر و سعادت و خوشبختی دنیا و آخرت مردم است دیگر پیروان راستین ندارد آنوقت چه توقع و انتظاری میتوان داشت؟ آیا پیامبر خدا که رحمة للعالمین است حق دارد با ناراحتی این حرفها را بگوید در حالی که او بخوبی میداند و می‌بیند که در زمان ما، اوضاع چقدر خراب میشود چرا با آه و ناله نگویید؟

● آنحضرت بخوبی میداند که علم، دانش در آخرالزمان به اوج





میرسد و سپس کم کم رو به افول میرود و تنها در انحصار زورمندان و سیاستمداران خواهد شد و علم و دانشی که به اوج رسیده بود کم کم مردم از آن دور میشوند و بعناوین مختلف، ابرقدرتها عرصه‌های علمی را بر مجامع بین المللی تنگتر می‌کنند و مردم آنچنان سرگرم لهو و لعب و هوسرانی میشوند و کساد تجارت و خرابی اقتصاد در همه جای جهان، کار و بار مردم را فلج میکند و دو روزمونه بقدری خراب میشود که قابل وصف نیست و آنچنان خیر و برکت از عمر مردم میرود که نمی‌فهمند چگونه سالهایشان تند و تند میگذرد و خیر و برکت و خوبیها از همه چیز میرود و بخصوص از محصولات کشاورزی و خیلی چیزهای دیگر.

● خلاصه مطلب آنستکه هرج و مرج و بی نظمی و بی بند و باری بقدری زیاد میشود که نگویند پرس، نه تنها اوضاع مردم خراب میشود بلکه اوضاع طبیعت نیز دچار آشفتگی خواهد شد و امروز ما شاهد وضع ناپسندی هستیم که پیامبر گرامی درباره آن‌ها پیش بینی نموده بود و اکنون بخوبی میدانیم که اوضاع در سالهای آینده، بمراتب بدتر از این خواهد شد

● دو جمله آخر این بیانات پیامبر گرامی پیش بینی هائی بود درباره هرج و مرج در اوضاع طبیعی که اینک بصورت معضل بزرگ جهانی آشکار شده و اندیشمندان بیشمار و کارشناسان علوم



مختلف و حتی دولتها و سازمانهای بین المللی، همه و همه درگیر این بحران بزرگ و سردرگم شده‌اند و هر روز این معضل، وخیم‌تر میشود و همچون تار و پود سرطانی است که تمام سطوح کره زمین را فرا میگیرد و کار به آنجا رسیده که گویا برای آن، چاره و علاجی وجود ندارد و بناچار می‌بایستی تمام بدبختیها و خطرات و ضررهای آنرا باید تحمل کنیم و این عارضه شوم که در سرنوشت همه، اثر بد میگذارد مثل گرم شدن هوای کره زمین است و به قاره خاص و یا ناحیه‌ای از کره زمین، محدود نمی‌باشد بلکه همه جای سطوح مختلف کره زمین را گرما فرا خواهد گرفت همانگونه که آنحضرت فرمود کار بجائی میرسد که والشتاء قیضا و تزول الارض زوالا یعنی، در آنزمان، زمستانها همچون پائیز میشود و اوضاع طبیعی زمین روبه نابودی میرود و خطر ویرانی آن، بشدت گسترش میابد.

● یعنی در آخرالزمان، سرمای زمین کمتر میشود به این معنا است که دمای کره زمین بطور محسوسی افزایش می‌یابد که در نتیجه آن، از شدت سرمای زمستان، تا حدود زیادی کاسته میشود و زمستان در همه جا بشکل پائیز در می‌آید یعنی سرمای آن، شدید نیست و سرما بطور یکسره، پایدار نمی‌باشد گاهی گرم و گاهی سرد است و هوا همچون زمستان زمانهای گذشته، یکسره سرد و



یخبندان نمی باشد و اوضاع اقلیمی مختلف در هر فصل و بخصوص در زمستان، همه جا یکجور نمی باشد بطور مثال همین امسال در اخبار، همزمان شنیدیم که در اروپا عده ای از سرما مردند و عده ای دیگر در یکی دیگر از کشورهای اروپایی بر اثر گرما زدگی جان باختند و باد و طوفانهای غیر عادی و بی سابقه کولاک می کنند و حوادث بسیاری که در طبیعت رخ می دهد نشانه غیر عادی بودن اوضاع و بهم خوردن شرایط طبیعی است.

● آنحضرت میفرماید: که اوضاع طبیعی کره زمین رو به خرابی و زوال میرود یعنی کار به آنجا میرسد که همه مردم و حتی تمام موجودات زمینی و هوایی و دریائی در معرض خطر و نابودی و انقراض قرار میگیرند اوضاع گیاهان و سبزهزارها و جنگلها نیز بشدت تحت تأثیر و آسیب پذیر میشوند و خیلی مسائل دیگر از قبیل ذوب شدن یخهای قطب شمال و جنوب و بالا آمدن سطح آب دریاها و بهم ریختن شرایط طبیعی حیات وحش مناطق قطبی و بزیر آب رفتن خیلی از مناطق جزایر و قاره و کشورها و...

● پیامبر گرامی از تغییرات شرایط طبیعی سخن میگوید که بر اثر آن، هوای کره زمین، گرم میشود و امروز برای فهمیدن این پیش بینی آنحضرت، دیگر نیاز به توضیحی نیست چون تمام مردم جهان از گرم شدن هوا و خرابی روز افزون اکوسیستم طبیعت بخوبی



آگاهند و بعلاوه آن، می بینیم که هر چند روز یکبار، خبرهای تازه تری از خراب شدن شرایط اقلیمی زمین در رادیو و تلویزیون پخش میشود و روزنامه ها نیز آن خبرها را بطور مفصل بازگو میکنند و علتها و دلائل پدید آمدن این خرابی در اوضاع طبیعی را همه میدانند و همه این مردم در این خرابیها بعنوانین مختلف، سهم دارند هر چند که سهم هر یک از آنها اندک باشد بخصوص دولتها که مقصر اصلی هستند و آنها برای منافع خود، حتی حاضرند آب و هوارا بیش از این آلوده کنند و طبیعت را به تباهی بکشانند یعنی منافع کم و کوتاه مدت درآمد کارخانجات خود را بر منافع زیاد و دراز مدت طبیعی را ترجیح میدهند و حتی حاضرند که دنیا زیر و رو شود ولی درآمدشان کم نشود و این بلائی است که ساخته و پرداخته مردم آخرالزمان است و حالا میفهمیم که چرا حال پیامبر منقلب می شد وقتی که از اوضاع آخرالزمان یاد میکرد چون وقتی که آنها نسبت به تمام فرامین الهی بی اعتنا میشوند و دنیا را به فساد و بی بند و باری و فحشا میکشانند معلوم است آدمهای مست و بی دین و بیخرد، چه بچه هائی را تحویل جامعه می دهند و اینگونه افراد در هر جاودر هر پست و مقامی که باشند جز منافع خود، به هیچ چیز دیگر فکر نمی کنند و حتی اگر در سالهای آینده، آب دریا بالا آمد و کشوری بزیر آب فرورفت آنوقت شاهد کشتار



دستجمعی و یا از بین رفتن میلیونی ملت‌ها را خواهیم دید که هر چه هم صدا بزنند و الغوث الغوث بگویند حتما گوش شنوائی نخواهد بود و دیگر، وجدانی که اندوهناک شود وجود نخواهد داشت چون الان همه میدانند که در آینده، وضعیت اینچنین خواهد شد و بی تفاوت نشسته‌اند و اقدامی نمی‌کنند پس معلوم است که آدمهای باایمان و باعاطفه و باوجدان، عده آنها هر روز کمتر میشود در اینصورت مگر خدا بداد ما برسد و حاجتش مهدی موعود را بفریاد ما برساند و راه نجاتی غیر از آن حضرت که منجی عالم بشریت است راه دیگر و قدرتی دیگر وجود نخواهد داشت

● بهر حال این پیش بینی‌های پیامبر خدا که بیش از هزار و چهار صد و پنجاه سال پیش مطرح نمود اکنون ما درست در همین وضعیت قرار داریم

● یارسول الله پیامت را زمانی شنیدیم که درست در همان وضعیت خراب، در گردابی بزرگ بنام رواج کفر و فساد و ظلم و جنایت قرار داریم و راه نجات و خلاصی نداریم جز اینکه آقا امام زمان بیاید و بفریادمان برسد و دنیا را از لوٹ مفسدان و جنایتکاران نجات دهد انشاءالله.



### در انتظار حادثه‌ای در خورشید باشیم

● در آخرالزمان، اتفاقی غیرمنتظره در خورشید رخ می‌دهد و مردم در حیرت و تعجب میشوند.

● عن ابن عباس عن النبي ﷺ قال: لا يخرج المهدي ﷺ حتى تطلع من الشمس آية. (۱)

● ابن عباس میگوید از پیامبرگرامی شنیدم که فرمود حضرت مهدی ﷺ ظهور نمیکند مگر اینکه از خورشید حادثه مهمی نمایان میشود.

● از این سخن پیامبرگرامی اینچنین می‌فهمیم که در خورشید، یک حادثه و اتفاق بسیار مهم و بی سابقه‌ای رخ می‌دهد که برای مردم زمین، بخوبی نمایان و مشخص خواهد بود و باعث تعجب و حیرت آنها میشود.

● این حادثه که بر خورشید رؤیت میشود در اینجا بمعنای خسوف و کسوف نیست و بمعنای رخ دادن اتفاقی که برای همه، غیرمنتظره است و بی سابقه بودن چنین حادثه‌ای در خورشید، باعث تعجب و حیرت همه خواهد بود و این رخداد بگونه‌ای است که مردم از روی زمین، شاهد و ناظر آن میشوند و حتی آثارش در زمین آشکار میشود



● این سخن پیامبرگرامی در زمانی بیان شد که مردم از خورشید، جز دیدنش و جابجائی آن در بالای سر خود و احساس گرمای آن، چیز دیگر نمی دانستند و آگاهی مردم بهمین مقدار محدود بود و امروز برخلاف گذشته، اندیشمندان با تجهیزات بسیار مدرن خود، همواره از جریانات و حوادث و اضطرابات روی خورشید با خبر میشوند.

در زمان ما بتوسط اختر شناسان، معلوم شد که خورشید مرکز حوادث است و طوفانها و آتشفشانها و گداخته های کوچک و بزرگ، همواره بر سطح خورشید در حال جریان و فوران است و از این اتفاقها بطور دائم بر سطح خورشید پدیدار میشود ولی این حادثه ای که پیامبرگرامی از آن خبر میدهد حادثه ای استثنائی و خیلی بزرگتر و مهمتر خواهد بود و این حادثه، در واقع یک اتفاق غیر عادی است بنابراین حداقل میشود گفت باوجود آمدن یک اتفاق و یا کمی تغییر در سطح خورشید، امکان وقوع یک حادثه ای بزرگتر، هیچگاه بعید بنظر نمیرسد.

● و همه اینها نشانه ای است که گویای هشدار و اخطار برای جلب توجه مردم به حادثه ای آسمانی بسیار مهم است یعنی نزدیک شدن ظهور حضرت مهدی علیه السلام است بنابراین حادثه ای که در تاریخ، بی نظیر است در خورشید رخ میدهد به این معنی است چون امامان ما

از آن برای ذکر یکی از مهمترین علائم ظهور حضرت مهدی علیه السلام یاد نموده‌اند میتواند نشانه و قرینه‌ای الهی باشد و همچنین، نشانه حقانیت برگزیدگان خداست چون هر چه را که گفته بودند اکنون یکایک آنها تبدیل به حقیقت میشوند پس منتظر باشیم تا نشانه و علامت الهی ظهور حضرت مهدی علیه السلام را در خورشید ببینیم.

### در آخرالزمان سیستان بزیر رملن فرو میرود

- عن أمير المؤمنين علي ابن ابيطالب عليه السلام أنه قال: و أما سجستان... يغلب عليها في آخرالزمان الرمل فيطمها علي جميع من فيها. (۱)
- امیر مؤمنان علی علیه السلام فرمودند و اما سرزمین سیستان... در آخرالزمان، آنچنان بر آن‌ها شن فرو می‌ریزد که آن سرزمین و آنچه در آن هست به زیر رمل فرو می‌رود.
- منطقه سیستانی که علی علیه السلام درباره‌اش فرمود که در آخرالزمان اینچنین بلایای طبیعی دامگیرش می‌شود، آیا همین منطقه سیستان فعلی و یا سیستانی که بخشی از پاکستان و همجوار سیستان ایران است یا اینکه منظور آن حضرت از سیستانی که در مناطق دیگر است ما بدرستی و با یقین این را نمی‌دانیم اما در همین سیستان ما

۱- الفتوح، جلد دوم، صفحه ۷۸ - معجم الاحادیث الامام المهدی (عج)، جلد سوم، صفحه ۸۲، شیخ علی کورانی عاملی.





و نواحی اطرافش در پاکستان و افغانستان، آثاری از گسترش شنهای روان و ایجاد تپه‌های شنی، زیاد دیده می‌شود و غالباً در آنجا بادهای تند و پی در پی می‌وزد و گاهی بصورت طوفانهای بسیار شدیدی در آنجا رخ می‌دهد که در رسانه‌های گروهی، همه از وقوع این پدیده‌ها و آفت‌های طبیعی، آگاه می‌شوند.

● زمانی ممکن است درباره سرزمینی اظهار نظر کنیم که میبایستی کلیه شرایط اقلیمی آن نواحی را بخوبی بشناسیم و اوضاع آنجا را تشخیص بدهیم آنهم از نزدیک، کلیه نواحی آن سرزمین را سیر و سیاحت کنیم با اینحال، هرگز نمیتوانیم درباره اوضاع آینده بسیار دور و از قرن‌ها بعد آنجا، اظهار نظر کنیم ولی علی‌الغالب برخلاف رسم متعارف، او از سرزمینی بسیار دور از مدینه که محل سکونت آنحضرت بود سخن میگوید در حالیکه آنحضرت به منطقه سیستان و اطراف آن، هرگز سفر نکرد و نکته جالب‌تر دیگر اینستکه آنحضرت درباره اوضاع چهارده پانزده قرن بعد این منطقه را نیز پیش بینی نمود.

● مسافران صحراها از طوفان شن که بادهای وحشتناک، خاک و شن را بصورت مسافران میزند وحشت دارند، در برخی صحراها خیلی آسان، هر شخص گمراه میشود زیرا باد وزیدن‌ها در آن مناطق

بگونه‌ای است که شکل زمین را با روفتن و جابجا کردن تپه‌های شنی از جایی به جایی عوض میکند و تأثیر بسیاری بر ویران کردن طبیعت بوجود می‌آورد تا آنجائیکه حتی برای حیوانات ریز و درشت نیز، آن مناطق قابل سکونت نمی‌باشد.

● هر چند که دولت با کمک مردم در اینجا و آنجای این استان و استانهای دیگر، برای جلوگیری از گسترش بیابانها و حمله ورشدن سنگهای روان، کارها و اقداماتی میکند البته اگر باد و طوفانهای قویتر و پی در پی بیاید در آنصورت برای جلوگیری از یورش شنزارها هیچ چاره‌ای وجود نخواهد داشت و کسی از این بلای مهیب، در امان نخواهد بود.

● و باید بدانیم که اوضاع طبیعی در آخرالزمان که اینک مادر آن بسر میبریم با درهم شدن شرایط اکوسیستم طبیعت، آنچنان آشفته و دگرگون میشود که بلاهای جور واجور با مدتها و نامهای جدید و نوظهور بصورت پی در پی، اینجا و آنجا اتفاق می‌افتد و در چند لحظه، باعث ویرانگری و تغییر کلی و زیر و رو شدن مناطق مختلف میشود و هیچگاه بعید بنظر نمیرسد که نوعی از وزش بادهای تندتر و طوفانهای مهیب، این منطقه رانیز فرا بگیرد و اوضاع مردم را بدتر کند و زندگی آنها را تلخ‌تر کند پس همانطوریکه از این سخنان علی علیه السلام دانسته میشود روزی فرامیرسد که طوفانهای



شنی، آنچنان بر محیط طبیعی این سرزمین، غلبه می‌کند و شنهای روان بر اوضاع منطقه، آنچنان چیره میشود که میتواند زندگی عادی مردم را فلج کند و اینک بصورت جدی، همواره این منطقه، مورد تهدید توسعه و پیشروی شنهای روان است و چه بسا در آینده، با ایجاد تحولاتی دیگر، اوضاع را بدتر کند.

● برای نمونه خوب است که دو مورد را ذکر کنیم آیا چه کسی میتواند تصور کند که زلزله مهیب سونامی یکباره رخ دهد و آن اقیانوس خروشان و چندین کشور را در یک لحظه بلرزاند و آن فاجعه هولناک را بوجود آورد و یا طوفانهائی که اخیراً در آمریکا و جاهای دیگر، اتفاق افتاد و همه چیز را در هم کوبید و کار را بقدری دشوار کرد که حتی تمامی امکانات و وسائل مدرن و پیشرفته بدر آن مردم نخورد.

● بهر حال اکثر بلاهائی که امروز پیوسته واقع میشود نتیجه اعمال ما است و گناهان ما هرچه بیشتر شود بلاهای بیشتری دامنگیر ما میشود و هر چه مدلهای گناهان ما متنوعتر شود بلاها در مدلهای متنوع بیشتری، مردم را در هم می‌کوبد.

● امیدواریم که خداوند ما را براه راست هدایت کند تا از استحقاق عذابهای جور و اجور در امان بمانیم انشاءالله

● و امروز زمزمه و بحث شنهای روان و طوفانهای سهمگین را

همواره در اخبار می شنویم و در روزنامه‌ها میخوانیم که چه مناطقی در دنیا در حال فرو رفتن بزیر تپه‌های شنی است بنابراین باد و طوفانها با آن شنهای روان در واقع پیکهای مرگ و نابودی هستند که زنگ خطر و بیدار باش را بما میرسانند پس ما بهوش باشیم تا انشاءالله از خوبانی باشیم که همیشه رحمت خداوندو الطاف و نعماتش نصیب ما شود.

### کشف یکی از مهمترین آثار قدیمی در زمان ظهور حضرت

مهدی علیه السلام

● در زمانی که امام زمان علیه السلام ظهور میکند حوادث بسیار عجیبی پی در پی رخ میدهد و یکی از آنها حادثه بسیار مهم و شگفت انگیز کشف مهمترین و عجیب ترین آثار باستانی نادر و بسیار گرانبها توسط آنحضرت است که از نوع خود، بی نظیر و منحصر بفرد می باشد نه بتوسط کاوش و جستجو برای پیدا کردن اشیاء قدیمی، بلکه آنحضرت با کمک امدادهای غیبی، از غاری که در دل کوهستانهای جنوب ترکیه است سه چیز گرانبها از نهان گاه خود بیرون می آورد.

● عن أبي جعفر علیه السلام قال: أول ما يبدؤا القائم بأنطاكية، فيستخرج،



منها التوراة من غار فيه عصی موسى و خاتم سليمان ﷺ (۱)

● از امام باقر علیه السلام نقل شده که آنحضرت فرمودند حضرت قائم (عج) پس از ظهور خود، از غاری که در یکی از کوهستانهای جنوب ترکیه است توراة اصلی و عصای موسی و مهر حضرت سلیمان را از جایگاه امنی که در آن پنهان و محفوظ سپرده شده، صحیح و سالم بیرون می آورد

● یکی از اسرار اینکه این سه چیز یاد شده بدست حضرت مهدی (عج) به مردم دنیا عرضه میشود این است که دنیا حقانیت حضرت مهدی (عج) را بداند.

● حضرت قائم (عج) در زمان ظهورش هیچگاه بدنبال اشیاء عتیقه و قیمتی نخواهد بود و اینچنین موقعیتی برای این کار آنها در آن زمان پر آشوب که دنیا را پر از ظلم و ستم و کفر و فساد فرا گرفته است و نیاز شدید به سرو سامان دادن اوضاع مردم است و دیگر جایی و فرصتی و نیازی به این کارها نیست و از این حادثه، می فهمیم که اینها میتواند سه نشانه خدائی باشد و پیغامی از آن پیامبران بزرگوار به آنحضرت و مردم آنزمان است تا مسیحیان و یهودیان را بسوی رهبر جهانی و حقانیت آنحضرت، مورد جلب توجه قرار دهد و آنکه این سه چیز را برایش درجائی معین و در مکان امنی گذاشته، آنها هم

در دروازه اروپا و سر راه آنحضرت به آن سرزمینها، بی دلیل و بی علت نمیتواند باشد و حتماً قصدی در این کار بوده و الاً آنحضرت می توانست همین کار را در زمان غیبتش انجام دهد ولی این کار، خارج از برنامه الهی غیبت آنحضرت است چون امام زمان در زمان ظهورش میخواهد از آنها بعنوان وسیله برای آن عده مردم خوب آن مناطق که زمینه های هدایت و اصلاح در وجود آنها هست نشانه های خدائی باشد و دلیل و حجت الهی بودنش را به مردم اروپا و جاهای دیگر برساند.

● اتفاقاً در جائی دیگر، حدیثی داریم که در زمان ظهور آنحضرت، بسیاری از مردم اروپا به او ایمان میآورند.

● یکی از وظایف و برنامه های آنحضرت، تبلیغ او از آئین الهی است و با استفاده از این سه نشانه مهم که همراه با او است و هر بیننده ای را بمحض مشاهده این سه چیز، حتماً شیفته آن خواهند شد و غیر معمولی بودن این سه چیز را بخوبی درمی یابند و خواهند فهمید که اینها در واقع سه نشانه مهمی از انبیاء و حقانیت حضرت مهدی (عج) میباشد.

● باید بدانیم که بمحض آشکار شدن این سه چیز مهم در میان مسیحیان و یهودیان، خبر آن در همه جا خواهد پیچید و زمینه تسلیم و اعتقاد مردم ادیان مختلف و ایمان به آنحضرت فراهم



میشود.

### سرنوشت بد اعراب در آخرالزمان

● احادیث بسیاری داریم که در آخر الزمان، مردم کشورهای عرب، گرفتار انواع توطئه ها و تهاجم بیرحمانه قرار میگیرند و سرنوشت بسیار بد و شومی دامنگیرشان خواهد شد و دولتهای عرب، یکی پس از دیگری سقوط میکنند بنابراین مردم بیدفاع و بیچاره عرب، روزگار تلخ و سختی در انتظار آنهاست و با بدترین شرایط مرگ و زندگی روبرو خواهند شد.

● عبدالله ابن عمر این بیانات را از امیر مؤمنان علی علیه السلام شنیده بود و اینچنین نقل شده:

والذی بعث محمداً بالحق یدخل علی العرب کلهم حجرها و حتی یأتی الرجل القبر ویقول یالیتی کنت مکانک و حتی تملأ الأرض ظلماً و جوراً، قلت ثم مه؟ قال ثم یبعث الله رجلاً یملاها قسطاً و عدلاً کما ملئت ظلماً و جوراً.<sup>(۱)</sup>

● «سوگند بخدائی که محمد را به پیامبری برگزید روزی فرا میرسد که انواع بلاها و مصائب بر تمام مردم عرب وارد میشود بقدری که هیچکس حتی در خانه اش، امنیت و آسایش و قرار نخواهند داشت



و روزگار آنها آنچنان تیره و تار میشود که اگر کسی قبری را ببیند حسرت او را ببرد و با شیون و زاری میگوید ای کاش من بجای تو بودم و بلاخره ظلم و ستم همه جای زمین را فرا میگیرد.

● از آنحضرت پرسیدم پس، بعد از آن چه میشود؟

● آنحضرت فرمودند: خداوند مردی گرامی و شایسته‌ای را میفرستد تا همه جای زمین را پر از عدل و داد کند همانطوریکه ظلم و ستم، دنیا را فراگرفته بود.

● بیشترین مناطقی که در میان کشورهای عرب، گرفتار توطئه‌ها و جنگ و آشوب قرار میگیرند عراق و سوریه و مناطق اطراف اینها است.

● درباره خرابی اوضاع مناطق یاد شده در آخرالزمان، احادیث بسیاری داریم که نشاندهنده شدت بلاها و فجایع و مصائبی است که در این مناطق رخ میدهد.

● و از همین الآن تمامی نشانه‌های بحقیقت پیوستن آنچه را که بزرگواران ما درباره‌اش گفته‌اند در حال شکل‌گیری است و همه این بدبختیها برای آنستکه اسرائیل بزرگ را بوجود آورند و تمامی این مناطق را کم و بامرور زمان به اسرائیل ملحق کنند.

● قوم یهود در این اندیشه بودند که روزی بتوانند اسرائیل از نیل تا فرات بوجود آورند ولی متأسفانه، اینک آنچنان بر اوضاع جهان





مسلط شدند که به این حد هم اکتفا نمیکنند و می بینیم که دستهای خبیث و پنهان آنها بظاهر باچهره آمریکا و انگلیس در صددند تا خاورمیانه‌ای بزرگ برپا کنند که در واقع، زمینه ساز همان اسرائیل بزرگ در آینده است و همواره زمزمه‌های بسیاری میکنند و گاه بیگاه در اخبار و رسانه‌های بین المللی، این موضوع را مطرح میکنند و متأسفانه آنها با نقشه‌های شیطانی و شیوه‌های پلیدی که دارند بعنوان مختلف در حال اجرا کردن اهداف خود هستند و در واقع آنها وارد صحنه شده‌اند.

● کینه‌های یهود از همین حالا پیدا است و آنها با توطئه‌های پی در پی در این مناطق، لحظه‌ای درنگ نمی‌کنند و در میان اقوام و احزاب و گروه‌ها و شیعه و سنی در حال تفرقه انداختن هستند تا آنها بجان هم بیفتند و اتوماتیک وار و بی سر و صدا، خودشان، ریشه همدیگر را بکنند بدون اینکه کسی متوجه شود که قضایا از کجا آب میخورد و دست یهود در کار است.

### قتل عامهای پی در پی در بغداد

- شما که این روزها اخبار اوضاع داخل عراق را می شنوید آیا دقت کرده‌اید که چه جریان‌هایی پی در پی اتفاق می‌افتد
- آیا هر روز در اخبار نمی شنوید که چه ترورها و انفجارهایی رخ



میدهد و چه کشتاری انجام میشود چرا؟

● آیا اینهایی که کشته میشوند چه کسانی هستند و برای چه کشته میشوند و رواشدن اینهمه بدبختی و مصیبت برای مردم مظلوم عراق برای چیست؟

● اگر شما از آنهایی باشید که به قضایای داخل عراق، خوب دقت میکنید می فهمید که تمامی این بلاها سرشیعیان عراق است چون آنها پیرو علی علیه السلام هستند و میخواهند ایمانشان را حفظ کنند و متأسفانه از بیگانگان و کافران و مفسدان، باید بکشند آنچه را که حق آنها نیست.

● أن علی ابن ابيطالب علیه السلام قال لابن عباس، یابن عباس: أول فتنه من المائتین، امارة الصبیان، ثم موت العلماء و الصالحین، ثم الجور و قتل أهل بیتی الظماء بالزوراء.

● امیرمؤمنان درباره یکی از نشانه‌های آخرالزمان میفرماید: اولین فتنه از دوست فتنه‌ای که بپا میشود آنوقت است که قدرت و حکومت و زمام امور و سرنوشت مردم بدست جاهلان و نااهلان و بیخردان می افتد و تمامی مقدرات مردم، بازیچه آنها خواهند شد پس آنگاه است که مرگ علما و صالحین فرا میرسد و آنوقت است که ظلم و ستم و بیداد و قتل عامهای مظلومانه سادات و مؤمنین در بغداد زیاد میشود.



● منظور آنحضرت از اینکه میگوید یک فتنه از دویست فتنه در شهر بغداد رخ میدهد بمعنای اینستکه آنقدر توطئه و آشوبها بسیار و بیشمار پشت سر همدیگر و بدون انقطاع بوجود می آید فتنه و آشوبهایی که یکی از دیگری بدتر است و تلختر.

● اما فتنه اول که آنحضرت از آن یاد میکند و آنرا سر آغاز دویست فتنه و توطئه دیگر است و شروع تمام بدبختیها و مصائب بعدی است آنستکه زمام امور مردم و سرنوشت آنها بدست مشتی نااهل و جاهل و بیخرد و بیگانه می افتد، بله وقتی که اینچنین شدحتما بلوا و مصائب و گرفتاری دامنگیر افراد شایسته میشود مؤمنین و صالحین، سادات و غیر سادات، علما و غیر علما، همه و همه در رنج و عذاب می افتند و روزگار بکام آنها تلخ خواهد شد و فتنه ها و توطئه ها از هر سو بر مردم تحمیل میشود

● اما آنچه که امروز عینا همان پیشگوئیهای علی علیه السلام را در اخبار می شنویم و می بینیم در بغداد ظلم و ستم آنقدر زیاد است و آنچنان کشتارپی در پی رخ میدهد که قلب آدمی را بدرد می آورد پس وای بحال آن مردم که در آنجا هستند آنها چه میکشند و خانواده هایشان، چه حال و روزی دارند خدا میداند.

● آیا امروز، این حوادث ریز و درشت هر روز در شهر بغداد و اطراف آن، رخ نمیدهد؟ از کشتن و ترور تک تک افراد تا پنج نفر

وده نفر، و از انفجار و قتل عامهای صد نفر و دویست نفر، تا هزار نفر و بیش از هزار نفر را نشنیده‌اید؟

● هیچکس کمر همت را نبسته مگر برای کشتن مؤمنین و نابودی پیروان علی علیه السلام، چون اینها به اصول و فرامین الهی هنوز پایبند هستند و به فسادوی بند و باری، رنگ عوض نکرده‌اند لذا امروز در عراق، اصلی‌ترین هدف توطئه‌ها هستند و آنها بیشتر در معرض خطر قرار دارند و هیچکس از آنها بی‌یقین نمیداند که اگر صبح از خانه برای کار بیرون برود تا لقمه نانی برای زن و بچه‌اش پیدا کند آیا او سالم به خانه باز می‌گردد یا اینکه در ترور و انفجاری ناهنجار، بطور نامعلوم کشته میشود و هر لحظه نمی‌داند که چه بلائی سر او بیاید و همینطور بطور دائم، نگرانی و اضطراب، ترس و دلهره، دل آنها همواره در حال طپش است پس همانطور که آنحضرت فرمودند آنچه‌ان ظلم و ستم در بغداد انجام میشود که هر روز و هر لحظه، بنحوی اتفاق هولناکی واقع میشود و ما امروز شاهد بوقوع پیوستن پی در پی همان وضعیت یادشده هستیم و چه بسا در آینده مصائب مردم بمراتب بیشتر شود، علی علیه السلام درباره آخرالزمان، سخنان بسیاری دارد ولی روی هم رفته وقتی که همه آنها را در کتابها میخوانیم واقعا دل آدم بدردمی آید که چه روزگاری بدی خواهد شد و این مردم بیچاره و بیگناه به چه بدبختیها و مصیبتها و سختی



گرفتار میشوند بهر حال، وقتی که از خواندن این موضوعات، ما اینقدر ناراحت و آشفته میشویم و دل ما بدرد می‌آید پس آنحضرت که بمراتب بهتر از ما میدانست و بیشتر از ما آگاه بود و از ابعاد قضایا، بیشتر از ما باخبر بود پس او چه میکشید و دل او چقدر بدرد می‌آمد آنهم در زمانی که آنحضرت، حتی از مردم زمان خود، کم ستم نکشید و از بیخردان، کم درد و رنج تحمل نکرد.

### امان از قدرت شرق و غرب در آخرالزمان

● قال رسول الله ﷺ: أَعُوذُ بِاللَّهِ مِنْ فِتْنَةٍ بِالْمَشْرِقِ ثُمَّ مِنْ فِتْنَةٍ بِالْمَغْرِبِ فِي قَالَاتِهِ. (۱)

● «پیامبر گرامی فرمودند: پناه میبرم بخدا از فتنه‌ای که در مشرق زمین بوجود می‌آید و پس از آن فتنه‌ای که در مغرب زمین شکل میگیرد از غوغاها و گفتارهایشان و بدبختی‌هایی که این دو برای مردم در آخرالزمان بوجود می‌آورند».

● پیامبر گرامی با اندوه بسیار، موضوعی را یاد میکند که برای مردم چه گرفتاریها و بدبختیها از این فتنه‌هایی که شرق و غرب در آخرالزمان بوجود می‌آید به خدا پناه میبرد و این شیوه کلام آنحضرت، عمق فاجعه را می‌رساند که چه توطئه‌هایی دامنگیر مردم



جهان خواهد شد و مردم به چه حال و روزی در می آیند.

● پیامبر گرامی همواره برای خوشبختی مردم هر زمان، تلاش بسیار نمودند و در تمام زمینه ها همواره مردم را آگاه میکرد و گاهی به آنها اخطار میدهد و این بار درباره فتنه هائی که قدرت شرق و غرب، برای مردم دنیا بوجود می آورند به مردم این زمان هشدار میدهد تا مردم، پیرو فرامین الهی باشند و از تبلیغات و جار و جنجالهای دروغین و توطئه های حاصل شرق و غرب در امان بمانند.

● پیامبر گرامی در ابتدا از توطئه و فتنه های شرق و سپس از غرب که بمراتب بدتر از فتنه ها و دسیسه های شرق است یاد میکند و از این سخن آنحضرت اینچنین دانسته میشود که در آغاز، عامل بدبختیها را شرق میدانند و سپس غرب بلافاصله، زمام امور را بدست میگیرد و آنچنان یکه تازی میکند و آنچه را که نباید به مردم دنیا چه بلاهائی را تحمیل این و آن میکند، اتفاقا همینطور هم شد و آن قدرت شرق بنام شوروی بود که برپا شد و مردم را بفرامین کمونیستی دعوت کرد و مردم دنیا هم گروه گروه به آنها پیوستند و دنباله رو افکارشان شدند و در این راه چه جنگهائی که نشد چه در سطح داخلی و چه در سطح کشورها، با آنها کشته ها و تلفات غیر قابل وصف، و متأسفانه همه آنها به در رفت و هیچی شد و دیگری نه



شوروی هست و نه کمونیست، و دیدیم که پس از چند دهه، تمام افکار باصطلاح مترقی آنها، یاوه و بیهوده از کار درآمد و آن قیل و قالها و آن همه تبلیغات در یک شب خاموش شد و اینهمه جنگهای پارتیزانی، انگار نه انگار شد و پس از آن، تکامل بدبختیها به غرب منجر شد و امروز، آمریکای جنایتکار با دستهای پلید صهیونیزم، با طرفنها و تبلیغات دروغین دمکراسی و شعار آزادی سر میدهد و در واقع، مظالم و بدبختیها و توطئه ها بشکلها و فرمولهای دیگری رابرای مردم به اوج رساندند و این قدرت غربی، همواره اوضاع رابرای مردم جهان آشفته تر و عرصه زندگی رابدتر میکند

● پیامبر گرامی میفرماید که قدرت شرق و غرب، با قیل و قالهای خود، چه سر و صدا و جنجالهایی پیا میکنند و اکنون گفتار پیامبر گرامی بحقیقت پیوسته و ما شاهد و ناظر همه آن گفتارها و شعارهای دروغین و پر از نیرنگ می باشیم.

● آن قدرت شرقی از نجات بشریت و پیدا کردن مسیر صحیح انسانیت، چها که نگفتند و حالا این قدرت غربی، از آزادی و دمکراسی نوین، چها که نمی گوید ولی روی هم رفته هرچه بود تمامی گفتار و تبلیغات این دوبرای مردم دنیا، پدید آوردن مشکلات و سردرگمیها و عوام فریبی بود که حاصل همه اینها، رواج فساد و فحشا و بی بندوباری و بیدینی شد و هر چه ما



مسلمانها کشیدیم برای این بود که از فرامین الهی فاصله گرفتیم و بر اثر آن، گرفتار یاوه گوئیها و حرفهای پرزرق و برق بیگانگان شدیم و این دو چه جنگهایی نبود که در اینجا و آنجا برپا کردند و چقدر مردم و سرمایه‌های ملی از بین رفت، مقداری از آن برای کمونیستها فدا شد و مقدار بقیه برای طرفداری و پیروی از غرب.

● بهر حال، پیروان هر دو طرف، بازنده اصلی بودند و این تا اینجا و حالا از این به بعد چه میشود و با ما چها میکنند خدا میداند و ما ماندیم و غرب که او بر سر مردم دنیا چه خواهد آورد و در آینده، چه بدبختیها و مشکلات بدتری را بمردم جهان تحمیل خواهند کرد.

● یا رسول الله بچشم خود دیدیم آنچه را که برای ما گفته بودی و در مشکلات و توطئه‌هایی قرار گرفتیم از آنچه را که برای ما نمیخواستی و با آه و ناله و دلی پر از درد با پناه بردن از خدا یاد نمودی پس ما هم بخدا پناه میبریم، اما چکنیم که متأسفانه غرب زدگی و بی بندوباری همه جا در حال رواج است و اغلب مردم، کاری را می‌کنند که قدرت شیطانی غرب میخواهد و اینگونه می‌پسندد پس ترس و وا همه شما ای پیامبر خدا از پدیدار شدن این اوضاع آشفته، اینک بخوبی درک میکنیم، پس خدایا ما هم بتو پناه میبریم.





## مردم آخرالزمان:

### شیفته خارجی‌ها و مدلهای آنها میشوند

● پیامبرگرامی از پدید آمدن وضعیتی سخن میگوید که هیچگاه در زمان خود و حتی قرن‌ها بعد از وی، اینچنین چیزی وجود نداشت و آنحضرت، موضوعی را بیان میکند که امروز، ما آنرا عیناً داریم می‌بینیم و چه بسا مردم آنروز، بخوبی نمیتوانستند متوجه مفهوم حقیقت گفتار پیامبر شوند چون اینطور چیزی در آنزمان وجود نداشت.

عن النبی ﷺ قال: اذا سمعتم بناس یأتون من قبل المشرق اولی دهاء یعجب الناس من زیهم، فقدأ ظلتکم الساعة. (۱)

● «از پیامبرگرامی نقل شده که ایشان درباره یکی از اوضاع بد مردم آخرالزمان، اینچنین فرمودند: آنگاه اگر شنیدید که مردمی از شرق به سوی شما می‌آیند و آنها ظاهری بامدلهای جور و اجوری که دارند باعث جلب توجه همه میشوند و آنها اسم و رسمی دارند و مردم از دیدن آنها، شیفته ظاهر و مدلهای و فرم گوناگون آنها میشوند پس آنوقت است که مردم به گمراهی میروند».

● زی، ازیا: یعنی مد و مدهای جور و اجور

● انواع مدلهای سر تا پا گرفته، از مدلهای آرایش کردن موهای سر



و صورت، تا لباس و کیف و کفش و شلوار و دامن و وو

● پیامبر گرامی از مدهای جورواجور از خارج آمده سخن میگوید که این عارضه، تنها در آخرالزمان است که بوجود میآید و در زمان آنحضرت، هیچگاه چیزی بعنوان مد و مدگرایی و دنباله روی از خارجها در میان مردم رواج نداشت و این وضع، تنها در زمان ما است که همه جا دیده میشود.

● پیامبر گرامی میفرماید که در آخرالزمان، آنچنان مردم پیرو و دنباله رو خارجها و شیفته مدگرایی آنها میشوند که از خود بیخود میگردند و تمامی آداب و رسوم و سنتهای خوب اجتماعی را فراموش میکنند و همه را کنار میگذارند.

● آنحضرت میفرماید که در آنصورت، مردم آنزمان، واقعا گمراه میشوند و ضرر و زیان و بدبختی و نتیجه این رفتار و کردار و تقلید کورکورانه از خارجها را به خود مردم تحمیل میشود.

● معمولا مدگرایی، نهایتا به سمت بی بندوباری و توسعه فساد و فحشا منتهی میشود و از این حرف من، کسی ناراحت نشود چون خیلیها را دیدیم وقتی که رفتند توی مد، نتیجهای جز این نداشت و بلاخره، دیر یا زود، دنبالهرو مدگرایی، آخرش بفساد کشانیده میشود.

● بی جهت و بی دلیل نیست که امروز در ماهواره و تلویزیون،



چیزهایی برای مردم نشان میدهند و فوراً مد میشود و فردایش می‌بینیم که آن چیز مد شده، در همه جا فراوان در اختیار مردم قرار میگیرد باید بدانیم که دشمن ما بیکار ننشسته و رگ خواب ما را خوب میداند و بی‌امان در حال نقشه و برنامه ریزی برای ما است تا ما مردم مسلمان و اصیل را کم‌کم از خود، بیگانه کند.

● ما حالا خارجی می‌بینیم و همچنین بامدلهای جورواجور از خارج آمده را مشاهده میکنیم و فوراً هر که در هر جا که هست شیفته و دل‌باخته آنها میشود و با تقلید و درآوردن ادا و اطفا آنها بیدرنگ اقدام میکند خارجیها را چه شخصاً از نزدیک ببینیم و یا از تلویزیون و ماهواره دیده شوند فرقی ندارد.

● پیامبر گرامی از چهره‌های معروف و سرشناس این زمان یاد میکند که مردم، ادا و اطفا مدهای جورواجور آنها میشوند.

● اولی دهاء: یعنی کسانی که اسم و رسمی در میان مردم دارند و اینروزها می‌بینیم کسانی اسم و رسم و شهرت و محبوبیت دارند که یا هنرپیشه‌اند و یا بنوعی ورزشکاراند و یا خواننده و رقاص، و اینها الگو شدند الگو برای آن عده افرادی که سبک مغز و بیخردند و متأسفانه عده آنها هم بسیار است و می‌بینیم که دخترها و پسرها هر کدامشون، با چقدر فیس و افاده، ادا و اطفا یکی از این شخصیت‌های کاذب را در می‌آورند و کاری ندارند که این ادا و اطفا و شیوه‌های



لباس و آرایش آنها به قیافه خودشان میاد یا نمیاد فقط میخواستند بگویند که کلاس وتیپ من مثل فلان بازیگر سینما و یا خواننده و یا ووو می باشد و هیچ نوع استقلال فکری برای خود ندارد.

● مدگرایی برای جان مردم، یک مرض شده و درمانش واقعا مشکل و لاعلاج است مرضی که دردش بظاهر شیرین و دلچسب است ولی نتیجه و نهایتش، فرورفتن در گرداب و لجنزار بی بند و باری و بیدینی است و عاقبتش دگرگون کردن اوضاع جامعه بنفع بیگانگان و فسادکشاندن مردم است.

● ای پیامبر خدا پیامت را که آنروز گفته بودی، اینک بدست ما رسید و زمانی متوجه آن شدیم که کار از کار گذشته و متأسفانه، پند و موعظه هم دیگه فایده ای ندارد و گویا مردم، ندانسته و نسنجیده و بدون اینکه خود بخوانند باید اینطوری باشند و الا با نگاههای تحقیرآمیز و تهمت های عقب افتاده و امل بودن رابه ما می چسباندند و سبب شرمندگی ما خواهد شد.

### غربزدگی مسلمانان در آخرالزمان

● در زمانهای گذشته، اروپا بنام سرزمین روم و رومیها معروف و مشهور بود و اصطلاح غرب که در زمان ما رایج است وجود نداشت



● از گفتار پیامبر گرامی اینچنین دانسته می‌شود که مسلمانان در آخر الزمان، متأسفانه در تمام زمینه‌ها از کارهای بد و گمراه کننده امتهای دیگر مثل اجانب و رومی‌ها بشدت پیروی می‌کنند.

● فیما ذكره النعیم فی قول النبی ﷺ: ان امته تسلك مسلك الامم فی ظلالها من العجم و الروم....

● عن النبی ﷺ قال: ستأخذ امتی اخذ الامم قبلها شبراً بشبر، فقال رجل: كما تفعل العجم و الروم؟

فقال رسول الله ﷺ وَ هَلْ النَّاسُ إِلَّا أَوْلِيكَ (۱)

● درباره تقلید کورکورانه و پیروی ناآگاهانه از غرب، احادیث بسیاری وجود دارد و اکنون به این حدیث مختصر و ساده توجه کنیم

● نعیم یکی از راویان حدیث است و در زمان بسیار قدیم بوده، او از قول پیامبر گرامی نقل می‌کند که امت آن حضرت در آخر الزمان، شیوه و روش بد و گمراه کننده امتهای دیگر را پیش می‌گیرد و از آنها پیروی می‌کند چون آن حضرت می‌فرماید: بیقین که امت من در تمام زمینه‌ها و جب به جب از امتهای دیگر، شیوه و رفتار و کردار آنها را فرا می‌گیرد

● مردی پرسید: یعنی از بیگانگان و رومیها پیروی می‌کنند؟



● آن حضرت فرمودند بله آیا جز این چیز دیگری هم هست و مردم دیگری هم هستند!

● در این گفتار پیامبر گرامی، چند نکته دانسته می‌شود، اول اینکه مسلمانها در آخر الزمان از شیوه‌ها و رفتار بد بیگانگان و غریبها تقلید می‌کنند آنها در تمام زمینه‌ها و گام به گام با آنها از موارد بدی که منجر به انحطاط اخلاقی و ابتذال می‌شود و متأسفانه امروز همین وضعیت در مردم و بخصوص جوانترها می‌بینیم که هیچ اختیار و استقلال فکری در سلیقه ندارند جز اینکه ادا و اطفا رفتار و کردار بیگانگان و بخصوص غریبها را در می‌آورند و از آنها الگو برداری می‌کنند.

● غریبزدگی در زمان ما یک آفتی شده و متأسفانه ما شاهد این هستیم که یک جوان دختر و پسر که در این مملکت زندگی می‌کنند ولی رفتار و کردار آنها بگونه‌ای است که انگار، تازه از غرب آمده و اهل این کشور اسلامی نیستند.

● پیامبر گرامی غرب را مورد مذمت خود قرار نمی‌دهد و تنها پیروی از شیوه‌های رفتار و کردار بد و صادراتی غرب را نکوهش می‌کند و همانطور که می‌دانیم جوانهای ما بدون اینکه از خوبیها و صنعت غرب در مد نظر آنها باشد ولی رغبت و تمایل بیشتر جوانها تنها از مدهای ناجور و ادا و اطفا‌های منحط و فاسد و مبتذل را



شیوه و الگوی رفتار و کردار خود انتخاب کرده‌اند.

● رواج یافتن فرهنگ منحط غربی و ابتذال، شیوه رایج اغلب جوانها شده بدون اینکه به عواقب بد. شوم آن، بیندیشند و یکی از بدیهای تقلید کورکوانه از غرب، باعث این می‌شود تا در پرتو غرب گرایی، آن غیرت دینی و آن خصلتهای جوانمردانه و شرافت حفظ ناموس و مراعات ضوابط اخلاقی و عرق ملی و خیلی چیزهای دیگر، کم‌کم از بین می‌رود و می‌بینیم افرادی که اینطوری هستند تنها به چیزی که می‌اندیشند هوی و هوس است بدون اینکه درک کنند که ما هم دارای تمدن درخشان و فرهنگ غنی هستیم که می‌تواند الگوی سربلندی و سرافرازی ما باشد و در میان ملت‌های جهان، می‌توانیم الگو و نمونه باشیم لذا پیامبر گرامی از تقلید و شیوه پذیری از غربیها و رواج فرهنگ آنها در میان مسلمانان آخر الزمان بطور مکرر به ما تذکر میدهد

● و آن حضرت در آنزمان به مردم نمی‌گوید که مواظب باشید از شیوه‌های بد رفتار و کردار منحط غرب، تقلید و پیروی نکنید چون آنزمان، مردم غرب، آنطور لجام گسیخته مثل امروز نبودند پس آن حضرت بخوبی می‌دانست که تنها در آخر الزمان، غربیها به این وضع بد درمی‌آیند و متأسفانه الگوی مسلمانان هم می‌شوند. / و مسلمانان در تمام زمینه‌ها در هر کاری از غربیها و بیگانگان،



### الگو برداری و پیروی می کنند

● این سخن آن حضرت در زمانی مطرح شد که امتها و ملل مختلف و بخصوص غربیها، مردمی کشاورز و زحمتکش و پرتلاش بودند و مدلگرایی و انحطاط و ابتدال در میان آنها رواج نداشت بنابراین پیامبر گرامی بخوبی می دانست که اینها در آخر الزمان، دچار وضعیت بد و گمراه کننده ای می شوند و الگو و سرمشق فساد و بی بند و باری در تمام جهان می شوند بخصوص در میان مسلمانها غربزدگی رواج بیشتری می یابد و غربیها شیوه های رفتاری خود را به دیگران تحمیل می کنند و چه بسا غربیها با این شیوه های رایج خود، خود را متمدن تر و بهتر از ملت های دیگر می دانند و خود را مستحق این میدانند که مردم جهان، از آنها پیروی کنند و همانطور که میدانیم امروز پیروی کردن از آنها، نتیجه اش در فرداها و آینده، بزرگ یوغ آنها رفتن است بنابراین تشخیص دقیق پیامبر گرامی از تغییر وضعیت اخلاقی غربیها در آخر الزمان و الگو پذیری مسلمانها و رواج غربزدگی آنها به خوبی آگاه بودند و امروز آیا جز این نیست که آن حضرت به آن اشاره نموده است؟

● پیامبر گرامی در این سخن خود با نگرانی و ناراحتی می فرماید با تقلید و پیروی کورکورانه از اجانب و غربیها، امت های اسلامی ربوده می شوند یعنی بمرور زمان، خیل عظیم و جمعیت انبوه اسلامی





برنگ و سبک غربی در می آیند و دیگر از اسلام و مسلمانی اثری نمی ماند و آیا تاکنون، اینچنین احساس نمی شود و غریبها با این شیوه های نفوذ غربزدگی، خیلی راحت و ارزان، کشورگشایی نمی کنند؟

● برای نمونه در همین چند ماه پیش در یکی از روزنامه ها خواندم که فلان روزنامه معروف ترکیه از قول یکی از سران آن کشور اعلام می کند که بیست میلیون نفر از جمعیت ترکیه در حال مسیحی شدن هستند و بقیه مردم در حال لائیک شدن هستند یعنی بی دینی کامل در میان مردم هشتاد میلیونی یک کشور اسلامی!

● و آیا در کشورهای دیگر همین وضعیت در حال بوجود آمدن نیست؟

● یا رسول الله حرفهای دلت را شنیدیم و رنج درونت را احساس کردیم و اینک در همان زمانی قرار داریم که از آن پیش بینی کرده بودی، یا رسول الله از خدا بخواه که به ما کمک کند تا مبادا خواب غفلت و هوی و هوسها و زرق و برق شیطانیان ما را گمراه کند و در گرداب ظلالت فنا شویم.

### آخرالزمان چه زمانی است؟

● آخرالزمان قرنهای بعد از حیات پیامبر فاصله زمانی دارد



و نزدیکترین زمان به ظهور حضرت مهدی است.

● پیامبر و امامان ما درباره آخرالزمان برای مردم زمان خود، چیزهای بسیاری را گفتند و غالباً مورد تعجب و حیرت مردم قرار میگرفت و چه بسا خیلی از آنها باور کردن این حرفها مشکل بنظر میرسید که چگونه مردم آخرالزمان تا به این حد منحرف میشوند و به بیراهه میروند مگر میشود که وضع مردم، اینقدر خراب میشود و تمامی سنتهای خوب اجتماعی و فرامین الهی به کنار میرود.

● بله جای آداب و رسوم خوب اجتماعی و فرامین الهی، هرج و مرج حاکم میشود اما با نام مد و کلاس و امروزی بودن، ولی در واقع نه تابع جایی هستند و نه به چیزی معتقدند و نه در وضعیتی ثابتند و نه خود، تصمیم گیرنده هستند و نه از آینده و نتیجه کارشان باخبرند بلکه هر روز و هر ساعت باید به یک وضع و شکل خاصی درآیند حالا چرا معلوم نیست، پشت پرده، کارگردان کیست معلوم نیست و مردم مثل عروسکهای خیمه شب بازی هستند که به هر سازی باید برقصند و الا عقب افتاده و امل بحساب می آیند و باعث سرافکنگی آنها میشود.

● سئل أبا جعفر عن آخرالزمان یا بن رسول الله متی یخرج قائمکم؟

● از امام باقر علیه السلام پرسیدند: ای فرزند پیامبر خدا چه وقت، این قائم

شما از غیبت خارج میشود و ظهور میکند؟



● قال ﷺ: اذا تشبه الرجال بالنساء.

● آنحضرت فرمودند آنگاه که مردان خود را شبیه زنان کنند.

● یعنی مردها با رفتار و کردار خود مثل زنهار رفتار می‌کنند و با طرز لباس و آرایش کردنهای جورواجور زنانه و با رفتار و کردار و ادا و اطفاری همچون دختران و زنان، خود را ظریف و لطیف و ملوس نشان میدهند.

● واقعا حیف است که به اینها مرد بگویند چون اینها لیاقت مرد و مردانگی را ندارند همان خوبست که بشکل زنها باشند البته نه مثل زنهاى خوب، بلکه به شکل زنهاى بد، لیاقت آنها هم همین است.

● و النساء بالرجال

و آنگاه که زنها خود را مثل مردها در می‌آیند.

بسیاری از دخترها و زنها در آرایش و طرز لباس و ادا و اطفار مردانه دیده میشوند خیلی خشن و بی‌باک و لاابالی، بلند حرف میزنند و با صدای بلند می‌خندند و کارهایی میکنند که از مردها سر میزند البته نه مثل مردهای خوب!

● زن باید خانم باشد محترم و باوقار و باتمام خصوصیات خوب و ممتازی که دارد واقعا مایه افتخار خانواده و جامعه است و مرد هم باید مرد باشد و به مرد بودنش افتخار کند و با ادا و اطفار نمیشود



خلقت خالق را بهم زد.

● و در زمان ماجوانمردهائی که تمام وجودشان مردانگی و شرافت و غیرت است کمتر شده‌اند و زنائی که اسطوره‌های حیا و عفت و نجابت بودند متأسفانه تمامی خصصت‌های خوب در آنها کم‌رنگ‌تر شده است.

● و این موارد یاد شده که امام صادق به آن اشاره نموده، در هیچ زمانی اتفاق نیفتاد که زن ادا و اطفار مردها را در آورد و مردها خود را شبیه زن کنند بلکه اینچنین وضعی تنها در زمان ما که آخرالزمان است دیده میشود بنابراین، این پیش بینی آنحضرت مثل بقیه موارد، درست از آب درآمده و ما بوضوح داریم می‌بینیم.

● واكتفى الرجال بالرجال

● و مردها بهمدیگر اکتفا میکنند.

● این جمله معنای زیادی دارد و نمونه‌اش رواج همجنس بازی در اغلب کشورهای دنیا است.

● والنساء بالنساء.

● و زنها بهمدیگر اکتفا میکنند.

● وضع بقدری خراب میشود که هر چی شنیدی باور کن، و برای خودشان، مستقل می‌شوند.



● وركب ذوات الفروج السروج

● آنگاه زنهاییکه وجودشان لبریز از هوی و هوس است سوار سواریهها میشوند و چه جولانهایی میدهند

● زنهاییکه هفت قلم آرایش کرده و در خیابانها مانور میدهند و پیراژ و پز میدهند متأسفانه اینروزها زیاد می بینیم حتی زنها و دخترهایی که پول خرید ماشین را هم ندارند ولی برای تعلیم رانندگی، چه رقابتی باهمدیگر دارند و حالا که ماشین ندارند لااقل به داشتن گواهینامه هم تا حدودی میشود پز داد اینها به امید روزی هستند که صاحب ماشین شوند و آنوقت، رویاهایی که داشتند عملی کنند آنهم در خیابانها و انظار عموم مردم، بهرحال دخترها و خانمهای زیادی هم هستند که خیلی محترمانه و سنگین و باوقار، باماشین خود، کارهای مهمی در کارهای اجتماعی خودانجام میدهند بنابراین سواریهائی که آنحضرت در سیزده قرن پیش به آن اشاره نمود امروز بوضوح داریم می بینیم.

● و قبلت شهادات الزور

● آنگاه که بناحق، شهادت دادن و گواهی بدروغ و بزور دادن، قابل قبول و پذیرفتنی میشود.

● یعنی اینگونه افراد زیاد میشوند و دور زمانه بنفع اینها و دنیا بکام اینها میشود.



- **وردت شهادات العدل**
- **و آنزمان که شهادت و گواهی بحق دادن و راست گفتن، پذیرفته نمیشود و مورد قبول واقع نمیشود و گفته‌های اینها را رد میکنند.**
- **واستخف الناس بالدماء**
- **و آنزمان است که مردم، به خونهای ریخته شده و خونریزی‌ها بی اعتنا میشوند و به آن اهمیت نمی‌دهند.**
- **یعنی حوادث زیادی که امروز، ما شاهد آنها هستیم و می‌شنویم چه کشتار افراد و یا دسته جمعی در اینجا و آنجای دنیا، دست کم گرفته میشود و مردم نسبت به این چیزها اهمیت قائل نیستند و خونریزی بقدری زیاد شده که گوش ما از این حرفها پر شده، و به شنیدن این حرفها عادت کرده‌ایم.**
- **وارتکاب الزنا**
- **ورواج زنا در میان مردم وعادی شدن آن**
- **مرتکب شدن این گناه بزرگ، موجب خشم و غضب خداوند است گناهی که باعث از بین رفتن حیثیت تمام مردم است و عواقب رواج این گناه بزرگ، در جامعه، بسیار بد است و رواج زنا در جامعه، سر منشأ تمام بدبختیها است.**



- وأكل الربا
- ورواج یافتن رباخواری و عادی شدن آن
- ربا یکی از گناهان بزرگی است که مردم را در تله بدبختی قرار دادن است و زیان رباخواری غیرقابل وصف است.
- واتقی الا شرار مخافة ألسنتهم
- و آنزمان که مردم از ترس بدزبانی و تهمتهای ناروای افراد شرور و بیحیا در هراسند و از آنها میترسند.
- اگر امامان مابه نکاتی درباره اوضاع مردم در آخرالزمان اشاره کرده‌اند به این معنا نیست که تنها همین چیزهای بد، رواج می‌یابد بلکه آنها تا آنجا که توانستند به مهمترین موارد بدی که در آخرالزمان، رواج پیدا میکند اشاره نموده‌اند.

### درد دل‌های امام صادق علیه السلام از اوضاع مردم آخرالزمان

- امام صادق علیه السلام در یک بحث مفصل از اوضاع مردم آخرالزمان، موارد بسیاری را بیان نموده، که در واقع بیانگر درد دل‌های آنحضرت از وضعیت نابسامان جامعه و فروپاشی اخلاق مردمی است که تمامی آداب و ستهای خوب اجتماعی و فرامین الهی را کنار میگذارند درحالیکه وظیفه آن امام معصوم، هدایت و ارشاد مردم است و خواهان خیر و سعادت آنها در دنیا و آخرت است.
- واینک به یکایک جملات آنحضرت توجه کنیم:

● قال أبو عبد الله عليه السلام: ألا تعلم أن من انتظر أمرنا و صبر على ما يري من الاذى و الخوف، هو غدا في زمرةتنا. (۱)

● امام صادق عليه السلام خطاب به افراد با ايمان در آخرالزمان فرمودند آيا ميدانيد آنانکه با ايمان راسخ در انتظار حضرت مهدي عليه السلام هستند و در بدترين شرايط، صبر مي کنند از آزارها و سختيها و ترس و ناملايمات بسياري که مي بينند آنها روز قيامت از پيروان راستين ما هستند و به ما بسيار نزديکند؟

● اما چرا آنحضرت فرمودند که آدمهاي باايمان در آخرالزمان همواره در سختيها و ناملايمات و ترس قرار ميگيرند و با مردمي که همه چيز را کنار گذاشتند بخاطر همسو و هم رنگ نبودن با آنها گرفتار چه مشکلات و رنجهاي بسياري ميشوند و حالا بيانات آنحضرت را يکي پس از ديگري ميخوانيم و در نهايت، مي فهميم که علت آن چيست.

● حالا برويم سراصل مطلب و ببينيم که اوضاع مردم در آخرالزمان چگونه است و آيا اينهمه پيش بيني امام صادق عليه السلام به حقيقت پيوسته است؟

● فاذا رأيت الحق قد مات و ذهب أهله

● در آن زمان خواهی دید که حق و تمام خويها از بين ميرود و





مردمان خوب و پیروان فرامین الهی کمیاب میشوند و دیندار و با ایمانهای واقعی میان آدمهای بد که اکثریت هستند کم میشوند.

● یعنی تمام خوبیهای که بین مردم رواج داشت کمتر و کمزنگتر میشود و مردم بگونه‌ای عوض میشوند که پای بند دین و آئین و اصالت خود نیستند مهر و محبت‌ها کم میشود بجای عفت و نجابت و حیا، بی بند و باری و فساد و فحشا جایگزین میشود و بجای آداب و رسوم خوب اجتماعی، هوی و هوسها جایگزین میشود، بجای مردی و مردانگی و شهامت و شرافت، نامردی و بی غیرتی و سوسول و چرتی و خودفروشی جایگزین میشود و بجای حرمتها و احترامها، بیشرمی و پرروئی و لأبالی گری جایگزین میشود بجای آبرو و آبروداری، بی آبروئی آبرو و مایه سربلندی میشود و بجای حفظ ناموس، بی ناموسی مد و کلاس میشود، وقتی که از آزادی صحبت میشود بمعنای رواج بی بند و باری و فساد است و الی آخره که نتیجه همه اینها، فروپاشی اخلاق در جامعه است و از هم گسستن تمام خوبیها است.

● و رأیت الهرج قدکثر

● و در آن زمان خواهی دید هرج و مرج در جامعه، زیاد میشود.

● هرج و مرجی که تمام آداب و رسوم خوب اجتماعی از بین میرود و به دین و آئین، اعتنائی نمیشود فقط چیزی که ذهن مردم



رامشغول میکند هوی و هوسها و عیاشی و خوشگذرانی است، وقتی که وضع اکثریت مردم یک جامعه، اینطور شد آنوقت چه توقع و انتظاری دارید جز اینکه فساد و فحشا در جامعه بصورت علنی و آشکار رواج می یابد و همه چیز برای فروپاشی اخلاق و انحطاط جامعه، فراهم میشود.

● حالا معنی هرج و مرج را فهمیدیم؟ و اگر نفهمیدیم بقیه احادیث که تعریف کننده اوضاع مردم در آخرالزمان است خوب دقت کنیم آنوقت بهتر میفهمیم که هرج و مرجی که از آن گفته میشود یعنی چی؟

پس یادتان باشد بعد از این هر حدیثی را که یکی پس از دیگری در این کتاب میخوانیم همه آنها بیانگر هرج و مرج اخلاق و جامعه است و اثبات صحت گفتار امام صادق علیه السلام است که اینچنین برای اوضاع آخرالزمان، پیش بینی نموده اند.

● و رأیت الجور قد شمل البلاد

● «و در آنزمان خواهی دید که فشار و جور و ستم، مردم شهرها را فراخواهد گرفت». یعنی همه مردم شهرها و همه کشورها گرفتار مشکلات و بحرانا خواهد شد.

● جور: یعنی سختیها و ناملايمات روزگار، مردم همه گرفتار و هر کدام بنحوی درگیر انواع مشکلات، بدبختیهای جور و اجور،



هر مشکلی را که حل میکنی، به یک مشکل دیگر برمیخوریم خلاصه، آسایش، دیگر آسایش واقعی نیست صفا دیگر صفا نیست و خنده ها و شادیهها ظاهری است همه اینها به یک طرف، بدبختیهای سیاسی به یک طرف، و جنگ و دعواهای بین المللی به یک طرف، زورگوئی و گردن کلفتی کشورها بهمدیگر و دعواهای ساختگی و فتنه های جعلی تادلتنان بخواید زیاد میشود هیچ جا امن نیست اگر هم شنیدید که مردم فلان کشور در امنیت و خیلی خوش هستند مطمئن باشید آنجا هم روزی دچار ناامنی میشود کافی است که بایک جرقه سیاستمدار احمقی و یا توطئه کشور دیگری در آنجا نیز آتش جنگ خانمانسوز در ظرف چند روز، همه چیز را عوض میکند و خوشیها را از گلوی مردم آنجا بیرون میکشاند بنابراین حالا می فهمیم که مقصود و منظور «و در آنزمان خواهی دید که جور و ستم، مردم همه شهرها و همه کشورها را فرامیگیرد» یعنی چه؟

● و رأیت الأرحام قد تقطعت

● «و در آنزمان خواهی دید که خویشاوندی و حسب و نسب از هم بگسلد یعنی همه از همدیگر بریده میشوند و کانون گرم خانواده، کم کم روبزوال میرود.

● پیامبر و امامان ما درباره کانون خانواده در آخرالزمان، بارها و



بارها به آن اشاره نموده‌اند و تکرار کردن یک موضوع، بمعنای تأکید در حقیقت داشتن و بوقوع پیوستن آن بصورت حتمی خواهد بود و اکنون ببینیم که این همه تأکید در این پیش‌بینی‌ها، آیا امروز ما شاهد بحقیقت پیوستن و فراهم شدن زمینه‌های این پیشگوئیها هستیم؟

● در ایران اسلامی ما بحمدالله هنوز هم مردم مابه کانون گرم خانواده وابسته‌اند و بزرگ و کوچک و دور و نزدیک به همدیگر، علاقمند هستند ولی متأسفانه در بیشتر کشورهای خارج، این وضعیت خوب اجتماعی از بین رفته و اکثریت اجتماع از همدیگر بریده‌اند و ازدواجها از حالت سنتی و پایدار درآمد و بصورت یک وضع عاریه و موقت شده است یعنی دو نفر در یک برخورد با همدیگر دوست میشوند و مدتی در کنار همدیگر هستند و بمحض اندک کدورتی از همدیگر جدا میشوند یعنی بدون اجرای مراسم عقد، مدتی را در کنار همدیگر میگذرانند و بدون اجرای مراسم طلاق، خیلی راحت از همدیگر جدا میشوند و هر کدام به یک طرف میروند و چه بسا در این مدت، بچه‌ای هم از آنها متولد شده که او، قسمت پرورشگاه میشود و آنکه در پرورشگاه، بزرگ میشود در آینده، حال و روز بدتری از پدر و مادر اینچنانی خود خواهد داشت بهر حال، این وضع در بیشتر جاها در حال گسترش و عادی



شدن است اینگونه اولادهیچ ارتباطی به خانواده ندارند یعنی نه پدرونه مادرونه پدر بزرگ و مادر بزرگ و نه عمه و نه خاله و نه خواهر و نه برادر، تا چه برسد به بقیه اقوام و خویشاوندان دور و نزدیک، و اگر هم کسی پدر و مادر دارد می بینیم که او در یک خانواده باعده معدودی از خویشاوندان است.

● چند روز پیش دریکی از روزنامه هاخواندم که دولت انگلیس اعلام کرد که شصت و پنج درصد متولدین کشورشان، از راه نامشروع دنیا آمده اند و سه سال پیش دریکی از روزنامه هاخواندم رئیس جمهور کشور (.....) دریکی از اجتماعات بزرگ زنان، اعلام تشکر و قدردانی از آنهایی نموده که با روسپی گری کردن با توریست ها و یا با سفر به کشورهای دیگر، از این راه کمک شایانی در جلب میلیونها دلار ارز خارجی کسب کرده و با این کارشان، باعث تقویت بودجه و ارز مملکت آنها شده است.

● بنابراین افرادی که از کانون گرم خانواده داشتن محروم هستند اینها از نظر روحیه و عاطفه به جایی و به آئینی و به قومیت خاصی رابطه عمیقی ندارند هر کاری که بکند و هر جا که رفت و هر جور که شد برایشان مهم نیست و این درد بزرگی است که تعریف و توصیف آثار زیانبار آن، بسیار مفصل است و آنهاییکه به خارج رفته اند از نزدیک، این وضعیت بیخانمان بودن را بهتر

می بینند و متأسفانه در ایران ماهم کم کم اینچنین میشود و از اینجا شروع میشود که مردم، آنقدر که علاقمند به پارک رفتن و به بیرون رفتن دارند به خویشاوندان خود، صلهٔ رحم کردن، اهمیت چندانی ندارند و اگر هم یک وقت به خانه‌ای از خویشاوندان خود بروند می بینیم که پس از احوال پرسی مختصر، بیشتر وقتشان صرف تماشای تلویزیون و سیدی و نوآرهای تازه به بازار آمده و صحبت از چیزهای تازه مدشده، وقتشان را اینطور تمام میکنند بدون اینکه از دل و حال همدیگر با خبر شوند و بداد همدیگر برسند و برای حل مشکلات همدیگر، کاری کنند و این در واقع، آغاز راه است و چه بسا در آینده، وضع از این بدتر شود و متأسفانه، این بلای بزرگی است که جامعه ما را هم کم کم به آن، مبتلا خواهد کرد و جامعه مادر حال چهره عوض کردن است و بسمتی میرود که در آینده، نتایج و عاقبت خوبی نخواهد داشت مگر اینکه از خواب غفلت بیدار شویم.

● به خانواده و فامیل، عشق و علاقه نداشتن و به سنتها و آداب و رسوم خوب اجتماعی، بی میل بودن و از دین و آئین بریدن و ملیت و قومیت و میهن پرستی کم کم در حال کمرنگ شدن، همه اینها آفتی است بزرگ و فاجعه‌ای است که بی سر و صدا در حال دامنگیر شدن اجتماع سالم و ازبین رفتن تمام اصالتها است و همانطور که



میدانیم پای بند بودن به شرافتها در پرتو اصالتها است ولی وقتی که اصالت‌ها از بین رفت بقیه هم از بین میرود.

● ورأیت الرجل اذا مر به يوم ولم یکسب فيه الا من الذنب العظيم من فجور أو بخرس مکیال أو میزان أو غشيان حرام أو شرب مسکر کثیا حزینا یحسب أن ذلک الیوم علیه و ضیعة من عمره.

● و در آنزمان خواهی دید که یک مرد اگر روزی بر او بیگذرد و او گناه بزرگی نکند چه از فحشا باشد و چه از گران فروشی به مردم ویابد فروشی و تقلب در اجناسی که به مردم میدهد و یا از راه غش و حرام، پولی عایدش نشود و در آنروز مستی و یا نعشه نکند خود را، اینچنین فکر میکند که امروز چه روزبندی است و هیچ کاری نکرده و روی این حساب، ناراحت میشود.

● دور و زمانه ما اینطور شده و داریم خیلی‌ها را اینطور می‌بینیم آدمهایی هستند روزی نیست که آنها صد تا گناه ریز و درشت نکنند از فحشا گرفته تا بعناوین مختلف، سر مردم کلاه گذاشتن و پولهای بیخودی از چنگ مردم در آوردن و بهر کلکی که باشد پولهای قلمبه و ناهق به جیب میزنند و کاری به حلال و حرام ندارند و مقداری هم از اوقات هر روز خود، یا مست است یا نعشه.

● خلاصه، هر روز اینها اینطوری میگذرد و اگر روزی بیاد که روی هم‌رفته اینطور نباشد می‌بینیم که واقعا حالشان گرفته میشود و



روحیه آنها خراب است چرا؟ میگویند امروز ما نتوانستیم هیچکاری بکنیم.

● و رأیت الرجل يقول مالا يفعله

● و در آن زمان خواهی دید که یک مرد وقتی که حرف میزند، عمل نمیکند.

● در زمان ما خالی بندی زیاد رواج دارد، چیزهایی را میگویند که اصلاً حقیقت ندارد و خیلیها حرف میزنند ولی همش دروغ است و عده‌ای حرف میزنند ولی عمل نمی‌کنند و قول و قرار میگذارند ولی مرد عمل نیستند بهر حال نبایستی کسی حرف بزند و عمل نکند آنهم برای یک مرد، واقعا زشت است که اینطوری باشد ولی مردهای قدیم، واقعا مرد بودند وقتی که حرف میزدند حرفشان حرف بود و قولشان مردانه بود وقتی که می‌گفتند یا حق، یا علی، دیگر کار تمام بود یعنی برو خاطر جمع باش، آنچه که شنیدی از من، حتمی و صددرصد خواهد بود و امان از وقتی که دست روی سبیلش می‌گذاشت یعنی اگر سرم برود زیر قولم زیر حرفم نمی‌زنم ولی حالا جوانهای ماکه سبیل ندارند باید به ابروهای خود که زیر اون را برداشته اند دست بگذارند و قسم بخورند؟

● و رأیت الجار يؤذي جاره وليس له مانع

● و در آن زمان خواهی دید که همسایه، همسایه خود را اذیت میکند





و کسی هم جلوی او را نمی گیرد.

● اذیت و آزار همسایه بهر شکلی که باشد بد است ولی متأسفانه وقتی که اوضاع مردم، بیریخت شد این انتظار و این توقعات هم بعید نیست درحالی که اسلام به ما میگوید که همسایه بقدری با ارزش است که احترامش بر ما واجب میشود و حتی میتواند ارث هم ببرد بهر حال الان دیگر مثل قدیم نیست که یک نفر، همسایه خود را مثل برادر و خواهر خود بداند و ناموسش را مثل ناموس خود حساب کند، همسایه ها در غم و شادی همدیگر شریک بودند و بقدری همدیگر را دوست داشتند که طاقت دوری همدیگر را نداشتند و برای رفتن یک همسایه خوب، بقیه عزا می گرفتند و اینقدر همسایه ها با هم خوب بودند که می دیدی خانواده های این کوچه دهها سال و یا چند سال در این محل می نشستند و بخاطر عشق و علاقه ای که بهم داشتند اغلب همسایه ها با همدیگر، فامیل می شدند بهر حال یادشان بخیر و تمام آن آدمهای خوب با اون خوبیها رفتند و بقیه هم دارند میروند ولی الان که دنیا ترقی کرده و مردم با کلاس شده اند طوری شده که یکنفر اگر در خانه اش بمیرد وقتی که بوی گندش در می آید همسایه ها می فهمند که در این خانه کسی مرده، تلفن میزنند به آتش نشانی و کار تمام میشود و الان همسایه با همسایه رابطه ای ندارد و همسایه ها به همدیگر اعتماد



ندارد و همسایه به همسایه، خیانت و جنایت میکنند و اگر همسایه با همسایه خود رابطه‌ای مختصر دارند در حد پز دادن بهمدیگراست و به چیزهایی که دارند برخ همدیگر میکشند.

● و رأیت الجار یکرّم الجار خوفًا من لسانه

● و در آنزمان خواهی دید که مردم، همسایه خود را از ترس زبان بدش، به او احترام میگذارند.

● بله وقتی که یکنفر دین و ایمان نداشته باشد و جدان هم نخواهد داشت تهمت و افترا و انواع تعدی از او به ما میرسد و از همه بدتر، اگر بدزبان هم باشد و هیچی سرش نمیشود ممکن است که اگر به او احترام نکنیم برای ما درد سر درست کند او آدم بدی است و ما باید ملاحظه کنیم تا از شرش در امان باشیم.

● شاید خیلی ها گرفتار اینطور همسایه بدی هستند ولی ایکاش این آدم، همسایه ما نبود و هزار فرسخ از ما دورتر بود.

● و رأیت ابن الرجل یفتري علی أبيه، و یدعوا علی والدیه، و یفرح بموتهما

● و در آنزمان خواهی دید که پسر یک مرد به پدر خود، احترام قائل نمیشوند و تهمت میزند و حرفهای زننده‌ای میزند و علیه پدر، سروصدا و آبروریزی میکند و با مردن پدر و مادر، خیلی خوشحال میشود.



● یکی از نتایج بسیار بد این هرج و مرج یا آشفتگی بازار امروزی اینست که بی تربیتی و بیحیائی اولاد بجائی میرسد که حتی حرمت پدر و مادر خود را نگه نمیدارند و روابط خوب و عاطفی بین پدر و مادر با اولاد خود بهم میخورد و بچه‌های این دور و زمانه، اگر داشته باشی که به آنها بدهی، آنها با تو خوبند ولی اگر نداشتی چیزی به آنها بدهی، آنوقت است که با تو ضد و لج میشوند.

● و اولاد این دور و زمانه، برای پدر و مادر در هنگام پیری، عصای دست پدر و مادر نمیشوند و تا پدر و مادر داشته باشند که خرج اولاد خود کنند اولاد نیز با پدر و مادر خود خوب هستند وقتی که نداشته باشند پدر و مادر، حکم یک مزاحم سرراه آنها می باشد بلبه اینهم یک نوع بیوفائی و ناسپاسی اولاد با والدین خود می باشد که در این زمانه، از این چیزها زیاد دیده میشود.

● و رأیت الصغیر يستحق بالکبیر

● و در آنزمان خواهی دید که افراد کم سن و سال، به بزرگترها احترام نمیگذانند و آنها را مسخره میکنند و به ریش آنها می خندند و ● هرج و مرج یعنی فرو ریختن تمام آداب و رسوم خوبی که در میان جامعه رواج داشت یکی از آنها اینست که بچه‌ها پررو میشوند و آنطور که شایسته است به بزرگترها احترام نمی‌گذارند و به اشکال مختلف آنها را تحقیر میکنند.

● بنابراین یک معنای دیگر هرج و مرج، در واقع بی ادبی است وقتی که تمام موازین متعارف اخلاقی بهم خورد بمعنای اینستکه ادب در میان اجتماع، بهم ریخته و بی ادبی شامل حال صغیر و کبیر میشود، هرج و مرج یعنی بازار آشفته.

● و رأیت الزور من القول يتنافس فيه

● و در آنزمان خواهی دید که زورگوئی رواج می یابد و بلکه برای زورگفتن علیه همدیگر، رقابت هم میکنند

● اینهم یک نوع تعدی است یعنی با صدا کلفت کردن و آبروریزی، طرف مقابل را به زانو درآوردن و حق او را پامال کردن است و اگر کسی وجدان داشته باشد هرگز با سروصدا بلند کردن و زورگوئی علیه دیگری اقدام نمی کند.

● و رأیت الناس يعتدون بشاهد الزور

● و در آنزمان می بینی که مردم، بناحق و بنا روا شهادت میدهند و با این نوع شهادت دادن به دیگران تعدی میکنند.

● یکی از شیوه های تعدی و تجاوز به حق مردم، آنستکه تو بناحق و دروغ، بنفع کسی شهادت بدهی و یا کسی بناحق و دروغ، بنفع تو شهادت بدهد، و روی هم رفته حق طرف مقابل، پامال شود و پی کارش برود اما یادتان باشد که اگر او بادل شکسته رفت مواظب باشید که آه و ناله او پشت سر تو از اجرای حکم قاضی بمراتب بدتر



و سخت تر خواهد بود چون خدا جای حق نشسته و هیچوقت فکر نکنید که دنیایی سروصحاب است.

● و كان الربا ظاهرا لا يعير

● و در آن زمان می بینی که رباخواری علنی میشود و کسی رباخواران را سرزنش نمی کند

● رباخواری بهر نوعی که باشد بد است و عامل مهمی در زیان رساندن و فشار آوردن به طبقه پائین تر مردم میشود، رباخوار، از راه نامشروع، پول و امکانات مردم را جذب خود میکند

● رباخواری به مردم زیان میرساند و حق مردم را حق و ناحق میکند و کسی که ربا میخورد او برای هر کار بد دیگری آمادگی دارد لذا رباخواری، تمام زمینه های خوب اخلاقی و عاطفی را بهم میزند و متأسفانه کار رباخواری به جایی میرسد که شاید خیلی ها فکر کنند که حقش هست او این پولها را بخورد و او از دیوار مردم که بالا نرفته و با پول خود کار میکند و از این حرفها، رباخواری، افرادی را که در لای گیره مشکلات زندگی قرار دارند آنها را بیشتر در تنگناها قرار میدهند.

● و رأيت القمار قد ظهر

● و در آن زمان خواهی دید که قمار بازی، زیاد و علنی میشود.

● قمار بازی هر جور که حساب کنی مایه ضرر است و ضرر، هر



جور که باشد بد است و متأسفانه تازه اسمش را هم گذاشته‌اند  
تفریح و سرگرمی، بعضی‌ها هم که باصطلاح عاقل‌ترند میگویند اگر  
بازی کنند بهتر است تا بنشینند و غیبت این و آن کنند و یا توی  
خیابانها بدنبال ناموس مردم بروند.

● خوب اگر قماربازی اینقدر خوب است پس قماربازها افراد  
شریف جامعه هستند چون نه اهل غیبت هستند و نه گناه.

● اینها همش حرفهای مزخرف است وقتی که خداوند اینهمه  
قدرت و استعداد به انسان داده که میتواند خلاقیت‌های عجیبی کند و  
با کمک چند نفر دیگر بنشینند و ابتکاراتی کنند که بدرد خود و مردم  
جامعه و دنیا بخورد و آیا نمیشود ساعتها وقت که پای قماربازی  
میشود به مطالعه و به هنرهای دیگر مشغول شوند و هزار کار و هنر  
دیگر.

● لذا می بینیم اغلب آنها تیکه وقت زیادی را پای پاسور بازی  
و انواع قمارها می نشینند خیلی آدمهای درستی نیستند و با قمار  
بازی، روها بهم‌دیگر باز میشود چون یکی از اثرات بد قمار،  
بدآموزی است چون در قمار بازی می خواهند هم‌دیگر را ببرند و با  
ضربه و کلک زدن، بر هم‌دیگر غلبه کنند و طرف مقابل ببازد و او  
ضرر کند، و از همین دور همنشینی و قمار بازی‌ها زمینه ساز چه  
کارهای بدی هست که بعداً انجام داده میشود.



● چه خوب است که جوانها کمی هم از وقت خود را صرف راز و نیاز با خدا کنند و با خدای خود، حال کنند و کمی هم در مساجد و تکایا بروند و استفاده و ثواب ها ببرند و باحضور در مراسم و مجالس، خاطره‌های خوب و به یادماندنی در ذهن آنها ماندگار شود که تا دهها سال دیگر بگویند یاد آنروز بخیر، چقدر خوب بود و وو

● و رأیت سفک الدماء يستخف بها

● و در آنزمان می‌بینی که ریختن خونها بقدری زیاد میشود که دیگر با شنیدن اینحرفها اعتنائی نمیشود.

● ریختن خون افراد بهر شکل و عنوانی که باشد واقعا چندان آواراست بخصوص اگر خون کسی بناحق ریخته شود واقعا زجر آور است و اگر خونریزیها زیاد شود و بشنویم و یا ببینیم که در فلانجادهها نفر آدم کشته شده، واقعا وحشتناک است و اعصاب ماداغون میشود ولی امان از آنوقتی که مردم، عاطفه نداشته باشند و سنگدل باشند و دیدن و یا شنیدن این صحنه‌ها برای آنها کم کم عادی میشود و آنوقت است که دل کسی بحال خون بناحق ریخته دیگران نمی‌سوزد.

● و رأیت الرجل يقتل علی الظنة

● و در آنزمان خواهی دید که یک فرد بخاطر یک گمان و بیایک چیز جزئی، او را می‌کشند.



● وقتی که آدم بی ارزش شد کشتنش و لاشه مرده اوبی ارزش تراست و امان از وقتی که وضعیت آشفته بازار جامعه بحدی برسد که بی بندوباری و بی احتیاطی در کشتن افراد، اهمیت چندانی ندارد و بمحض اینکه بناعلی کسی را نخواهند و یا بخاطر چیزی، خیلی راحت او را می کشند و هیچ طور هم نمیشود و بلکه اگر کسی اشتباهها و یا سهوا و یا بگمان اینکه او شاید همانی باشد که دنبالش می‌گشتیم و یا او بخاطر اینکه اینطور آدمی هست و از او خوشمان نمی‌آمد و یا بخاطر چیزی او را باید بکشیم او را می‌کشند و دیگر لازم و مهم نیست که یقین داشته باشند حالا اگر بعدا یقین پیدا شد که خودش بود خوب هیچی، و اگر هم یقین پیدا نکردند و معلوم نشد چی به چی بود آنهم مسأله‌ای ندارد و قضیه تمام میشود.

● وقتی که آدم، بی ارزش و بی بته شد نتیجه‌اش بهتر از این نمیشود، کشتن افراد چه از طرف دولتها باشد یا مردم، خیلی فرق ندارد با یک گلوله، او را می‌کشند و کارگران شهرداری فوراً لاشه او را لای خاک می‌گذارند. کار تمام میشود و انگار نه انگار اینچنین اتفاقی رخ داده و اگر هم چند روز بگذرد که دیگر هیچی!

● و متأسفانه حتی اغلب فیلمهای سینمایی و تلویزیونی، آموزش دهنده قتل و کشتار و انواع فنون جنایت است و بچه‌های ما را از کوچکی به این فیلمها علاقمند میکنند و تا بزرگ شوند همیشه به





این فیلمها تماشا میکنند و همه چیز یاد میگیرند.

● نگاه میکنی در این فیلمها، یک نفر باهفت تیر، خیلی راحت، تق تق تق، این و آن را میکشد، تازه میگویند که این فیلم، چقدر خوب بود ولی اگر فیلم آموزش دهنده اخلاق و یک موضوع وجدانی بود میگویند فیلمش خیلی خانی نبود بله وقتی فرهنگ بی فرهنگی مردم، ضایع شد این هم یکی از نتیجه‌های بدان است لذا نگاه میکنی که بچه‌ها یا امروز و بخصوص در آمریکا و اروپا وقتی که بزرگ میشوند سنگدل و بی عاطفه و بیرحم و قسی القلب هستند و آنها هم مثل اون هنرپیشه‌های محبوب خود، دست به کارهایی میزنند.

● همین چند روز پیش در اخبار تلویزیون نشان می‌داد که یک پسر سیزده ساله با هفت تیر پدرش که خواب بود می‌آورد مدرسه و چند نفر از همکلاسی‌های خود را میکشد بدون هیچ انگیزه و یا قصد و غرضی، فقط مثل فلان فیلم

● متأسفانه حتی درخانه‌های ما همیشه بتوسط تلویزیون که خود یک معلم خانگی شده، بچه‌های ما را در خانه خودمان، هفت تیرکشی، آدم‌کشی و بدآموزیهای متفرقه، که در مجموع بدآموزی بزرگ و بسیار بد است آموزش میدهند



- و رأیت الغيبة تستملح و يبشر بها الناس بعضهم بعضا
- و در آن زمان می بینی که غیبت کردنها چیز با نمکی میشود و مایه دلخوشی همدیگر میشود و با یک غیبت، مایه بشارت و خوشحالی همدیگر است.
- معمولا پشت سر کسی خوب گفتن و تعریف کردن، غیبت نیست غیبت آن است که پشت سر دیگران بدگفتن و بدشنیدن است.
- یکی از سرگرمیهای دور همنشینی ما غیبت کردن و پشت سر این و آن حرف زدن است غیبتهایی که همه اش تهمت است و ضایع کردن دیگران، از دزد کردن او تا به زن و بچه اش تهمت زدن و هزار جور حرف دیگر.
- زیان است و هر جور بخواهی میچرخد و حرف زدن و تهمت زدن، خرج بر نمی دارد و سرمایه لازم ندارد و خیلی راحت و ارزان، میشود به دیگران مارک چسبانی و الکی کسی را بدنام و ضایع کردن و آبرویش را بردن.
- و رأیت أصدق الناس عند الناس المفتری الكذب
- و در آن زمان می بینی که راستگوترین مردم در نزد مردم، دروغ پردازان و حرف مفت زنها هستند.
- اینهم یکی از سوغاتهای هرج و مرج اجتماع است و نتیجه کاربی ادبی بجائی میرسد که اینطور آدمهای خالی بند و دروغگو



و حرف مفت زن، آدمهای خوشمزهای میشوند و خیلی دوست داشتنی هستند چون اینطور افراد برای اینکه دل طرف شنونده را بدست بیاورند و او هم خوشش می آید و کاری به راست و دروغش ندارد همین مقدار که این حرفها را می شنود دلش آرام میشود.

● و رأیت الناس مع من غلب

● و در آن زمان خواهی دید مردم با کسی همراهی میکنند و از کسی پیروی میکنند که او برنده و غالب شود

● در هر زمینه خواه بوده باشد مردم برایش هورامی کشند و کاری به مشروع یا نامشروع بودن آن ندارند و کاری به نتایج و عواقب خوب و بد آن ندارند فعلا هوی و هوسها حکم میکنند که برای آن برنده و غالب شده، دست بزنند.

● برای فوتبالیست معروف باشد و یا برای آن خواننده باشد و یا برای آن رقاصه و یا هنرپیشه باشد و چیزهای دیگر، میخواهند برای او خودکشی کنند و الکی الکی از او دفاع میکنند بدون اینکه دو ریال این حرفها بدردش نمیخورد.

● و رأیت الثناء قد کثر

● و در آن زمان خواهی دید که چه چه و به به از یاد میشود

● در تمام زمینهها تعریفهای بیخود و الکی و بدون استحقاق، بین



● آیا از این ظواهری که در کوچه و خیابان و بازار و پارکها و مجالس و همه جا می بینی بنظر شما عاقبتش چطور است و چه تصور میکنی که آخرش به کجا ختم میشود و به چه چیزی میرسد؟ خیر و صلاح مردم و یا توسعه مفاسد اجتماعی است بهر حال قضاوت با شما است و نمیشود که همش من حرف بزنم یکذره شما هم فکر کنید.

● و رأیت مسلک الخیر و طریقه خالیا لایسلکه أحد

● و در آن زمان خواهی دید که آداب و رسوم و شیوه های خوبی که مایه خیر و سعادت مردم بود به کنار میرود و راه درست از آدمهای خوب، خالی میشود و دیگر به آن شیوه ها اعتنائی نمیشود

● آدمهای خوب رفتند و آنهایی که ماندند دیگر کسی به حرفهای خوب آنها اعتنائی نمیکند و تمام خرابیها با آن آدمهای خوب در حال رفتن است تا آنجا که نه آن آدمها باشد و نه خوبیها بماند و همه آن آداب و رسوم خوب مردمی در حال قدیمی شدن است و آنچه که جدید و امروزی جایش را میگیرد هیچ نتیجه ای جز در نهایت، باعث بدبختی مردم میشود و همه آن آداب و رسوم خوبی که در میان اجتماع رواج داشت کسی دیگر به آن علاقه ندارد و از آن پیروی نمیشود.

● امروز همه بخوبی میدانیم که وضعیت رفتار و کردار مردم بخصوص جوانها مطابق موازین شرع و عرف نیست و هر روز هم،



وضع بدتر و خراب تر میشود با اینحال دیگر تمایلی وجود ندارد که مردم بخصوص نسل جدید در رفتار و کردار خود، اصلاحی به عمل آورند و متأسفانه این اوضاع نامناسب و پرهرج و مرج در میان مردم در حال جافتادن است و به این اوضاع پراشوب، کم کم عادت میکنند و کسی نیست که عبرتی بگیرد و بهوش بیاید.

● پی بند و باری کولاک میکنند و فساد در حال افزایش است و باد هوی و هوسها و شور شهوتها و مستی بیخردیها سر تا پا وجود جوانهای ما را فرا گرفته و انگار در دنیا غیر از این، چیز دیگر و راه بهتری وجود ندارد و عاقبت کار، ضررش را خودشان می بینند و سرمایه بدبختی توی چشم خودشان میرود و اگر هم یکروزی کسی بیدار شود می بیند که دیگر فایده ای ندارد و فرصتها از دست رفته و کار به اینجا رسیده که دیگر نمیشود کاری کرد.

● عاقبت به خیر شدن خوب است ولی متأسفانه اگر وضع اینطور پیش برود برای آنها در آینده، عاقبت خیری متصور نمیشود و این درد بزرگی است در دل آنهاست که آگاهی دارند و همه چیز را درک می کنند.

● ورأیت کل عام يحدث فيه من البدعة و الشر أكثر مما كان

● و در آنزمان خواهی دید که هر سال در میان مردم، بدعتها و شر



در شیوه‌های جدیدتر بوجود می‌آید و هر سال، پیش از گذشته بدعت‌ها و شر افزایش بیشتری می‌یابد.

● بدعت یا ابداع بمعنای نوآوری‌های تازه‌ای که در میان مردم، رواج می‌یابد و مردم از آن پیروی میکنند نوآوری‌هایی که قبلاً وجود نداشت ولی حالا رواج یافته و همچنین زمینه‌های خرابی اوضاع اجتماع و نابسامانی را که مایه فتنه و شر است از آن بدعتها بوجود می‌آید.

● بدعت در تمام زمینه‌ها بمعنای چیزهای تازه‌ای ابتکار میشود چه در افکار و آراء مردم و چه در رفتار و کردار مردم، باعث دگرگونی‌های موقت و زودگذر میشود که پس از آن بلافاصله چیزهای دیگری رواج می‌یابد و یا چیزهای دیگر مد روز میشود و پس از مدت کوتاهی، این بدعتها یا نوآوری‌ها پی در پی برای مردم، مایه شرویدبختی بیشتری فراهم میشود.

● تمام اینها نشاندهنده اینست که مردم، بی محتوا شده‌اند و از فرهنگ اصیل خود، تهی شده‌اند و از آداب و رسوم خوب اجتماعی که داشتند دور شده‌اند لذا مردم همچون برگهای درختی هستند که هر ساعت، وزش باد، آنها را بسوئی میگرداند یعنی هر روز با یک طرز تفکر و هر روز با یک شیوه و رفتار و کردار و لباس و آرایش



● آدمهائی که افکار و سلیقه هایشان هر روز بوضع خاصی درمی آید و خود، هیچگونه استقلال فکری ندارند در واقع اینها راه را گم کرده اند و بازیچه شیطنت شیاطینی شده اند که آنها خوب میدانند با مردم ساده لوح چکار کنند تا روزی بتوانند از این آب گل آلود، ماهی بگیرند و تمامی اینها نشاندهنده اینست که مردم از فرامین الهی دور شده اند و از فرهنگ غنی و اصالت خود کنده شده اند همچون درختی که از ریشه کنده شده و بر زمین رها شده و هر روز پژمرده تر و خشک تر میشود لذا مردم دچار یک نوع مرض روحی شده اند که اسمش مد و کلاس گذاشته اند و ظاهراً همه آن خوبی است و زرق و برق و قشنگی است و مایه دلخوشی و سرگرمی و تفریح و تنوع و نمایش گذاشتن و پز دادن است ولی در باطن، فروپاشی از درون است و عامل مهمی برای ایجاد بدبختیها برای مردم است و مشکلات و عواقب بسیار بدی دارد بدون اینکه مردم بفهمند چرا؟- ولی با مرور زمان، همه چیز بنفع اهریمنی که پشت پرده نشسته، تمام میشود و او برنده اصلی است و بازنده، مردمی هستند که بیخرد و کوتاه فکر و تابع هوی و هوسهای زود گذر می باشند.

● یکروز فلان چیز مد میشود یعنی شلوار یا پیراهن و یا نوعی آرایش جدید مد میشود می بینیم که فوراً همه موهای سرشان به این



شکل درمی آید و یا فردا همه شلووار این رنگی و یا این مدلی می پوشند و یا کفشی که به این شکل است باید همه بپاکنند حالا چرا اینقدر مطیع و رام هستند کسی نمی داند و اصلا در این باره، فکر هم نمی کنند آیا چه کسانی پشت پرده، مردم با این عروسکهای خیمه شب بازی را بازیچه خود قرار داده اند معلوم نیست، مگر چطور شده که همه مردم تابه این حد، پیرو مطیع بی چون و چرا شده اند؟

● مطمئن باشید کار به این سادگی نیست و دستهایی پشت پرده است که میخواهد مردم را به جایی برساند که در نهایت، همه چیز به نفع خودش تمام شود و این دستها، دستهای پر قدرتی است که همه تلفزیونها و ماهواره و اینترنت و مجلات دنیا در خدمتش هستند و دلارهای بسیار و بیش از حد دارد و در زمینه های دلخواه خود، سرمایه گذاری میکند و امروز استعمارگران، کشورها را با لشکرکشی و آوردن توپ و تانک، فتح نمی کنند و این شیوه ها کهنه شده و به این نتیجه رسیده اند که بهترین راه، تسخیر دلها است و تغییر افکار است تا با آمدنشان کسی قیام و مبارزه نکند هیچ، بلکه برای او دست هم بزنند و هورا بکشند برای همین است که بزرگواران دین ما از هوی و هوسها بسیار بد گفته اند و آنرا عامل مهمی در ضایع شدن انسان میدانند چون ریشه تمام بدبختیها در آغاز از هوی و هوسها شروع میشود.





● این را خوب بدانید که اگر مد و هوی و هوس در بین مردم رواج یافت بدانید که سایه شوم اهریمن در میان مارخنه کرده و حتما او در اهدافی که دارد هر لحظه به جلوتر می‌رود و هر چه مدگرایی در میان ما رواج بیشتری بیاید در واقع جای پایش محکم‌تر شده است چون کار مدگرایی، نتیجه‌اش رواج فساد است و دشمن در آغاز کار، با لقاء افکار تازه و به اصطلاح مترقی و امروزی در میان مردم باعث می‌شود تا کم‌کم ایمان مردم را سست کند تا پای بندی به آداب و رسوم اجتماعی کمتر شود و بمرور زمان، همه چیز کنار می‌رود تا زمینه خوبی برای گوش کردن مردم به حرف‌ها و کارهای بعدی مهیا شود وقتی که به اینجا برسد این وضع رسیدیم ما را می‌برند در مد و کلاس و با این شیوه، جوانهای ما را قرتی و لاابالی و کم‌کم فساد والی آخره، و امروزی بودن یعنی این، خوب حالا هم اینطور شدیم و به کلاس بالا بودن هم افتخار می‌کنیم و عاقبتش را می‌بینیم که فساد و فحشا همه جا زیاد شده و این نهایت کار جدول برناقه ریزی اهریمن بیگانه است و بعدش هیچی، چون تمام زمینه‌ها برای اهداف شوم و خبیث خود، حاضر و آماده است و حالا خودش به میدان می‌آید با شعار نجات بشریت و ضرورت مراعات حقوق بشر، اما حقوقی که او می‌گوید چیست؟

اول، ورود او به اینجا است و آزادی و دموکراسی فقط در زمینه رواج



فساد و فحشاء است و بعدش، زیاد شدن ایدز و انواع مدلهای جدید موادمخدر و کم کم خراب کردن و از بین بردن مردمی است که زمانی برای خود، فرهنگ و تمدنی داشتند و در تاریخ، صفحات زرینی در تمام زمینه‌ها دارا بودند و الان چندمیلیون ایدزی و چند ملیون چرتی و معتاد و بقیه، آدمهائی بی بند و بار فاسد و بی غیرت شده و...

● پس دشمن، کاری به بشریت ندارد چون ماهر روزشاهد و ناظر جنایات فجیع کشتار مسلمانان فلسطین و مردم عراق در حال حاضر هستیم و کشتار مردم ویتنام و هیروشیما و حوادث دیگر را فعلا ندیده میگیریم.

● پس مدوانواع آن که هر روز چیزهای تازه‌ای بمیان مامی آید بیقین بدانید که آنها سفیران نابودی جامعه و اصالت ها و فرهنگها هستند و مردمی که پیرو و مطیع هر روزی مدلهای جورواجور هستند در واقع آنها خوشامدگویان سفیران اهریمنی هستند که چهره زشت و شوم آنها در سالهای آینده بخوبی نمایان میشود و آنوقت تمام گرد و غبارها و برفکها کنار میرود و صحنه را آنقدر واضح و صاف و شفاف می بینیم که اکثریت مردم، خران دجال «دغلکار» میشوند و بی چون و چراباهی هی و چوب دستی اوبه اینسو و آنسورانده میشوند.



● و این دجال در احادیث، یهودی است و امروز همه میدانیم که قدرت صهیونیسم جهانی بحدی است که بیشتر مناطق دنیا در زیر سلطه و نفوذ آنها است و در خط اهداف برنامه ریزی شده آنها حرکت میکنند و چند کشوری که تابع و در زیر سلطه صهیونیسم نیستند بالاخره، یا بزور و یا با دلار، آنها را هم به زیر یوغ خود میکشند بنابراین مدلهای جورواجوری که هر روز به این مردم تحمیل میشود آخرش سلطه بیگانگان و فروپاشی یک جامعه اصیل است و تحریک هوی و هوسها و بی بندوباری، مقدمه و اول کار است برای کشاندن مردم با شرافت و نجیب به منجلاب لواط و زنا و فساد عمومی است پس آخر مدگرایی و عاقبت باکلاس بودن را هم فهمیدیم و تمام نوآوری ها در افکار و مدگرایی در نهایت به توسعه فساد در جامعه منتهی میشود.

● حالا معلوم شد که امام صادق علیه السلام این بدعتهای هر روزی رواج یافته در میان مردم را چرا شریاد نموده و آنرا برای مردم، مایه نکبت و بدبختی خواهد بود عین حقیقت است.

● این گفتار امام صادق علیه السلام بگونه ای است که گویا او اکنون در زمان ما است و از نزدیک، شاهد و ناظر وضع مردم است که اینچنین میگوید در حالیکه این وضعیها در زمان آنحضرت وجود نداشت و حتی در هیچ زمانی و در هیچ مکانی، اینچیزها نبود و حتی علمائی



که این احادیث را در کتابهای خود نقل میکردند درباره‌اش توضیحات زیادی ننوشته‌اند چون بدرستی نمیتوانستند معنا و مفهوم آنرا درک کنند چون در زمان آنها این اوضاع و این اتفاقها رخ نداده بود و این ماهستیم که در این زمان، این پیش‌بینی‌ها را بخوبی داریم می‌بینیم و حقیقت تمامی گفتار بزرگواران ما الان در حال رخ دادن است.

● و حالا معنای کلام آنحضرت را بهتر می‌فهمیم که هر سال چیزهای تازه‌تری مد میشود و بلکه هر سال بر چیزهای باصطلاح مد شده یا نوآوریهای افزوده میشود یعنی چه؟ چون هر سال بدعتها از سال قبلش، بمراتب بیشتر میشود که همه اینها بدعناهی سوق دادن مردم به وضع نامطلوبی است که هرچه زمان بگذرد اجتماع دچار هرج و مرج بیشتری میشود و حالا می‌فهمیم که آن امام فرمودند «نتیجه این بدعتها شر است و هر سال، شر حاصل از این بدعتها بیشتر از گذشته دامنگیر مردم میشود» یعنی مردم به آثار زیانبار این بدعتها هر سال بیشتر از سال قبل در منجلا ب و دامی که حاصل بدعتها یا مدلگرائی القائی شیطانیان است مبتلا میشوند و نابودی و خرابی اوضاع اجتماعی در میان آنها بسرعت زیادی گسترش می‌یابد.



● و رأیت البدع و الزنا قد ظهر

● و در آنزمان خواهی دید که بدعتها «نوآوریها» و فساد و فحشا در همه جا آشکار است.

● بدعتها همان نوآوریهای هر روزی یا ابتکارات وارداتی است که در افکار و رفتار و کردار مردم، تأثیر بسیار بدی دارد

ما میگوئیم افکار و مدهای جور و اجور و پی در پی هر روزی بطور مرتب بدست ما میرسد خوب اینرا فهمیدیم اما راستی آنهاچه کسانی هستند که هر روز و بطور دائم، این القاءات و افکار و مدهای جور و اجور و پی در پی را بطور مرتب برای ما میفرستند و آنها چه کسانی هستند که اینهمه زحمت و تلاش میکنند برای اینکه ماهر روز به یک فرم و به یک شکلی در بیائیم و راستی برای چی اینهمه سعی و تلاش میکنند؟

● آیا واقعا می خواهند برای ایجاد تنوع و تغییر روحیه ما، اینهمه مدل‌های جور و اجور، هر روز برای ما چیز تازه‌ای میفرستند یا اینکه قصد و غرض آنها چیز دیگر است و آنها هدف خاصی را تعقیب میکنند؟

● امام صادق علیه السلام در پیش بینی از اوضاع ما مردم آخرالزمان اینچنین میفرماید که اول، بدعتها یا نوآوریها در میان مردم رواج می‌یابد و سپس دنباله و نتیجه‌اش، زیاد شدن فساد و فحشاء در جامعه است



خوب حالا دقیقا اوضاع ما هم همینطور شده و می بینیم که اول، مردم را در افکار تازه و کلاس و مدهای جورواجور و پی در پی راه می اندازند و سپس دنباله ونتیجه آن، زیاد شدن فساد و فحشا در جامعه منتهی میشود یعنی تمام این افکار و مدها و کلاسها، زمینه ساز رواج فحشا بین عموم مردم و کم کم عادی شدن انواع مفاسد است.

● بعد از این دو مرحله، مرحله سومی هم وجود دارد که مرحله نهائی است و آن، اینست که مردم را بجائی میرسانند که فساد، بصورت یک پدیده و فرهنگ رایج و نمادین آنها میشود و مردم از آن آداب و رسومی که قبلا داشتند جدا میشوند و از دین و آئینی که داشتند کم کم بریده میشوند و کافی است که دو یا سه نسل هم بگذرد و انشاءالله زنده باشیم آنوقت اگر توانستی بیا و ثابت کن که یک زمانی اینجا ایران بود و مردمش اینطوری بودند آیا آنوقت چه کسی حرفهای شما را باور میکند چون نسل آینده در آن محیط، چشم باز کرده و از روز اول، اینوضع را اینطور دیده و غیر از فرهنگ روز، هیچی دیگر نمی فهمد و نه قبول دارد بهر حال حرف برای گفتن زیاد است اما چیزی که کم هست افراد آگاه و مردم عاقل و جوانهای هوشیار که همچون دانه های قیمتی در میان انبوه ریگزار بی ارزشی هستند و سنگهای قیمتی در میان ریگزار، چهره دیگری



دارند و درخشش و جلوه خاصی دارند و از آن دور، نگاه هر کسی که به آنها بیفتد فوراً می فهمد که اینها چیز دیگر و غیر از بقیه سنگها است.

انشاءالله همه مردم و بخصوص جوانان ما در مثال همچون سنگهای قیمتی هستند که در میان ریگزار یا مردم بیخرد و سفیه و بی بند و بار، همچون سنگهای خوب و ممتاز باشند.

و اینکه ما ایران و جامعه خودمان را مثال میزنیم تنها برای دلسوزی است تا مردم، بیدار و آگاه باشند تا مبادا روزی در مملکت ما اینچنین وضعیتی در نسلهای آینده بوجود آید و بحمدالله مملکت ما مملکت اسلامی است و مردم غیرتمند آن به شرافت و آئین خود، عشق و علاقه خاصی دارند.

● اما حرف آخر اینست که دشمن پلید و جهانخوار، خوابهای بدی برای مادیده و میخواهد با رواج افکار هر روزی و موقت و زودگذر و مدهای پی در پی، با مرور زمان کم کم مردم را از ایرانی بودن و از وابستگی به فرهنگ و تمدن و تاریخ درخشانی که داشتند جدا کنند و ما را در تمدن لجنزای ببرند که مردم، هر کی به هر کی و هر جور شد شد، نه عرق ملی هست که بچنبد و نه رگ دینی در وجود کسی هست که بخروشد هر مرد برای خودش جدا و آزاد و هر زن برای خودش جدا و آزاد باشد آنوقت است که در اینصورت، قطع نسل و



کندن ریشه آنها خیلی واضح پیدا است و دشمن ما خیلی هم عجله دارد و میخواهد که بسرعت به این آرزو و نقشه هائی که دارد برسد پس ناچار است که فساد و فحشا با مدهای جدیدتر و افکار مخربتر، سرعت و شدت بدهد و از طرفی برای اینکه کار را محکمتر کند و سریعتر انجام دهد هر روز مدل جدیدتری از مواد مخدر و با کلاس بالاتر وارد جوانها میکند جوانهائی که هنوز ازدواج نکرده اند و به مرحله تخم ریزی نرسیده اند فرصت و زمان مناسبی است که تیشه قرص و محکمی را بر آنها باید زد تا اصلا از مردی و مردانگی بیفتند و بمرور زمان، کم کم هر کدام یکجور از بین بروند.

● و از طرف دیگر، ایدز را به شکل مختلف بجان مردم می اندازند و مثل کشور «.....» که ده میلیون جمعیت دارد شش میلیون نفر آنها گرفتار ایدز هستند و فلان کشور همسایه ما «.....» ایدز و اعتیاد در آنجا بصورت سرسام آوری در میان مردم، کولاک کرده و آمار و ارقام مرگ و میر و کاهش جمعیت بشدت رو به کاستی است و گاهی جسته و گریخته، از دهن کسانی از بزرگان دولت، حرفهائی میپرد و ارقام کاهش عجیب جمعیت را اعلام میکند ولی فردا فوراً می بینیم که همه روزنامه های آنجا بسیج میشوند و اینخبر را تکذیب می کنند.





● و حرف آخر من اینست که دشمن بیدار و تیز هوش ما از راه سمی که به ما میدهد ما را میکشد و کم کم از بین میبرد سمی که همه آنرا دوست دارند سمی که آغشته به مدهای جورواجور، کلاس بالا و تعریفهای دروغین و زودگذر است با مرور چند دهه، میتواند ملتی را بتوسط این سم خطرناک بکشد و بعد همین دشمن بدخواه ما بر قبرهای می ایستد و به ریش ما می خندد.

● و باید بدانیم که تمامی این مدلهائی که هر روز به مردم تحمیل میشود و رنگ جامعه را به شکلی دیگر عوض می کند استمرار پیروی از مد، آخر خط و انتهای راهش از راه بدر کردن مردم و رواج فساد میان آنها است.

و رأیت التانیث فی الرجال قد ظهر.

● و در آن زمان خواهی دید که مردها بصورت زنها ظاهر میشوند.  
● همه چون زنها خود را آرایش می کنند و موهای سر خود را به گونه ای در می آورند همچون زنها که برای شوهرانشان، موهای سر خود را به نمایش می گذارند.

● متأسفانه این روزها زیاد دیده می شود جوانانی که مرد هستند ولی ادا و اطفار آنها همچون دختران ناز نازی و ملوس می باشد. و رفتار و کردار این آقا پسرها درست عین دخترهای قرتی و بی بند و بار است و نه تنها خجالت نمی کشند بلکه احساس سر بلندی هم



می کنند و همه جا هم میروند و خودشان را به این و آن نشان می دهند.

● واقعاً هم حیف است که به آنها بگوئیم مرد، چون اینها لیاقت مرد بودن را ندارند و زن بودن را باید به آنها تبریک بگوئیم البته مثل زنهای بد و نه مثل زنان خوبی که جامعه را می سازند زنانی که مردان بزرگ را در دامان خود پرورش داده اند زنانی که مردان مجاهدی ساختند که أسطوره های حماسه و دین و ایمان و نیکوکاری و فداکاری و شرافت و غیرت بودند.

و رأیت النساء يتخذن المجالس كما يتخذها الرجال.

● و در آن زمان خواهی دید که زنهادر مجالس عمومی بگونه ای شرکت می کنند همانطور که مردها هستند و پایه پای هم بارفتار و کردار مردانه حاضر می شوند.

یعنی وضعیت بگونه ای میشود که زنها پا پپای مردها در کنار هم، زن و مرد با هم مخلوط می شوند و در جلسات مختلف بهر عنوانی که باشد محرم و نامحرم شرکت میکنند طبعاً جلساتی که اینطوری است دیگر آنجا مراعات نزاکت و ادب و اخلاق نمیشود همه برای خوشگذرانی و تفریح و حال و صفا بدور هم جمع میشوند زنان آرایش کرده با آن لباسهای جور و اجور که باعث جلب دید همه هستند و اهل حال و هوی و هوس در میان مردها و همه



جورنمایش و اختلاط و با آن وضع بی بندوباری و بالاخره و رویهم رفته، نتیجه خوبی نخواهد داشت جز اینکه زمینه های بیحیائی در آن فراهم میشود و برای کارهای بعدی آماده و مناسب میشود و بخصوص اگر چند زن و مرد نانجیب و هوسباز هم حضور داشته باشند که آنوقت، آب را گل آلودتر میکنند.

● حالا هم که بزم شبانه و پارتی مد شده و این مجالس بگونه ای است که فقط برای تحریک...وعیش ونوش برگزار میشود و متأسفانه، خیلی از مجالس عروسی هم کمتر از اینها نیست و همش معصیت در معصیت است.

مجالسی که زنها غرق در آرایش و کلاس و مد از سر تا پا هستند و بخواهند با هم رقابت کنند و مردها همه تماشاچی این و آن باشند، چی چی میشه؟

و رایت الملاهی قد ظهرت، یمربها لایمنعها أحداً، ولا یجتري أحد علی منعها.

● و در آن زمان خواهی دید که مجالس فساد و عیش و نوش و خوشگذرانی، آشکارا همه جا دیده می شود و از کنار آن می گذرد و کسی نمی تواند آنها را منع کند و اصلاً کسی جرأت نمی کند که جلوی آنها را بگیرد و یا علیه آنها اعتراض کند.

معمولاً عربها به تئاتر و کاباره و غیره، ملاهی میگویند و امثال آن



مثل آن بزمهای شبانه و پارتی در همه جا زیاد می شود و بالاخره کانونهای فساد انگیز بشکلها و عناوین مختلف در همه جا بر پا میشود و آزادانه و گستاخانه هر جور و هر کاری که بخواهند انجام میدهند.

و رأیت النساء یبذلن أنفسهنّ لأهل الکفر.

● و در آنزمان می بینی که زنها خود را بطور رایگان در اختیار بیگانگان و کافران قرار می دهند.

● دیده شده که یک زن، بعنوان یک مترجم و یا منشی و یا راهنمای یک نفر خارجی بوده آنها برای چند ساعت و یا چند روز، آنقدر قیافه می گیرد که انگار یک افتخار بزرگی نصیبش شده که دیگران باید حسرت او را بخورند اینهم یک نوع بدبختی است.

و کان الزنا تمتدح به النساء.

● و در آنزمان می بینی که زنها تمایل زیادی به فساد دارند و همدیگر را به این کار، تشویق می کنند و زمینه هایی... برای همدیگر فراهم میکنند.

● آن سر و وضعی که درست کرده و آمده توی خیابان و برای مردها نمایش میدهد معنی و مفهوم آن چه می تواند باشد.

یکی از عوامل اصلی از راه بدر کردن زنها و دختران، همین زنهایی که حالشان خوب نیست و با استفاده کردن از سادگی این



ساده‌لوحان، آنها را به اینجا و آنجا میکشند و باعث پرروئی آنها میشوند و بعدش...

و رأیت المرأة تصانع زوجها علی نکاح الرجال .

● و در آنزمان می‌بینی که زنها برای فساد کاری، با مردان خود همکاری می‌کنند.

● وقتی که وضع خراب شد همه جور اتفاقی می‌افتد زنها مردهای خود را تحریک میکنند تا اینکه زمینه برای خلاف کردن خودشان فراهم شود.

● هوی و هوس حد و مرز ندارد هر جور که هوای نفس را به خودت مسلط کنی کارهایی انجام میشود که یکی از دیگری بدتر است و ناگفتنی.

و رأیت أكثر الناس و خیر بیت من یساعد النساء علی فسقهن .

و در آنزمان خواهی دید که بیشتر مردم و بهترین خانواده‌ها همه بخوبی زنها را برای فاسد شدن کمک می‌کنند.

● مردها هم در فاسد کردن خانواده خود، بی تقصیر نیستند هر کسی یک جور و بخوبی مشوق رواج فساد در خانواده خودش هست وقتی که یک مرد آگاه نباشد مراقبت نمی‌کند، وقتی که مراقبت نکند خوب آنوقت است که زمینه برای همه چیز جور است.



● وقتی که یک مرد اینچنانی، زن و بچه خود را به خیابانها و مغازه‌ها و پارکها و مجالس ببرد و هیچ چیزی را مراعات نکند خوب معلوم است که زن و بچه هم احساس آزادی بیشتری می کنند آزادی هم که بیشتر شد بالاخره هوی و هوسهای بیشتر گل میکند و الی آخر.

● وقتی که یک مرد پول زیاد در اختیار زن و بچه خود میگذارد، وقتی که یک مرد همه جور نوار و سیدی، هر روز چیز جدید به خانه می آورد ماهواره می آورد وسایل آرایش و لباسهای جور واجور می آورد زن و بچه با تمام این وصفیاتی که گفته شد آنها می خواهند در کلاس و مد و قرتی‌گری از بقیه، عقب تر نباشند و خلاصه کم کم همه زمینه ها جور می شود و کار به جایی میرسد که مرد در فاسد کردن زن و بچه خود، مؤثر بوده و حالا کار به اینجا رسید که نباید بشود.

● نتیجه بی فکری، بی بند و باری است، بی بند و بار شدن، آخرش فساد است و فساد یعنی فروپاشی تمام آداب و رسوم اجتماعی و نادیده گرفتن فرامین الهی است که همه آنها راهنمای خوب زندگی و مسیر صحیح است و خیر و سعادت ما در دنیا و آخرت است پس وظیفه مردهانظارت دقیق و مراعات همه جوانب برای حفظ زن و بچه خود، لازم و ضروری است.



و رأیت السحت قد ظهر بتنافس فيه.

● و در آن زمان خواهی دید که بدترین گناهان که همان زنا و لواط و همجنس بازی است بطور آشکار و همه جا علنی و آزادانه انجام می شود و در انجام این کارهای ناشایسته، با همدیگر رقابت هم میکنند «یعنی در ارتکاب بیشتر این معصیتها، پز هم بدهند و بهمدیگر، فخر فروشی کنند»

● همه چیز را ما نمیتوانیم توضیح دهیم چون احتیاج به گفتن حرفهای زیادی دارد در حالی که همه داریم می بینیم که چه خبر است لذا گفتن یکایک مفاسد اجتماعی، لطفی ندارد اما فقط آنچه که بر ما مهم است اینست که تا آنجا که میتوانیم خود و اطرافیان خود را بهر نحوی که باشد از آنها مواظبت و مراقبت کنیم چون در این زمونه، نگه داشتن ایمان و معصیت نکردن، واقعاً سخت است بهر حال، حفظ ایمان و پاک بودن، واقعاً هنری بزرگ و دارای اجر بیشتر است و منتظر مهدی عجل الله فرجه بودن، کار هر کسی نیست و خیلی مرد میخواد که بتواند با شرافت و دور از معصیت، عمر خود را بگذراند و راست حسینی تا آخر خط برود.

و رأیت الناس يتسافدون كما تسافد البهائم.

● و در آن زمان می بینی که مردم همچون حیوانات که در همه جا و آشکارا با هم آمیزش میکنند آنها هم همانطور باهم برخورد میکنند.



- رواج فساد و زیاد شدن فحشا همه چیز را ارزان و بی ارزش می کند و بهای خود را از دست می دهد و همچون حیوانات در هر جا که بهم برسند با وضع خفت باری...
- اینهم یکی از نتایج بی بند و باری و عاقبت مد و کلاس.
- و رأیت البهائم تنکح.
- و در آن زمان خواهی دید که حیوانات هم مورد تجاوز جنسی قرار خواهد گرفت.
- امان از وقتی که در جامعه، فساد به اوج خود برسد و در فسق و فجور، حد و مرزی نباشد آنوقت است که گستاخی بشر فاسد بجائی میرسد که حتی از حیوانات هم سواستفاده کند و برای تغییر ذائقه و تنوع در فساد کاری، به حیوانات هم سری بزند و طعم آنرا هم بچشد و بر آنها یا از آنها برخود استفاده کند و کار پیشرمی انسان بجائی میرسد که در هر دو صورت با حیوانات، فیلمبرداری هم بکند و آنرا در ماهواره و انترنت و سیدی در انواع و اشکال مختلف در معرض دید عموم مردم قرار دهد و در این دنیا کسی هم نباشد که بتواند اعتراض کند آیا در اینصورت توقع نزول عذاب الهی نمیرود؟ چون در زمان ما گناهایی که انجام میشود در هیچ زمانی که عذابهای آسمانی بر اقوام مختلف نازل شد تا به این حد نبود.





و رأیت ذوات الأرحام ینکحن، و یکتفی بهنّ.

● و در آنزمان خواهی دید که با محرم و نزدیکان خود نیز زنا میشود و با آنها خود را ارضا میکنند.

● بی بند و باری و زیاد شدن فساد، بیشرمی را بجائی میرساند که حتی از نزدیکان و محرمان خود نیز صرفنظر نمیشود یعنی تمامی حرمتها و ارزشهای خانوادگی و اجتماعی از بین میرود بهرحال وقتی که دور و زمانه بد شد این توقع را هم باید داشت وقتی که مفاسد اجتماعی همه جا را فراگرفت دیگر جای تعجبی نیست که وضع مردم، از این هم بدتر نشود.

● وقتی که کسی به محرم و خویش خود تعدی کند پس با غیر محرم، چه خواهد کرد و این یکی از مصادیق هرج و مرج است. و رأیت الرجل یگری امرأته و جاریته، و یرضی بالدنی من الطعام و الشراب.

● و در آن زمان می بینی که یک مرد، زن و بچه و کسان دیگر خود را به انجام دادن فساد و ادا کند و حاضر است که با این کار، زندگی خود را بگذراند.

و رأیت الرجل یأکل من کسب امرأته من الفجور، یعلم ذلک و یقیم علیه.

● و در آن زمان می بینی که یک مرد از زناکاری و خطاکاری زنش



نان میخورد و کسب و کارش اینطوری میشود و او میداند و به این کار، ادامه میدهد.

● چه خوب بود که مردم، نتیجه و عاقبت هر کاری که انجام میدهند بدانند.

● وقتی که امروز نتوانیم جلوی مفساد اولیه و کوچک را بگیریم حتماً فرداها و آینده دور، جلوی مفساد بزرگ اجتماعی را نمی‌توان گرفت پس بی بند و باری حتی کمش هم بد است چون اگر ادامه یابد حتماً و یقیناً روز بروز بیشتر و بدتر میشود لذا باید حواس خود را جمع کنیم و متوجه کارهای خود و زن و بچه خود باشیم هوی و هوسها لحظه‌ای و زودگذر است اما نتیجه‌های بدی که از آن بجا میماند بسیار بدتر است.

و رأیت الغلام يعطى ماتعطى المرأة.

● و در آن زمان می بینی که با پسران همان کاری میکنند که با زنها انجام میشود.

و در آن زمان می بینی که پسران همانطور که زنها...

● بالاخره وقتی که در جامعه، مفساد به اوج رسید در آنصورت هیچکس در امان نخواهد بود و به صغیر و کبیر و دختر و پسر هم رحم نمیشود.

● مفساد وقتی که بیش از حد زیاد شد موجب زدگی میشود لذا



برای تحریک احساسات شهوانی، لازم میشود تا تنوعها و شیوه های جدیدی ابتکار شود و یکی از تنوعاتش، زیاد شدن عمل لواط است.

و رأیت الرجل معیشته من دبره.

● و در آنزمان خواهی دید مردانی را که خرج خود را از لواط کردن با آنها تأمین میشود.

● دانستیم وقتی که فساد بیش از حد زیاد شد آنوقت است که ضرورت تنوع، کم کم پیش می آید و یکی از آنها همین است از نوجوانی خلاف کردن و کم کم به این کار عادت کردن و ادامه دادن و کم کم...؟

● الان در خارج، این کار رواج دارد و در این باره، صحبت های زیاد شنیده اید و متأسفانه این وضعیت بسیار زشت که بدترین نوع فساد و سمبل انحطاط یک جامعه است بصورت یک امر عادی شده و حتی در تلویزیونها و ماهواره و انترنت، آزادانه صحنه های زیادی هر روز به نمایش میگذارند یعنی کار فساد و ابتذال به حدی میرسد که حتی مرزهای آن به بدترین وضعی میرسد و امان از وقتی که زمام امور مردم بدست اینها باشد آنوقت است که همه چیز فاتحه...؟



و معیشته المرأة من فرجها.

● و در آن زمان خواهی دید زنانی را که از راه زنا، خرج زندگی خود را در می آورند.

● وقتی که در یک جامه، فساد و فحشا رواج یافت و یک امر عادی شد در آنصورت زنان بسیاری در این کار زشت، حرفه ای میشوند و از راه زنا کاری خرج خود را در می آورند و متأسفانه در زمان ما، کار رسوائی بجائی رسیده که زنها و دخترها و حتی در میان آنها بچه های کم سن و سالی دیده میشوند بطور دسته جمعی و گروهی برای این کار به کشورهای دیگر میروند و بدبختی اینجا است که این کار زشت را یکی از موارد ارز آوری و اقتصادی معرفی میکنند و حتماً آنکسی که زنان مملکت را به این کار تشویق میکند حتماً خودش از کسانی بوده... مثل رئیس جمهور کشور «...» روزی در جمع عده ای از زنان کشورش سخنرانی میکرد از آنها بعنوان ارز آوران و کمک کنندگان به اقتصاد کشورشان قدردانی میکرد و آنها را به بیشتر از این، تشویق می کرد یعنی بقیه زنانی که در این راه، هنوز قدم نگذاشته اند آنها هم بروند تا از این راه ارز بیشتری بیاورند.

● وقتی که منطق روز اینطور شد «آبرو را ول کن پول کجا پیدا میشه»

● وای به حال مردم دنیا اگر وضع دنیا در مفاسد اجتماعی بدتر از



این بشود آنوقت چه خواهد شد؟

و يتغایر علی الرجل الذکر فیبذل له نفسه و ناله.

● و در آن زمان خواهی دید که مردها اسیر و برده شهوت خود میشوند و شهوت بر آنها حاکم است و آنها را بهر راهی میکشاند و هر چه دارند خرج این راه میکنند و حتی برای این کار، جان خود را بخطر هم می اندازند.

● وقتی که همه فضائل انسانی زیر پا گذاشته شد آنوقت است که عقل و اراده، وجود ندارد و هر چه شهوت امر کند همان است.

● وقتی که بنیاد یک فرد از دوره بچگی، خراب بود در بزرگی، او قابل اصلاح نمی باشد و هر چه هم به او بگوئی، او حرفهای تو را نمی فهمد چون محیطی که در آن بزرگ شده، فاسد است.

● بهر حال باید جهاد کنیم و از آنها نباشیم که همش بگوئیم و لش کن، هر طور شد بشه، به ما چه و...

● نه برادر و خواهر عزیزم، اینطوری هم نیست که شما فکر میکنید ثواب ریخته، شما جمعش کنید با امر به معروف و نهی از منکر و این یک تکلیف همگانی است پس وظیفه خود را انجام دهیم و لااقل خودمودن و اطرافیان خود را اصلاح کنیم تا مبادا آنها خدای ناکرده...



و رأیت النساء يتزوجن النساء.

● و در آن زمان می بینی که زنها با زنان پیوند زناشوئی می بندند و با همدیگر بیامیزند.

● در مجلات خارجی و ماهواره ها و تلویزیونهای دنیا از این حرفها زیاد گفته میشود و چقدر عکس و فیلم پخش میشود و دیگر لازم نیست بنده، بیشتر از این توضیح بدهم.

● راستی اگر صد سال پیش یا بیشتر از این حرفها اگر گفته می شد، کسی باور میکرد که همچنین چیزی بشود؟

● حالا بین و باور کن و جای تعجب هم ندارد.

و أکتفی الرجال بالرجال و النساء بالنساء.

● و در آن زمان می بینی که مردها به مردها و زنها به زنها ارضاء میشوند.

● عاقبت و نتیجه زیاد شدن فساد، بهتر از این نمیشود، خشت اول گرنهد معمار کج، تا ثریا می رود دیوار کج، خشت اول و شروع کار همین بی بندوباری ساده و ابتدائی است که کم کم، کار به جای بد میرسد و اگر به ثریا رسید آنوقت نمی شود این دیوار کج را صاف کرد یعنی نمیشود جامعه را از لوٹ فساد پاک کرد.

● و بیشتر از این هم نمیشود همه چیز را توضیح داد چون شاید بگویند که این کتاب هم بدآموزی دارد...



و أعطوا الرجال الأموال على فروجهم و تنوفس في الرجل و تغاير عليه الرجال.

● و در آن زمان می بینی که زنها به مردها پول می دهند تا آنها را در مقاصد شهوانی خود بکار گیرند، و زنان نسبت به این کار با یک مرد مورد علاقه، با همدیگر رقابت می کنند و مردان دیگر غبطه خوش شانسی این مرد را ببرند.

● یعنی یک مرد که شکل و رویش اینطوری است تپیش اینطوری است احتمال دارد که چند زن، خواهان داشته باشد و اینها سر این یک نفر با همدیگر درگیر شوند.

و رأيت الناس همهم بطونهم و فروجهم، لا يبألون بما أكلوا و بما نكحوا، و رأيت الدنيا مقبلة عليهم.

● و در آن زمان خواهی دید که مردم همه تلاش و فکرشون، صرف شکم و فرج میشود و برای آنها مهم نیست که هر چه خوردند و چه جور نکاح کردند و در آن زمان، آدمها اینطوری، دنیا بکامشان هست.

● برای گفتن، حرف زیاد است مردمی که عین حیوانات میشوند و هیچ آداب و رسومی را مراعات نمیکنند جز دو چیز، و برای آنها هیچ چیزی مهم نیست جز ارضای هوی و هوسها، حتی به قیمت خراب کردن یک جامعه، و حتی برای فروپاشی یک فرهنگ،



و حتی حاضرند که تمام آداب و رسوم خوبی که در میان یک جامعه رواج داشت... فقط برای شکم و...

● خدا عاقبت بچه های ما و بچه های بچه های ما را بخیر کند و آنها چه روزگاری خواهند داشت خدا میداند بالاخره من و شما حکم ریشه آنها را داریم پس بیائیم و با تربیت صحیح آنها، برای آنها ریشه خوبی باشیم.

و رأیت الرجل يعير على إتيان النساء.

● و در آن زمان خواهی دید مردی را که میخواهد ازدواج کند او را مسخره و سرزنش میکنند.

● یکی از کارهای مهم دشمن نامرئی که در خباثتها پنهان است رواج فحشا و از بین بردن سنت ازدواج و تشکیل کانون گرم خانواده است چون با ازدواج، آنها صاحب یک یا چند فرزند می شوند و این با خواسته آنها که میخواهند نسل ملتی را قطع کنند مغایرت دارد پس تبلیغات شوم آنها بحدی میرسد که اگر کسی ازدواج کند دیگران او را بیعقل بحساب می آورند چون همه چیز و همه جور حراج و بی ارزش شده و دیگر وابستگی دو نفر بهم دیگر را یک کار غیر عقلانی بحساب می آورند.





و رأیت المرأة تقهر زوجها، و تعمل مالا تشتهي، و تنفق علی زوجها.

● و در آن زمان می بینی که یک زن، شوهر خود را مجبور میکند تا بر او مسلط شود، و هر کاری که می خواهد و هر جور که هوس میکند انجام میدهد و به شوهرش پول میدهد.

زنها به عناوین مختلف و به شیوه های گوناگون، خواسته های خود را بر مردانشان تحمیل میکنند و بخاطر رسیدن به هوسهای خود، به هر کاری دست میزنند چه آشکارا و چه در پنهان کاری.

● یکی از موارد که در همه جا بوضوح دیده میشود زنها وقتی که میخواهند بیرون از خانه بروند چنان خود را آرایش میکنند که در خانه برای شوهر خود، نمیکند.

و رأیت النساء قد غلبن علی الملک، و غلبن علی کل أمر، لایوتی الا مالهنّ فیه هوی.

● مردها بقدری بیخرد و کم اراده میشوند که در واقع، همه کارهایشان بدست زنانشان می افتد و آنها هر جور که بخواهند شوهران خود را به کاری وادار میکنند که خودشان دوست دارند و همه کارهایشان بر پایه هوی هوسهایشان می باشد از زن پادشاه گرفته تا وزیر و سران، تا زن بقال و چقال، می بینیم که خواسته های زنها در مردهایشان بسیار مؤثر واقع میشود و مردها هر کاری را که



انجام میدهند تا زنانشان خوششان بیاید.

و رأیت الفاسق یکذب و لایردّ علیه کذبه و فریته.

● و در آن زمان خواهی دید که افراد فاسد در کارهای زشتی که کرده‌اند و یا نکرده‌اند حتی بی شرمانه دروغ و خالی بندی هم میکنند و متأسفانه دیگران هم خوب گوش میکنند و کسی دروغها و خالی بندیهای زشت آنها را محکوم نمیکند.

● بله وقتی فساد رواج یافت حرفهایی از این خوشمزه‌تر و بهتر نمیشود عده‌ای بدبخت و بی‌هنر هم پیدا میشوند که اینطوری هنر و شخصیت و ارزه خود را نشان میدهند تا میان عده‌ای از خود بدبخت‌تر، بتوانند پز بدهند چه بسا آنها هم به او بگویند خوش بحالت، بابا تو دیگه کی هستی.

● بدبختی که شاخ و دم ندارد اینهم یک مدل از انواع بدبختی‌ها است جوانی که میتواند از هنر و خلاقیت و سازندگی و علم و صنعت خود بگوید و از کارهای مهمی که انجام داده، فخر و مباحات کند و دیگران انگشت بعبرت او شوند و خانواده‌اش بداشتن همچین کسی افتخار کند ولی متأسفانه کارها برعکس میشود یعنی وضع دور و زمونه بقدری خراب میشود که اینچنین وضعی میشود.

● زمانی جوانها به مردی و مردانگی افتخار میکردند ولی حالا



متأسفانه افتخار آنها اینطوری شده و الگوی آنها میشود فلان خواننده و یا فلان هنرپیشه بی پدر و مادری که بچه سر راهی بوده، و فردی فاسد و الگوی فحشا شده، بدبختی هم پیدا میشوند که سعی میکنند مثل این ناکس باشند و ادا و اطفار او را در بیاورند و حتی عکسش را به سینه پیراهن خود نشان میدهند یعنی آی مردم من هم مثل این هستم و این عشق من است و این عکس میشود سمبل آنها یعنی دیگر قحط الرجال است و هنر یعنی این و در واقع، این عکسها نشانه واضح فاسد بودن خود را به نمایش میگذارند.

● و اگر به او بگوئی که عکس یک چهره خوب اجتماعی و جهانی و تاریخی به سینهات بگذار، شاید به ریش شما بخندد و عارش شود و اینچیزها را قابل نمیداند.

و رأیت الشراب تباع ظاهراً لیس علیه مانع.

● و در آنزمان می بینی که شراب، آشکارا فروخته میشود و برای فروشنده، مانعی وجود ندارد.

● یکی از عواملی که باعث زیاد شدن فساد و فحشا و بدبختیهای دیگر در جامعه است شرابخواری است شراب و انواع مشروبات بهر عنوان و هر اسمی که داشته باشد حرام است چون ضررش بیشتر از منافعش می باشد.



● ممکن نیست که یک شرابخوار، خیلی مرد باشد و ناموس پرست باشد و ممکن نیست که یک شرابخوار برای وطنش و ملتش فداکاری کند و یک شرابخوار اگر لای گیره و مشکلات قرار بگیرد دست به هرکاری میزند و اصلاً شرابخواری هر جور که حساب کنی عاقبتش خوب نیست و وای بحال آنوقتی که شراب فروشی علنی و آزادانه انجام شود یعنی مردم شرابخوار زیاد شده‌اند پس وقتی که شرابخوارها زیاد شدند در محیط آنها فساد و فحشا تا دلت بخواد زیاد است ارزان و فراوان الی آخره...

● همین چند روز پیش در روزنامه، مقاله‌ای خواندم که محققین در آمریکا به این نتیجه رسیده‌اند که جوان‌ها بر اثر استفاده زیاد از مشروبات در ضعیف شدن توانائی جسمی آنها بشدت تأثیر میگذارد و علت زیاد شدن فساد و عدم تمایل به ازدواج آنها همین است.

و رأیت الخمر تشرّب علانية و یجتمع علیها من لا یخاف الله عزوجل.

● و در آنزمان خواهی دید که انواع مشروبات بطور علنی آشامیده میشود و به پای بساط مشروب خوری کسانی می‌نشینند و میکساری میکنند که اصلاً از خدا حیا نمی‌کنند

● مراعت نکردن فرامین الهی و نادیده گرفتن آیات آسمانی،



نشاندهنده گستاخی و بیشرمی و پرروئی است و اینطور افراد که از خدا نمی ترسند و حیا نمی کنند برای هر کار بدی آمادگی دارند و متأسفانه در زمان ما که هر روز، جرم و جنایت همواره بیشتر میشود و هر چه هم مأمور و پاسگاه و کلانتری بیشتر میشود باز هم حریف نمی شوند اینها همه اش نتیجه خلاف کردن مردم است که یک مدلش شرابخواری و میگساری است که آثار بد آن مثل مست شدن و بیعقل شدن، انواع خطا انجام دادن است و بدنبالش در جامعه، بدبختیهای مردم بیشتر شدن است.

و رأیت الرجل یمسی نشوان و یصبح سکران لایهتّم بما یقول الناس فیه.

● و در آن زمان خواهی دید که یک مرد، شبها نعرشه است و روزها مست می باشد و برایش مهم نیست که مردم درباره اش چه میگویند.

● انسان بقدری بی ارزش میشود که اگر در بدترین شرایط هم باشد احساس شرم نمی کند نعرشه باشد یا مست یا خمار، برایش فرقی نمی کند و برای نعرشه بودن، هر کاری که بکند و یا هر کاری که با او انجام دهند برایش فرقی نمی کند در ملاعام باشد و یا در کناری باشد فرقی نمی کند وقتی که انسان، ضایع شد برایش هیچ فرقی ندارد که در باره اش چه بگویند.



● و این یکی از نتایج زیان بار اعتیاد است و بدتر از آن، دستهای پلیدی که در تمام گوشه و کنار هر شهر و آبادی تمام کشورها، انواع و اقسام مواد مخدر پخش میشود و متأسفانه هر روز، یک نوع مواد مخدر جدیدتر و یابیه اصطلاح، نعشه کننده‌تر در سرتاسر دنیا پخش میشود وقتی که قدرت نعشه کنندگی آن مواد بیشتر باشد بمعنای خطرناک‌تر بودن آن است لذا در گوشه و کنار دنیا، کارشناسان با وجدانی هستند که این خطر بزرگ را همواره اعلام میکنند و در این باره میگویند که خطر اعتیاد در هر روزی که بگذرد تلفات انسانی و زیانهای مالی آن، بیشتر از چند بمب اتم است که بر هیروشیما و ناکازاکی انداخته شد و اینهمه تلفات جانی و مالی بر جای گذاشت بنابراین تنها بمب اتمی خطرناک و ترسناک نیست بلکه بمبهای کوچکتری بنام مواد مخدر در میان مردم، هر روز پخش میشود و افراد ساده لوحی که با نیت صفا و حال کردن در واقع، کم‌کم در کام مرگ فرورفتن است و هر روز دهها هزار مرگ و میر ناشی از اعتیاد در همه جای دنیا رخ میدهد مرگهائی بی‌سر و صدا و غیر آبرومندانه.

● این دستهای پلید، همان است که خیلی اصرار دارند فساد را هر چه بیشتر در همه جا توسعه دهند و گسترش اعتیاد هم حلقه‌ای از حلقه‌های برنامه نابودی و انقراض جمعیتها با تمدن و فرهنگهائی



که وجود دارد.

و يتواصفون فيها شراب المسكر.

● و در آن زمان می بینند که در مجالس خود از انواع شراب، چه تعریف و چه توصیفهایی می کنند.

● کار شرابخواری بجائی میرسد که در آن، سلیقه هم بخرج میدهند و در مجالس و دور هم جمع شدن از انواع شراب مورد علاقه خود بهم دیگر می گویند چه چه و به به گفتن از خوبیهای شرابخواری و مستی و نعشگی و حال دادن بسیار گفته میشود.

● وقتی که بیشتر مردم شرابخوار شدند کار مستی و عربده کشی و بیغیرتی به اوج میرسد و بدنبال آن، انواع مفاسد رشد میکند و بدبختیهای جامعه، یکی پس از دیگری دامنگیر مردم میشود مردمی که اغلب آنها گیج و مست و چرتی شدند و دشمن اهریمنی که هوشیار و بسیار قوی بالای سر آنها مسلط است خوب، آنعه کمی که خوبند چه میتوانند بکنند جز اینکه اینها باید پامال شوند و نفسشان در نیاید.

و رأيت الخمر يتداوى بها و توصف للمريض و يستشفى بها.

● و در آن زمان می بینند که از انواع شراب برای درمان دردها استفاده میشود و به مریضهای خود سفارش استفاده از چه نوع مشروب شود تا بتوسط آن شفا یابند.



● کار بجائی میرسد که مردم برای همدیگر طبابت میکنند و سفارش میکنند که از چه نوع مشروبی استفاده کن تا خوب شوی، یعنی انگار دواهای طبیعی دیگر وجود ندارد که از آنها استفاده شود یا اینکه مغزهای معتاد اینها بقدری خراب شده که به همه چیز از دیدگاه شراب و مستی خودشان نگاه می کنند و اگر یک شرابخوار از مشروبی که می نوشد حالش بجا نمی آید به او میگویند که از آن مشروب که قوی تر است استفاده کن تا حالت بهتر شود.

و رأیت اموال ذوی القربی تقسم فی الزور.

● و در آن زمان می بینی که اموال مردم و حق خویشان خود بزور و بناحق تقسیم میشود و با این پولها قمار میکنند و مشروب میخورند.

● خیلی هم تعجب آور و بعید نیست در زمانی که همه چیز درهم و برهم شد و دیگر حلال و حرام، مراعات نمیشود حق قوم و خویش و دور و نزدیک، براحتی خورده میشود و یک کوزه آب خنک هم روی اون میخورند خوب اینطور پولها هم بدرد همان قمار بازی و مشروبخوری میخورد و...

و رأیت السکران یصلی بالناس فهو لایعقل و لایشان بالسکر، و اذا سکر اکرم و اتقی و خیف، و ترک لایعاقب، و یعذر بسکره.

● و در آن زمان خواهی دید شخصی که مست است میان مردم نماز





میخواند و خودش نمی تواند بفهمد که مست است و اگر مست شد مورد احترام بیشتری قرار می گیرد چون از او میترسند و باید از او پرهیز کنند و ترسناک میشود و اگر هم نماز نخواند مورد سرزنش قرار نمیگیرد و بخاطر مست بودنش، او را معذور می دارند.

● وقتی که در یک جامعه، بی ثباتی ایجاد شد، اینطور آدمهایی هم پیدا میشوند که خودشان هم نمیدانند که دارند چکار میکنند. و رأیت الخلق و المجالس لا يتابعون الا الاغنياء.

● و در آن زمان خواهی دید که مردم و همه مجلسها پیروی نمیکنند جز از اغنياء.

● وقتی که دیدگاه آدمها دنیائی شد عاقبتش همین است هر که پولش بیش، احترامش بیش.

● حالا که اینطور شد پس دنیا بکام پولدارها است پولدارها از هر طرف شانس می آورند حتی اگر بی پدر و مادر باشد ولی چون او پولدار است او از ما بهتران است برای همین است که بچه های گداها هم ادا و اطفا بچه پولدارها را در می آورند حتی اگر قرض و قله و دزدی و... هم باشد بالاخره باید خودش را اینطوری نشان دهد.

● هر جا که میروی می بینی پولدارها محترمند و همینطوری شانس دارند و مردم به آدمهای پولدار یک جور دیگه نگاه میکنند آدمهای



پولدار حتی اگر سواد ندارند هیچ چیزی سرشان نمی‌شود ولی مردم بدبخت به آنها بعنوان آدم فهمیده نگاه میکنند هر چه میکشیم از این فکرهای غلط است.

و کان صاحب المال أعز من المؤمن.

● و در آن زمان خواهی دید آنکه پولدار است عزیزتر و محترم‌تر از آدمی است که ایمان دارد.

● بله وقتی که آداب و رسوم انسانیت بهم می‌خورد وضع از این بهتر نمی‌شود که پولدار یعنی شخصیت، حلال و حرام را ولش کن، حالا که توانسته پول پیدا کند، بقیه حرفها به ما مربوط نیست پولدار هر چه هم خلاف کند و کارهای زشتی انجام دهد ولی اصلاً مردم باز هم بعنوان آدم محترم و باوقار نگاهش میکنند حتی اگر بچه سر راهی بوده و حالا بزرگ شده و پولدار شده، با این وضع، مردم او را با چشم آدم حسابی و حسب و نسب دار نگاهش میکنند ولی اگر یک آدم با ایمانی که حسب و نسب هم دارد ولی از مال دنیا چیزی ندارد او را بخواری نگاه می‌کنند و جوری به او نگاه میکنند که او معلوم نیست مال کدام جهنم دره‌ای است یعنی کارها برعکس میشود.

وقتی که به یک مجلس می‌روید همه اتوماتیک وار به آدمهای پولدار احترام می‌گذارند حتی اگر او را نشناسند و یک چای او را نخورده



باشند.

● آدم با ایمان که آدم پاکی است به مال و ناموس مردم، کاری ندارد با ادب است و سر بزیر میشود ولی پولداری که همه جور گناه و معصیت میکند و در خانه اش همه جور خلاف میشود بخاطر اینکه پولدار است محترم است و همه او را بعنوان یک آدم با شخصیت و خیلی محترم نگاهش میکنند.

و رأیت الرجل ینفق المال فی غیر طاعة الله و لا ینهی و لا یؤخذ و علی یدیه.

● و در آن زمان می بینی که یکفرد، پول زیادی خرج کارهایی میکند که گناه و معصیت خدا است و کسی او را نهی نمی کند و کسی نمی تواند جلوی کارهای بدش را بگیرد.

● در کارهایی که معصیت خدا است پول زیادی هم خرج می کند، معصیت خدا یعنی افساد در جامعه است او به مسائل شرع و عرف و اخلاق، وجدان کاری ندارد هر چه دلش می خواهد و هر چه هوس کند همانرا انجام میدهد و پول خرج می کند و کاری به این حرفها ندارد که گناه میکند یا خدا خوشش نمی آید و اصلاً توی فکر قبر و قیامت نیست اینطور افراد کسانی هستند که عامل زیاد شدن فساد و بی بند و باری در جامعه هستند.

● و حتی حاضر نیستند که در راه خدا مقدار کمی هم از پول خود



بدهند و چه بسا اینطور افراد، جلوی کارهای خیر را هم بگیرند.

● او برای هوی و هوس خود، خیلی کارها میکند و پول زیاد خرج میکند ولی برای رضای خدا حاضر نیست یک کار کوچکی انجام دهد.

و رأیت العظیم من المال ینفق فی سخط الله عزوجل.

● و در آن زمان خواهی دید که پولهای زیادی خرج کارهایی میشود که موجب خشم خداوند است.

● یعنی عمده پولهایی که خرج میشود صرف انجام کارهای گناه و معصیت و خشم خدای متعال است.

و رأیت عنده المال الكثير لم یزکّه من ذملمکه.

● و در آن زمان خواهی دید آنها که پول و ثروت زیاد دارند هیچوقت خمس و زکاة نمی دهند و به فقرا و مستمندان، بهره ای نمی رسانند.

● افراد زیادی را می شناسیم که وضعشان خیلی خوب است و پول و ثروت زیاد دارند ولی خیرشان به کسی نمی رسد جز پز و کلاس و نمایش قرتی گری خود و زن و بچه هاشون در همه جا، چیز دیگر از آنها دیده نمیشود.

و رأیت المحتاج یعطی علی الضحک به، و یرحم لغیر وجه الله.

● و در آن زمان خواهی دید کسی که محتاج است وقتی به او کمک



میکنند و چیزی به او میدهند که به او بخندند و اگر به او رحم کنند به خاطر خدا نیست.

● یعنی باید به او بخندند و مسخره‌اش کنند و او باید آنقدر ادا و اظفار در بیاورد و اینها را بخنداند تا بلکه یکجوری بشود و یک کمکی به آن فقیر بیچاره شود و برای رضای خدا کسی کمک و دلسوزی نمی‌کند.

● امیدواریم که تمام کمکهای ما به هر شکل و هر اندازه‌ای که باشد تنها برای رضای خداوند متعال باشد بدون اینکه به آبرو و حیثیت دیگران، خدشه‌ای وارد شود بالاخره هر کسی به اندازه خودش، شخصیتی دارد.

و رأیت الصدقة لا يراد بها وجه الله و تعطي لطلب الناس.

● و در آن زمان خواهی دید کمک کردن و دادن چیز ناچیزی به کسی با خواهش و تمنای زیاد و یا بواسطه خواهش کسی داده میشود و نه بخاطر رضای خدا است و زمانی کمک می‌کند و یا چیزی به کسی میدهد که میبایستی به او خیلی التماس کنند.

● نیکوکاران در تمام زمینه‌ها همواره یاریگر مردم بیچاره و درمانده‌اند و افراد خیر و نیکوکار، در میان مردم همچون دستهای پر خیر و برکت خدا برای مستمندان هستند و دستهای نوازشگر و پر محبت آنها از غم و اندوه و درد و گرفتاری زندگی آنها میکاهد و



همچون مرهمی برای زخمهای مریضان جامعه است.

● برای هر کار خیری، توفیق میخواهد خیلی ها دارند ولی موفق نمیشوند تا آن اجر الهی را برنده شوند.

و رأیت الرجل معيسته من بخص المكيال و الميزان.

● و آنوقت خواهی دید که بیشتر درآمد یک فرد برای مخارج زندگی خودش از کاستی در وزن و کم کردن کیفیت مقدار اجناسی که به مردم میدهد تأمین میشود.

● یعنی عده‌ای برای اینکه پول بیشتری بدست آورند از راه کم فروشی و یا بدفروشی در جنسی که به مردم میدهند پول نامشروع بیشتری عایدشان میشود و این خیانت به مردم است و در واقع با این کار بدشان، وجدان خود را زیر پا می‌گذارند.

و رأیت من أكل أموال أليتامی يحدث بصلاحه.

و در آن زمان خواهی دید آنکه اموال و حق یتیمان را میخورد حق صلاحیت این کار را به خود میدهد و دیگران نیز به او حق میدهند.

● یکی از گناهان بزرگ، خوردن حق یتیم است وقتی که ایمان و اعتقاد مردم بخدا و قیامت سست شد دیگر کسی لزومی نمی‌بیند که حق و مال یتیم را نخورد چون وقتی که به آخرت، اعتقادی نباشد تمام زمینه‌ها برای نامردی و شیادی و تعدی فراهم و مناسب میشود و هوی و هوسها گل میکند و دیگر جز منافع شخصی،



مراعات هیچ چیز دیگر نمیشود.

● و رأیت الشر ظاهراً لا ینهی عنه و یعذر أصحابه.

● «و آنزمان خواهی دید که شر و فتنه‌ها آشکار و چه بسیار می‌شود و افراد شرور، آزادند و قوی و پشتوانه هم دارند و کسی کارهای بد آنها را نهی نمی‌کند و تازه به اینها حق هم داده می‌شود و آنها را بی‌تقصیر هم میدانند و به اشکال مختلف از آنها حمایت هم می‌شود

● شر و شرور در زمان ما خیلی زیاد شده و بعد از این هم، بیشتر می‌شود.

● نوع شر و اشرار، بشکلهای مختلفی است از اشرار و گردن کلفتیایی که به جان و مال و ناموس مردم تعدی و تجاوز می‌کنند تا اشرار محلی و تا اشرار دولتی و تا اشرار بین‌المللی که همه اینها یکی بدتر از دیگری هستند و با تعدی و تجاوز خود، فکر می‌کنند کار خوبی کرده‌اند و همه کارهاشون منطقی است و متأسفانه سازمانهای بین‌المللی و حقوق بشر هم بحمايت اینها و به کمک تبلیغاتی اینها به میدان می‌آیند و به تمامی کارهای متجاوزگران، جنبه قانونی می‌دهند و بدبختی اینجاست که خیلی از دولتها به دنبال اینها راه می‌افتند و با متجاوزگران همصدا و همسو می‌شوند.

● چه فرقی می‌کند بین آن شرور و هرزه و گردن کلفتی که به جان و یا مال و یا ناموس یک فرد از مردم تعدی و تجاوز می‌کند با آن



شور بزرگتر بین المللی مثل آمریکای جهانخوار، هر کدام به اندازه خودش به مردم ظلم می‌کنند.

● یکی به یک نفر می‌تواند ظلم و تعدی کند و یکی به ده نفر می‌تواند ظلم و تعدی کند و یکی هم به صد نفر یا صد هزار نفر و یا به مردم یک کشور، می‌تواند ظلم و تعدی کند.

● اگر اون که به یک نفر می‌تواند ظلم و تعدی کند و زور بگوید بجای صدام و بوش باشد همان اندازه، جنایت می‌کند و حالا که نمی‌تواند بجای اینها باشد می‌بینیم که در محل، او هر روز به یک نفر ظلم و تعدی و تجاوز می‌کند و در مدت چند سال عمرش، چه بسا در مجموع به صدها نفر، ظلم و تعدی و جنایت و خیانت کرده است و اگر صدام و بوش هم رئیس جمهور نبودند و افراد عادی بودند آنها هم در محل، هر روز به یک نفر، همان کار تعدی و تجاوز را به تک تک افراد انجام می‌دادند و شاید آنهایی که دستشون بجایی نمی‌رسد بدتر از آنهایی باشند که به قدرتی رسیده‌اند و همانطوری که می‌گویند خدا خرشو خوب شناخته که بهش شاخ نداده، بهر حال آخر الزمان، وضع دنیا بکام اشرار و گردن کلفتها می‌شود و زور گفتن قانونی می‌شود بحدی که مردم دیگر قادر نیستند کاری بکنند و از خود دفاع کنند و کسی هم نیست که از اینها حمایت کند و بداد آنها برسد لذا خداوند، امام زمان را





برای همچنین زمانی گذاشته که دیگر مردم، نمی‌توانند چاره‌ای برای خود بیابند جز اینکه دردها و بدبختی را باید بکشند و تنها الغوث الغوث بگویند آنوقت است که این ذخیره الهی می‌بایستی بیاید و برای نجات بشریت، کاری بکند.

و رأیت الناس ينظر بعضهم الى بعض، و يقتررون بأهل الشرور

● و در آنزمان خواهی دید که مردم، یکی به دیگر نگاه می‌کنند و چشم و همچشمی و رقابت با همدیگر دارند و بخاطر داشتن افراد شروری که از آنها حمایت می‌کنند قدرت نمایی میکنند

● خدا نکنه که یک آدم عوضی، یک قوم و خویش و آشنای گردن کلفتی داشته باشد یا توی فلان اداره، کاره‌ای باشد و بخاطر همون، مرتب قیافه و فیگور می‌گیرد و سینه‌اش را جلو می‌آورد و به این و اون می‌خواهد تعدی و زورگویی کند.

و رأیت الشر قد ظهر و السعی بالنمیمه

● و در آن زمان خواهی دید که شر در همه جا آشکار و زیاد است و عده‌ای هم با تجسس و گزارش دادن‌ها بر دامنه شر، توسعه می‌دهند

● انسان تا آن‌جا که می‌تواند می‌بایستی مشکلات و دردسر مردم را کم کند و نه اینکه باعث بدبختی و دردسر بیشتر و بدتری برای مردم درست کند و اینطور افراد، واقعاً شرساز هستند.



● افراد شرور، همیشه احتیاج به ارادل و اوباشی دارند که بطور دائم، احوال مردم را زیر نظر بگیرند و بنفع خود گزارش و خبر بدهند و خبرچینی برای آنها بکنند تا آنها بتوانند زورگویی کنند و آدمهای خبرچین در واقع، زمینه ظلم و تعدی آزار دیگران را فراهم می‌کنند و آدمهای خوب، هیچوقت به خبرچینها نیاز ندارند. و خبرچینهای فضول، پیش آدمهای خوب، منافی ندارند پس اینطور آدمهای فضول بدرد آدمهای بد می‌خورند

● خبرچینی کم یا زیاد باشد بد است و شما با خبرچینی پلی برای ظلم ظالم و مظلوم نباشید

و رأیت الرجل يطلب الرئاسة لعرض الدنيا، و یشهر نفسه بسخبث اللسان لیتقی، و تسند الامور الیه

● و در آنزمان می‌بینی که یک مرد بدنبال ریاست است تا اینکه بتواند بر دیگران عرض اندام کند، وقتی هم کارهای شد با بدزبانی و بداخلاقی رفتار می‌کند تا مردم از او حساب ببرند و کاری می‌کند تا همه کارها دست آنها بیفتد

● الان زیاد دیده می‌شود آدمهایی که اینطور هستند و این در و آن در می‌زنند تا کارهای بشوند و بتوانند فخر فروشی کنند و خود را برخ این و آن بکشند و مانور بدهند

● امان از وقتی که کسی اینطور باشد و بدزبان هم باشد آنوقت است



که کار خیلی خرابتر می شود همه از ترس زیان بد و هرزه او باید از او بترسند.

و رأیت الولاية قبالة لمن زاد

● و در آن زمان می بینی افرادی که ثروت بیشتری دارند کارهای می شوند و به پست و مقامهای بالاتری می رسند

و به اهداف خود، زودتر و بهتر می رسند

● یعنی هر که پول و ثروت بیشتری دارد با پول زیادش، می تواند به قدرت بیشتری برسد و او خیلی کارها می تواند بکند و الان در بیشتر کشورها می بینیم که پولدارها و میلیونرها بر اوضاع کشورها حاکم هستند و آنها با ثروت زیادی که دارند خیلی کارها می توانند انجام دهند

و رأیت الولاية يأتمنون الخونة

● و در آن زمان خواهی دید که والیان و متصدیان امور حکومتی، از برای مطامع و منافع خود به خائنان، امنیت و آزادی می دهند

● باج گیری بهر عنوانی که باشد بد است و در آخرالزمان، خیانت کاران به جان و مال و ناموس مردم از آزادی عمل بیشتری بهره مند می شوند و می بینیم که افراد بزرگ حکومت و دست اندرکاران دولت، از آنها حمایت و پشتیبانی می کنند و آنها را هواداری می کنند چون اینها واسطه خیانت به مردم و تأمین کننده منافع و



مصالح شخصیت‌های حکومتی هستند و آن‌ها خدمتگزاران افراد دولتی در هر پست و مقامی که هستند می‌باشند  
و رأیت المیراث قد وضعتہ الولاة لاهل الفسوق و الجرأة علی الله،  
یاخذون منهم و یخلونهم و مایشتهون

● و در آنزمان خواهی دید که متصدیان امور مملکتی، خزینه و دارایی مملکت را در اختیار فاسقین و آنهاییکه جرئت بر معصیت کاری دارند قرار می‌گیرد و از والیان مملکت، هر آنچه را که دلشان می‌خواهد عمل می‌کنند و هر کاری که میلشان باشد آنها آزادند.

● امروز در اکثر کشورها می‌بینیم افراد فاسد و عیاش و آنهاییکه در مرتکب شدن هر نوع گناهی آمادگی دارند و اصلاً پیرو هیچ دین و مرامی نیستند می‌بینیم که دست آنها باز است و آنها در افساد مردم و رواج هر نوع گناه و معصیت بصورت علنی عمل می‌کنند و دولت و تمامی نهادها پشتیبان آن‌ها هستند

● برای نمونه در یکی از کشورهای اطراف خودمان که بظاهر اسلامی است ولی زمام امور، عملاً بدست آنهایی هست که هیچ دین و مرامی ندارند و متأسفانه صهیونیزم بقدری در آن‌ها رخنه کرده که این منطقه را از جاهای امن خود حساب می‌کنند و اینطور می‌بینند که در آینده، اینجا یکی از ایالات اسرائیل بزرگ خواهد شد. بهر حال، در آن کشورها از تلفزیون گرفته تا سینماها و مجلات و



کانون‌های پرورش فکری نوجوانان و تمامی نهادهای دولتی، همه و همه در راستای رواج دادن فساد در بین مردم است و بشدت دنبال این هستند که چگونه مردم را در انواع خلاف قرار دهند و چیزی بعنوان دین و دیانت را بکلی در حال محو کردن هستند به امید اینکه روزی در این مملکت، مردمش غرق در فساد و فحشا باشند و با از بین رفتن زمینه‌های ازدواج و تشکیل کانون خانواده، در چند دهه آینده، نسل و ریشه مردم این منطقه را از پیخ و بن بر کنند تا هیچ یاد و یادگاری از آن مردم و از تمدن درخشان گذشته آنها اثری نماند و این سرزمین، در قبضه آنها قرار گیرد.

و رأیت الولاية یقربون اهل الکفر و یباعدون اهل الخیر

● و در آن زمان می‌بینی که دست اندرکاران امور مملکتی، همواره افراد کافر و بی دین را به خود نزدیکتر می‌کنند و به اینگونه افراد، اهمیت و بهای بیشتری می‌دهند و افراد خوب و خیرخواه را از خود دور می‌کنند و اینها را در تنگنا و انزوا قرار می‌دهند

● عده‌ای که متصدی پستهای حساس یک کشور شدند و زمام امور مردم و مملکت را بدست گرفتند وقتی که دارای هیچ دین و مرامی نیستند و بلکه با دین و آئین مخالف هستند اینها همواره افرادی را جلب خود می‌کنند که مثل خودشان باشد و برای اینگونه افراد، تمامی زمینه‌های ترقی و قدرت را فراهم می‌کنند و طبعاً تمامی



افرادی که اعتقاد به خدا و قرآن دارند از خود طرد می‌کنند و بلکه اینها را از هر لحاظ در انزوا و ضعف و تهدید قرار می‌دهند و رأیت الولاية یرتشون فی الحکم و رأیت الولاية لمن زاد

● و در آنزمان می‌بینی که دست اندرکاران و حاکمان و رئیس و رؤسا در هر پست و مقامی که هستند بعنوانین مختلف از مردم رشوه می‌گیرند و برای اینکه کسی بجایی و به پست و مقامی برسد رشوه می‌گیرند

● یعنی کارها دیگر بتوسط کاردانی و لیاقت نیست بلکه با پارتی بازی و پولهای هنگفت دادن و گرفتن و یا قوم و خویش بازی به منصبهای مختلف می‌رسند

● وقتی که مملکت اینطور شد پول حاکم می‌شود پول هم بدون زور و تزویر نمی‌شود و طبعاً افرادی که توی این مایه‌ها هستند اینها به درد مردم نمی‌خورند چون هدف اینها خدمت کردن به مردم نیست و تنها برای رسیدن به اهداف شوم خود هستند و بیچاره مردمی که دستشان به هیچ جا نمی‌رسد.

و رأیت السلطان یذل للکافر المؤمن

● و در آنزمان خواهی دید که سلاطین و حاکمان کشورها و زمامداران امور مردم، افراد باایمان را خوار و ذلیل کافران بیگانه می‌کنند



● برای نمونه، یک قلمش همین بود که در رژیم شاه، آنقدر مزایا به آمریکاییها داده بودند که آنها حق داشتند در مملکت ما بزنند و بکشند و غارت کنند و دستور بدهند و خیلی کارها بکنند که در نتیجه همه اینها، مردم با ایمان و اصیل کشور ما را خوار و ذلیل خود کرده بودند و بتوسط عمال مزدورشان که همه آنها افرادی فاسد و عیاش و بی دین بودند برای بیگانگان کافر و صهیونیزم، پا دوها و مزدوران خوبی بودند و حاضر بودند همه نوع وطن فروشی کنند ولی دیده نشد که یک فرد با ایمان با رژیم شاه و آمریکاییها همکاری کند لذا مردمی که با ایمان و مسلمان بودند از هر لحاظ، شرایط خوبی در مملکت خودشان نداشتند و از این موارد در کشورهای دیگر، زیاد دیده می شود.

و رأیت الشریف يستذله الذی يخاف سلطانه

● و در آنزمان خواهی دید آدمی که با شرافت و آبرو داراست کسانی به او توهین و تحقیرش می کنند که عوامل و مزدوران سلطان جائری باشد

● در زمانی که خوبیها از میان مردم رفت و خوبان، کم شدند دنیا به کام اراذل و اویاش خواهد بود و آنوقت است که قدرت و پست و مقام و کارهای شدن و یا پولدار بودن و یا گردن کلفت و بی حیا و پررو بودن اهمیت پیدا می کند و بخصوص آنهاییکه عوامل دولتی



باشند که سلطان یا رئیس مملکتش، آدم ظالم و بی دینی باشد و همه اینها بر اوضاع مسلطند و وای بحال آنها که دیندار و بی آزارند و مردمی که دیوار شان از همه کوتاهتر است، مظلوم واقع می شوند.

و رأیت القضاة یقضون بخلاف ما امر الله

● و در آنزمان خواهی دید که قضات بر خلاف حق و بر خلاف آنچه که خدا امر نموده، قضاوت می کنند

● یعنی قضاوتها بناحق انجام می شود قضاتی که نه دین دارند و نه ایمان و نه اعتقاد به خدا، و هر چه مصالح و منافع و هوی و هوس هایشان اقتضا می کند حکم صادر می کنند پول و رشوه و سفارش و پارتی بازی که جای خود دارد و وای به حال آنمردم بیچاره‌ای که قاضی آنها بنامردی حکم صادر می کند و در آنزمان، از عدل و داد خبری نخواهد بود نه تنها درباره حقوق اجتماعی بلکه حتی سیاستمداران در زمینه مصالح استعماری خود از قضاوت لاهه که یک دیوان و دادگاه عالی بین المللی است بارها و بارها بطور علنی، حکمی را بناحق صادر کرده و می کنند خوب وقتی که این قضات بزرگ و مراجع مهم بین المللی اینطوری باشند پس در آنصورت چه توقعی می توان داشت از آن قاضی محل که حقی را ناحق و یا ناحقی را حق کند

● و در بسیاری از کشورها حاکم و یا فرمانده ارتشی و یا پلیسی





نظرش چه باشد و چه فرمان و دستوری بدهد همان است.

و رأیت السلطان یحتکر الطعام

● و در آن زمان خواهی دید که حاکمان و زمامداران مردم، قوت و جیره مردم را بدست می‌گیرند و بنابر سیاستی که دارند آنرا احتکار می‌کنند

● یکی از راههایی که مردم را زیر نظر و زیر سلطه بگیرند آنستکه قوت غذای اصلی مردم را بمقدار بدهند آن‌هم طوری که خود بخواهند یعنی به چه کسانی کم بدهند و به چه کسانی زیاد بدهند و به چه کسانی ندهند در حالی که این کارها از زمامداران حاکم بر مردم، واقعاً بعید است و در شأن دولتمردان نیست که این کارها را بکنند بهر حال آخرالزمان است و همه جور اتفاقی می‌افتد برای نمونه در همین عراق دیدیم وقتی که بعثتها حاکم بودند جیره خیلی‌ها را قطع کرده بودند چون آن‌ها مخالف رژیم بودند تا به این وسیله، آنها در مضیقه معیشتی باشند و خیلی هم اتفاق افتاد کسانی که برای گرفتن اجناس کوپنی خود جلو رفتند دستگیر شدند

و رأیت ریاح المنافقین و اهل الذمة دائمة و ریاح اهل الحق لا تحرك

● و در آن زمان خواهی دید که پرچم و آوازه منافقان و کافران و اقلیت‌ها بر افراشته است ولی آوازه مومنان و پیروان حق، کم جلوه



و بی صدا است

● در آخر الزمان، دنیا بکام مفسدان می شود که نه ایمان دارند و نه به چیزی اعتقاد دارند و می بینی که صدای اینها در دنیا رساتر است و جنب و جوش اینها بیشتر است و بیشتر امکانات، در اختیار اینها است و آنها بر اوضاع، تسلط بیشتری دارند ولی آن عده که با ایمان هستند و در اینجا و آنجا میان مردم پخش هستند صدائی و حرکتی انچنانی ندارند و انگار اقلیتی هستند و منزوی

● بطور مثال: بیشتر کشورهای دنیا و زمامداران حاکم با تمامی ماهواره‌ها و مجلات و روزنامه‌ها و تبلیغاتشان، گویی همه یکپارچه و متحد می باشند و همه در راستای کفر و ترویج بیدینی و فساد در جامعه‌ها همه همسو و بسیج شده اند

● بهتر است یک مثال ساده‌تر بزنیم، اگر به یک خیابان و یا یک پارک برویم مظاهر مد و بی بند و باری، بیشتر بچشم می خورد تا مشاهده افراد باایمان و پای بند به آداب و رسوم دینی.

و رأیت البغی قد فشا

● و در آنزمان می بینی که بیشرمی و معصیت کاری بدون هیچ ملاحظه و پنهان کاری زیاد می شود

● بیشرمی در تمام رفتار و کردار مردم در بی اعتنائی به مسائل شرع و عرف، و زیاد شدن انواع معصیت‌ها و اهمیت ندادن به مواردیکه



گناه است یعنی هر که هر جور که دلش خواست و هوس کند باید انجام دهد بدون مراعات چیزی  
و رأیت الفسق قد ظهر

● و در آنزمان خواهی دید که فساد و فحشا علنی می شود و همه جا را فرا می گیرد

● بله آنزمان که مفساد اجتماعی یک امر عادی می شود و مردم به این وضع عادت می کنند یعنی رگ غیرتهاکم می شود و در سالهای آینده، رواج فساد و فحشا بمراتب افزایش می یابد و بخصوص اگر زنده باشیم و دو نسل بعدی را ببینیم، آنها دیگر شرافت و غیرت و حیا و نجابت و مردانگی را نمی دانند چیست و مفهوم این حرفها را درک نمی کنند پس هر چه زمان بگذرد مفهوم این پیش بینی های امامان ما بهتر جا می افتد آنوقت است که هیچ کاری نمی شود کرد و آیا آنوقت چه کسی می تواند جامعه را اصلاح کند؟

● آیا چه کسی از داشتن ایمان و حیا و نجابت و عفت و غیرت و مردانگی و شرافت، ضرر کرد جز اینکه جامعه ای سالم بود و مردم را به خوشبختی آینده بچه های خود مطمئن بودند، مردمی که در پناه دینداری، همه پاک بودند همه قیمت داشتند پسر ارزش داشت دختر ارزش داشت برای عروس گرفتن چقدر شادی و صفا بود برای داماد گرفتن، چه شور و ذوقی بود چقدر چراغانی و شیرینی



و شام مفصل بود حالا همه این حرفها کم کم دارد از رده خارج می شود پسرها ول، دخترها ول، بی سرو صاحب، بی ارزش و خیلی ارزان..... چرا؟

● امروز دختران ما برای خوشبختی و ازدواج، امید چندانی ندارند و مطمئن نیستند که یک آدم سالم پیدا شود و روزی در خانه آنها را بزند و جوانها هم بخاطر زیاد شدن فساد و فحشا و براحتهی فراهم شدن همه چیز و همه جور، به سلامتی دختران، بدبین شده اند برای همین است که جوانها برای ازدواج، خیلی رغبت نمی کنند آیا این وسط، چه کسی ضرر می کند جز خود ما؟

● وضع جوری می شود که در جامعه، زمینه برای تاخت و تاز بیگانگان براحتهی فراهم می شود از مدلهای جور و اجوری که هر روز به یک شکلی به این مردم تحمیل می شود که این اول کار است چون نهایتش سلطه اجانب و فروپاشی یک جامعه اصیل است و رأیت الفاسق فیما لایحب الله قویاً

● و در آنزمان خواهی دید که آدمهای فاسد، در آنچه که خداوند دوست ندارد با جرأت و بیشرمی، گناه می کنند.

● شهوت و ضعف ایمان، عامل مهمی برای گستاخی انسان می شود و در اینصورت است که پرده حیا و عفت، دریده می شود و دیگر واهمه و باکی از کسی نخواهد داشت و با جرأت، گناه می کند



نه تنها از خلق، بلکه از خالق هم شرم نمی‌کند

● و فاسق کسی است که در تمام زمینه‌های فساد و فحشا مرتکب گناه می‌شود نه خود آبرو دارد و نه برای کسی آبرو قائل می‌شود و معمولاً اینطور افراد از نوجوانی تا به این سن و سال که رسیده‌اند گناه روی گناه مرتکب شده‌اند و حالا یک فرد آنچنانی با پاکی و درستی و شرافت، بیگانه است و هیچ چیزی را مراعات نمی‌کند جز اینکه بهوی و هوس خود برسد و خود عامل مهمی برای گسترش فساد شده و از خشم خداوند غافل است.

و رأیت من یمتدح بالفسق یضحک منه و لا یرد علیه قوله

و در آنزمان خواهی دید که تعریف از فحشا کردن، یک امر عادی و همگانی می‌شود و بلکه موجب خنده و برای همه جالب می‌شود و کسی نیست که به این گفتارها اعتراض کند.

● فسق بمعنای انواع کارهای فحشا بصورت علنی شدن است و اگر کسی در جایی از فحشا تعریف کند و موردی را بگوید انگار کسی بدش نمی‌آید بلکه به حرفهای او خوب گوش می‌کنند و کسی از این حرفها ناراحت نمی‌شود و کسی نیست که به او بگوید این حرفها درست نیست و بیشتر حرفهای آنها که دور همدیگر می‌نشینند از همین حرفها می‌شود و هر کسی یک چیزی می‌گوید و اوقات فراغت، حرفهای خوشمزه و باحال بودن از همین حرفها



می شود و متأسفانه دیگر حیا و خجالت کنار می رود و بی شرمی و بی حیایی عادی می شود و دیگر چیزی بعنوان ناموس، برای خود و دیگران قائل نیستند و برای آن‌ها اهمیت ندارد این بدنبال ناموس او و او بدنبال ناموس این، و انگار همه هم راضی هستند و نسبت به این کارها کسی اعتراضی ندارد.

● امروزی و باکلاس بودن یعنی این...

و رأیت اللیل لا یتخفی به من الجراة علی الله

● و در آن زمان خواهی دید که آشکارا و با گستاخی بدون شرم و حیا از خداوند، در شبها مردم چه گناهایی مرتکب می شوند

● مفسد اجتماعی وقتی که عمومی شد یعنی بیشتر مردم، تقریباً هم‌رنگ و یک جور شدند آنوقت است که پنهان کاری لازم ندارد بلکه برای مرتکب شدن گناهی، پز هم باید بدهیم و همه جا باید تعریف بکنیم تازه، رقابت شروع می شود و مردم در مفسد با همدیگر سبقت بگیرند که از همدیگر کمتر نباشند آنوقت این جامعه به چه وضعی درمی آید خدا می داند مردم در انجام هر گناهی گستاخ می شوند و باعث از بین رفتن حیا و نجابت و ووالی اخره... خدا به ما و به بچه‌های ما که نسل آینده است رحم کند.

و رَأَيْتَ الْكَافِرَ فَرِحًا لِمَا يَرَى فِي الْمُؤْمِنِ وَ مَرِحًا لِمَا يَرَى فِي الْأَرْضِ مِنَ الْفَسَادِ



● و در آن زمان می بینی که آدمهای کافر و افراد بیدین، خوشحالند که افراد با ایمان و معتقد در وضعیت بسیار بدی قرار دارند و آنها خیلی خوشحالند برای اینکه در همه جا فساد زیادی می بینند.

● در آخرالزمان دنیا بکام کافران و بیدینان می شود و همه چیز باب میل و دلخواه آنها است و همه آنها دست بدست هم می دهند تا کفر و فساد در همه جا رواج پیدا کند تا آنها آزادانه و هر جور که دلشان بخواهد عمل کنند و اینها در تمام زمینه ها در وضعیت بهتری قرار دارند.

● کافران پیگانه ای که با مزدوران و هواداران شان در همه جا از افراد بی دین و فاسد و عیاش هستند کاری می کنند که تمامی اوضاع، بنفع آنها خواهد بود و زمام امور بدست آنها می افتد و قدرت و ثروت در قبضه آنها می شود و اینها همه جا حاکمند.

● بله آنها خیلی خوشحالند برای اینکه در همه جا فساد زیاد می بینند چون مظالم و خواسته های آنها در پرتوی بی بند و باری و بی غیرتی مردم است مردم که از همه چیز بریده اند و جز هوی و هوس و کامیابی، چیز دیگر نمی فهمند.

● ببخود نیست که آمریکا و صهیونیسم جهانی سعی و تلاش بسیار و مداوم بر این دارند که فساد و بی دینی را رواج دهند و بی جهت نیست که آنها مرتب از آزادی و دموکراسی حرف می زنند چون از



این راه، بهتر می‌توانند که بر همه جا غلبه کنند و بی‌جهت نیست که آنها بیش از حد برای آزادی مردم دنیا دلسوزی می‌کنند چون آنها قصد و غرضهایی دارند و با سرگرم شدن مردم به فساد و بی‌دینی، آنها به نقشه‌ها و مطامعی که دارند زودتر و بهتر به اهداف شوم خود می‌رسند

و رأیت المومن لا یستطیع ان ینکر الا بقلبه

- و در آنزمان می‌بینی که یکفرد با ایمان، در وضعیتی قرار می‌گیرد که هرگز نمی‌تواند چیزی را انکار و یا مخالفت کند مگر در دلش
- بی‌بند و باری و فساد و بی‌دینی، وقتی که جامعه را فراگرفت آن‌عده افراد با ایمان که در میان این جامعه پخش هستند دیگر نمی‌توانند حرف حق را بزنند و ابراز وجود کنند چون عده آنها کم شده لذا ناچارند وقتی چیزهای بدی را ببینند نمی‌توانند حرف بزنند و یا بگویند که این کار، بد است تنها در دلشان با کار بد دیگران، مخالفت کنند و در دل نکوهش کنند معصیت کاری دیگران را و از ناچاری طوری باید رفتار کنند که مثل بقیه هستند و با دیگران همسو و مخالفتی ندارند و خدا امروز را نیاورد که با چشم خود، کارهای بد دیگران و اوضاع خراب را در جامعه ببینیم و نتوانیم حرف بزنیم و تنها رنج آنرا در دل بکشیم و تحمل کنیم.





و رأیت المؤمن صامتاً لا یقبل قوله

● و در آن زمان می بینی که آدم با ایمان، ساکت و گوشه گیر است و

حرفهایش مورد قبول واقع نمی شود

● در جامعه ای که اوضاع مردم خراب باشد آدم با ایمان نباید

حرف بزند و برود در گوشه و خانه اش تا کسی او را نبیند چون او

اهل مد نیست و کسی که در مد نباشد امروزی بحساب نمی آید و

افکارش قدیمی است و دیگر بدرد امروز نمی خورد

● بله درست است چون قدیمی ها با امروزیها فرق بسیاری دارند

قدیمی ها اعتقادات و آداب و رسوم خاصی دارند و امروزیها هم

وضعیت خاصی دارند

● قدیمی های پایبند ایمان و اعتقاد به خدا و پای بند آبرو و غیرت

و حیا و نجابت و عفت و گناه نکردن و به حرام و خطا پا نگذاشتن

و ناموس دیگران را مثل ناموس خود دانستن و خیلی چیزهای

دیگر، ولی امروزیها خیلی راحتند و می خواهند آزاد باشند و هر

کاری که دلشان می خواهد بکنند و سر راهشان در هوس و هوس ها

قید و بند نباشد حالی کنند و حالی بدهند و صفائی بکنند و صفائی

بدهند و آدم هوسباز، نباید مانعی سر راهش باشد و غیرت و عفت

و آبرو و شرف و ناموس و فانوس را کنار بگذارد هم خودش

با مردم راحت باشد و هم مردم با او و با کسانی راحت باشند



امروزی بودن یعنی این، ترقی یعنی این؟

و رأیت الناظر يتعوذ بالله مما يرى المومن فيه من الاجتهاد

● و در آنزمان خواهی دید کسی که یک فرد باایمان را با اینوضع

می بیند تعجب می کند و متنفر می شود

● بله جای تعجب هم هست چون او را عقب افتاده می بیند و باید

هم حالش از او بهم بخورد چون اینها با بقیه همفکر و همسو

نیستند و رفتار و کردارشان با بقیه فرق دارد

● باید بدانیم خوبی و خوبی ها هیچوقت قدیمی نمی شود و

همیشه همچون گل، تر و تازه می باشد ولی این مردم هستند که

عوض می شوند و خوبیها بچشم اینها بد می شود و بدیها بچشم

اینها خوب و عالی می شود و حلال برای اینها حرام و حرام برای

اینها حلال می شود ان اکثر الناس لا يعقلون بيقين که بیشتر مردم،

درست نمی اندیشند یعنی مفسد اجتماعی، جایگزین مصالح

اجتماعی می شود

و رأیت المومن محزوناً محتقراً ذليلاً

● و در آنزمان خواهی دید که آدم با ایمان در میان مردم گمراه،

غمگین است و خوار و ذلیل.

● شرایط اوضاع خراب یک جامعه، وقتی که همه چیز بنفع فساد و

کفر و ظلم باشد آدمهای با ایمانی که سرتا وجودشان غیرت و حیا و



مردانگی و شرافت است و اوضاع آن‌ها با وضع بقیه مردم، متفاوت است لذا همواره در رنج و عذابند و هرگز نمی‌توانند نظاره گر بدبختیهای مردم و انحطاط جامعه خود باشند لذا همواره غمگین هستند و چونکه با مردم، همفکر و همسو نیستند کسی آنها را تحویل نمی‌گیرد لذا بعنوانین مختلفی مورد تحقیر قرار می‌گیرند و اینها در میان مردم، ضعیف و تنها و در انزوا هستند لذا از هر لحاظ می‌بینی که آن‌ها واقعاً ذلیل به حساب می‌آیند

و رأیت اهل الباطل قد استعلوا علی اهل الحق

● و آنزمان می‌بینی که اهل باطل و پیروان کفر و آنهاست که اهل دنیا و هوی و هوس هستند بر مردم با ایمان برتر می‌شوند.

● بله آنوقت است که دنیا بکام همینها است و همه چیز بنفع همینها است مردمی که نه دین دارند و نه ایمان، بی بند و بار و بی اعتقادند همینها موقعیت بهتری در جامعه دارند و اکثر مشاغل مهم و پستهای حساس مملکت به دست این قبیل آدمها می‌افتد حرفه‌اشون خریدار دارد اما آدمهای باایمان، هیچگونه نشانه آشکاری ندارند و در میان مردم اینطوری، ناپیدا و گم شده‌اند و اگر در جایی از خدا و پیغمبر و از حق بگویند متأسفانه حرفه‌اشون خریدار نداره و اینطور افرادی که میخواهند پاک باشند و با نجابت زندگی کنند با تحقیر دیگران مواجه می‌شوند و روزگار خوبی



نخواهند داشت و کسی نیست که از اینها حمایت کند و در جامعه‌ای که اکثریت مردم، بی دین و غربزده هستند و قدرت دست اینها است افراد باایمان، واقعاً ضعیف هستند و متأسفانه در بیشتر کشورهای اسلامی، تقریباً همین وضع را داریم می‌بینیم که چه بسا در آینده، وضع بدتر از این هم خواهد شد و بحمدالله جمهوری اسلامی ما در بدترین شرایط جهانی، همواره ندای توحید را بگوش جهانیان می‌رساند برای همین است که بمذاق کفر جهانی، مورد پسند نیست و برای ما انواع توطئه‌ها و نیرنگ‌ها را بکار می‌گیرند تا چیزی بعنوان دین و اسلام حاکم نباشد و بچشم کوری تمام مفسدان و کافران و یاغیان، بامید خدا میهن اسلامی ما هر روز سربلندتر و قوی‌تر خواهد شد.

و رأیت اعلام الحق قد درست

● و در آنزمان خواهی دید که جلوه‌های حق و نشانه‌های برجسته تمام خوبیها از بین رفته است

● یک زمانی مردم به فرامین الهی بیشتر اعتقاد داشتند و به حیا و نجابت پایبند بودند، یک زمانی بود که غیرت و مردانگی معنی داشت یک زمانی بود که مردم به همدیگر رحم می‌کردند و بداد هم می‌رسیدند یک زمانی بود که مردم نان حلال می‌خوردند و از چیزی که حرام بود پرهیز می‌کردند یک زمانی بود که اخلاق مردم،



فرهنگ و ادب اسلامی بود یک زمانی بود که دیانت، نشانه بزرگواری و پاکی بود یک زمانی بود دعاها مستجاب می شد و درد و مرضها کمتر بود گرفتاریها و مشکلات، اینقدر زیاد نبود ولی حالا وضعیت فرق کرده و همه آن خوبیها در میان مردم کم شده، انگار همه چیز عوض شده و تمام اینحرفها انگار دیگر رونق چندانی ندارد.

● زیاد می شنویم که فلان کشور، اسلامی است و مردم آنجا مسلمان هستند ولی وقتی که به آن جا برویم چیزی که نمی بینیم مسلمان و چیزی که احساس نمی کنیم اسلام است یعنی از اسلام، فقط اسمش مانده و هیچ نشانه ای از اعتقاد و پای بندی مردم به دین و آداب و رسوم اسلامی دیده نمی شود و انگار مردم با تمام آن خوبیها که مردم مسلمان و با ایمان قدیم داشتند بیگانه اند و انگار خوب بودن، دیگر نمی صرفد و توی این دوروزمونه، هر که هر جور که توانست او برنده است و چیزی به نام حلال و حرام وجود ندارد و بساط حیا و عفت و غیرت جمع شده و همه جایی بند و باری و وو

و ایمان داشتن و با خدا بودن دیگر میان مردم، جلوه و رونق ندارد و مرد و مردانگی از مد افتاده و حالا هر کسی که قالتاق تر و یا زورش بیشتر است او مردتر است و او آدم با عرضه ای می باشد



آبرو پول است و ماشین هر چه مدلتش بالاتر است شخصیت انسان بالاتر است و هر چه بی بند و بارتر است با کلاس تر است و هر کسی که بیشتر از دین دورتر است او امروزی تر است و بیشتر احساس سربلندی می کنند اینهم معنا و مفهوم از بین رفتن جلوه ها و خوبیها در میان مردم است

و رأیت الرجل يتكلم بشی من الحق و یامر بالمعروف و ینهی عن المنکر، فیقوم الیه من ینصحه فی نفسه، فیقول: هذا عنک موضوع و در آنزمان خواهی دید که اگر یکفرد، چیزی از حق بگوید و مقداری امر بمعروف کند و بصورت مختصر، نهی از منکر کرد کسانی علیه او برمی خیزند و او را نصیحت می کنند که از این حرفها نگوید و گفتن این حرفها به تو نمی آید و از تو بعید است

● وقتی که بی بند و باری با تمام مخلفاتش در میان مردم، جا افتاد و یک امر عادی شد آنوقت اگر کسی بخواهد نصیحت کند و چیزی را بگوید که این کار خوب است و آن کار بد است مورد تعجب همه واقع می شود که چگونه او با وضع رایج روز، هماهنگ نیست و مخالفت می کند و چه بسا او را یکفرد امل و عقب افتاده و قدیمی به حساب آورند چون با وضع و کلاس روز، مطابقت ندارد و حتماً باید برود و خود را اصلاح کند تا دیگر از این حرفها نزند و خودش را با مردم روز و کلاس آنها همسو کند و مثل همه رفتار کند، البته



مردان حق، عوض نمی‌شوند حتی اگر همه مردم عوض شوند، و آن‌ها مردانی هستند که در ایمان و اعتقاد خود راسخ و استوارند خواه جامعه، هر رنگی را بخود بگیرد و آن‌ها جز رنگ الهی، رنگ دیگری نمی‌پذیرند.

و رأیت الناس قد استووا فی ترک الامر بالمعروف و النهی عن المنکر و ترک التدين

● و در آنزمان خواهی دید که مردم در ترک امر بمعروف و نهی از منکر، یکسانند در حالی که این دو امر مهم، جزئی از دیانت است

● توی این دور و زمونه، چه کسی را امر به معروف کنیم که به ما برنگردد و بما نگوید به تو چه، خودت هم که اینطور هستی و اول خودت را اصلاح کن و از این حرفها در حالیکه در این زمانه با این اوضاعی که داریم می‌بینیم نیاز شدید به احیای امر به معروف و نهی از منکر لازم است ولی متأسفانه اوضاع خراب به جایی می‌رسد که بیشتر مردم به گناه و معصیت آلوده شده‌اند و هر کسی در فلان روز و در فلان جا مرتکب گناهی شده، پس چکار می‌شود کرد؟ تا حرف بزنیم به ما می‌گویند آقا جون خودتو فراموش کردی و حالا برای من جانماز آب می‌کشی

● به هر حال خدا عاقبت ما را ختم بخیر کند و این مثالها برای زمانی است که وضع مردم، بدتر از این می‌شود و بحمدالله در زمان



ما باز هم بیشتر مردم خویند و تمام خوبیه‌ها در آنها جمع است و ان شاء الله روزی نیاید که من و شما ساکت و بی تفاوت و بی اعتنا باشیم و دیگران گناه کنند که در اینصورت همه در ترک امر به معروف و نهی از منکر، یکسان خواهیم بود

و رأیت الأمر بالمعروف ذلیلاً

● و در آنزمان خواهی دید آنکس که امر بمعروف و نهی از منکر کند ذلیل می‌شود

● در یک پارک، صحنه‌ای دیدم کسی صدای ضبط را زیاد کرده بود آن‌هم با آن وضع انحرافی اخلاقی که داشت در این وسط، بنده خدایی به او گفت به احترام اذان، صدای ضبطت را کم کن، اما متأسفانه نه تنها گوش نکرد بلکه با کمال پروثی و بیشرمی صدای ضبط را بلندتر کرد و شروع کرد به داد و بیداد کردن که به تو چه، مگر تو فضولی و قیم مردم هستی و از این حرفها، مردم جمع شدند هر کدام یک چیز به آنکه امر به معروف کرد گفتند و آنچنان گفتش کردند که این بدبخت، دیگر جیکش در نیامد و سر خود را پایین انداخت و یواشکی ناپدید شد، حالا معلوم شد چطوری کسی که امر به معروف می‌کند ذلیل می‌شود

● این یک قلم کوچک است و من و شما در خیابان و پارک و مجالس و و و خیلی چیزهای بدتر می‌بینیم و می‌ترسیم حرف





بزنیم چون احتمال دارد که طرف ما عوضی از کار دربیاید و آبرو و حیثیت ما را هم ببرد و بدبختی اینجا است که اگر مردم دور ما جمع شوند کسی از ما حمایت نکند و چه بسا یک کتک مفصل هم بخوریم و همه جور فحش هم بشنویم.

و رأیت طالب الحلال یذم و یعیر و طالب الحرام یمدح و یعظم  
 ● و در آن زمان خواهی دید کسی را که بدنبال حلال است مورد تمسخر و سرزنش دیگران قرار می‌گیرد و کسی که از راه حرام و نامشروع، چیزی را بدست می‌آورد مورد تعریف و نشانه بزرگی او در نزد دیگران است.

● یعنی او را زرنگ و باعرضه می‌دانند و اکثر مردم به حلال و حرام، دیگر اهمیت نمی‌دهند

و رأیت المصلی انما یصلی لیراه الناس

● و در آن زمان خواهی دید که نماز گذاری برای اینکه مردم او را ببینند نماز می‌خواند

● امان از وقتی که یکنفر برای منظور و غرضی در جلوی مردم نماز می‌خواند تا دیگران، نماز خواندنش را ببینند البته نماز خواندن خوب است بلکه یکی از واجبات است اما گاهی یک نماز خوان اینطوری، واقعاً خالصاً مخلصاً برای رضای خدا نماز نمی‌خواند و این مورد اشکال است و چه بسا اینگونه افراد، با تظاهر به نماز



خوانی، اهداف دیگری در سر دارند به هر حال امام صادق علیه السلام می‌فرماید که در آخر الزمان، اینطور آدمها که برای ریاکاری و قصد و غرضی نماز می‌خوانند زیاد دیده می‌شود.

و رأیت قلوب الناس قد قست و جمدت اعینهم و ثقل الذکر علیهم ● و در آن زمان خواهی دید که دل‌های مردم، سیاه و سنگدل می‌شود و چشم‌های آنها در بدیها خیره می‌شود و یاد خدا و شنیدن سخنان حق بر آنها سنگین می‌شود

● امان از وقتی که از یاد خدا غافل شویم و از شنیدن آیات آسمانی گوش شنوا نداشته باشیم و نصیحت کردن اینگونه افراد، دیگر فایده‌ای ندارد چون وقتی که یکفرد بقدری گناه کرده که دیگر، گناه نکردن را نمی‌فهمد و نصیحت و پند و موعظه، ذره‌ای او را تکان نمی‌دهد آنوقت از اینطور آدمها چه توقعی داشته باشیم اینطور آدمها پای بند هیچ چیزی نیستند نه خدا را می‌شناسند و نه آیات الهی را قبول دارند و حیف نیست کسی بنده خدا باشد و شیطان بر تمام وجودش غالب شده و آنها را با اندک اشاره به این سو آن سو می‌برد؟

● چه خوب است که انسان در گناه نکردن، خیره و مصمم باشد و چه خوب است که دل انسان، خانه و حرم خدا باشد و چه خوب است که انسان، همواره با یاد خدا انس بگیرد و با یاد حق، دلش



دست می‌کنند که یکهو متوجه می‌شوند که غروب شده و نماز مغرب و عشاء را آنقدر دیر می‌خوانند که قضا شده است و از بسکه صبر می‌کنیم تا این فیلم و بازی فوتبال و این برنامه و آن برنامه تا دیر وقت شود و آن وقت نمازی خوانده می‌شود آنهم چه نمازی؟ با کسالت و بی‌حوصلگی و با عجله، اصلاً خودش هم نمی‌داند دارد چه می‌گوید و چه می‌کند و از هر طرف نماز، یک‌خورده می‌زند تازه، این نماز خواندن آدمهای نماز خوان است

و رأیت الرجل یخرج الی مصلاة و یرجع و لیس علیه شی من ثیابه ● و در انزمان خواهی دید که یک مرد بیرون می‌رود برای جایی که نماز می‌خواند ولی وقتی برمیگردد او لخت است و لباس آن‌چنانی بر تنش دیده نمی‌شود

● برای نماز خواندن، مقداری سنگین‌تر است ولی به محض اینکه نماز را خواند و می‌خواهد بسوی خانه برگردد می‌بینیم که آقا با یک لباس و رفتار ناجوری برتن دارد و همانطوری که در کشورهای دیگر دیده شده که با شلوارک و یک زیر پیراهنی در خیابان قدم می‌زند و لخت گشتن مردها در خیابان، یک امر طبیعی شده است و بحمدلله این رسمها در مملکت ما رایج نشده است.



و رأیت الاذان بالاجر و الصلاة بالاجر

● و در آنزمان خواهی دید که اذان گفتن بامزد است یعنی باید به کسی پول بدهیم تا او اذان بگوید و نماز خواندن با پول و مزد دادن، انجام می شود

● زیاد دیده ایم افرادی که سالم بودند ولی هیچوقت بفکر نماز و روزه نبودند ولی پس از فوت آنها اگر وارث خوبی داشته باشد پول می دهند تا برای مرده خود، مقداری نماز و روزه قضا بگیرند

و رأیت طلب الحج و الجهاد لغير الله

و در آنزمان خواهی دید که به حج رفتن و جهاد کردنها برای خدا نیست

● از هر آب گل آلودی می توان ماهی گرفت حج باشد جبهه باشد و کارهای دینی و تبلیغی و خیری، بالأخره آنها یکی که اهل سوء استفاده هستند بهر نحوی که باشد کار خود را می کنند تا با ریاکاری تظاهر و نیرنگ های جور و اجور دیگر به قصد و غرضهایی که دارند برسند و منافعی را بدست آورند

● البته بیشتر آنها که به خانه خدا می روند، و اکثر آنها که به جهاد و جبهه و یا به کارهای خیر، اقدام کردند واقعاً آدمهای خوب و لایقی بودند و عنایت و لطف الهی شامل حال آنها شد تا آنها بهترین و بیشترین ثواب را ببرند و کارهای مهم و جاودانه ای از خود بجا ماند



قرآن و احکامش بی اعتنا می‌کنند.

● همه این دعوا و مرافعه‌ها سر همین است که بساط قرآن و احکامش جمع شود تا زمینه برای استعمارگران پلید هموار شود، و آن‌ها فعلا از راه مد و بی غیرت کردن مردم و رواج بی بند و باری در جامعه می‌خواهند تمامی زمینه‌ها را برای آینده و مقاصد شوم آنها فراهم شود تا جای پای خود به این مملکت اسلامی ما باز شود غافل از اینکه مردم با ایمان ما هرگز به این امر راضی نمی‌شوند پس بهتر است سخنان امام صادق علیه السلام را که در هزار و سیصد سال پیش برای ما پیش بینی نموده و امروز همین وضع در حال پیاده شدن است و صحت گفتارش به اثبات رسیده است آویزه گوش خود قرار دهیم

و رأیت الایمان بالله عزوجل علی الزور

● و در آنزمان میبینی که تظاهر به دینداری و ایمان به خدا داشتن، واقعی نیست بلکه نیرنگ است

● تظاهر و نمایش به دیانت گاهی برای مصالح شخصی در جایی بکار می‌رود تا خود را اینچنین به دیگران نشان دهد که آدم با خدایی است ولی در واقع اینطور نیست با خدا بودن یعنی پاک و امین بودن و همیشه و در هر حال خطا نکردن است پس نوعی از تزویر و فریب دادن اشخاص از راه تظاهر به ایمان به خدا صورت



می‌گیرد و این خود یک نوع گناه است.

و رأیت الحدود قد عطلت و عمل فیها بالأهواء

● و در آنزمان خواهی دید که فرامین الهی و احکام شرع در میان مردم بی رونق می‌شود و هر کسی به هوی و هوس خود، عمل می‌کند.

● موازین شرعی و احکام الهی در میان مردم، عمل نمی‌شود وقتی که مردم بفرامین الهی بی اعتنا شوند به این معنا است که مردم برای وسلیقه خود، هر جور که هوس کنند همانطور عمل می‌کنند و متأسفانه زیاد دیده می‌شود افرادی که تابع احکام شرع و عرف نیستند و سر تا پای آن‌ها سلیقه و مد و کلاس شده و اینوضع، حتماً با فرامین الهی مغایرت دارد و انتخاب اینها بر اساس تمایلات هوی و هوس خود می‌باشد و هر جور که هوس کنند همان را دوست دارند و احکام شرع، باب میل آنها نمی‌باشد.

و رأیت الحرام یحلل و رأیت الحلال یحرم

● و در آنزمان خواهی دید که حلال و حرامی وجود ندارد و هر طور شد همان را می‌پسندند.

● کار و بار مردم به جایی می‌رسد که به حلال و حرام، کاری ندارند و مصالح و منافع شخصی هر گونه که لازم است همان را می‌خواهند و در اینصورت می‌بایستی به آداب و رسوم خوب



اجتماعی و به فرامین الهی عمل نشود و حرمتها از بین می‌رود و هر کی به هر کی می‌شود و هر طور که شد بشود و با این وضع، مفسد اجتماعی هر روز میان مردم بیشتر خواهد شد.

و رأیت القرآن قد ثقل علی الناس استماعه، و خف علی الناس استماع الباطل

● و در انزمان می‌بینی که مردم، حوصله شنیدن قرآن را ندارند و شنیدنش سنگین می‌شود و در عوض، شنیدن آنچه که باطل و یاوه است برای آنها راحت‌تر است

● آیات الهی همواره مردم را دعوت می‌کند تا به فرامین الهی عمل کنند و پیرو آداب و رسوم خوبی باشند تا حق و حرمت همه محفوظ باشد

● اگر قرار است که به آیات الهی عمل شود پس نمی‌توان در یک شب، پول هنگفتی به جیب زد و با پامال کردن حق دیگران به آرزو و خواهش نفس خود رسید و اگر قرار است که به آیات الهی گوش کنیم پس نمی‌توان هر کاری که دل ما بخواهد عمل کنیم، احکام الهی در تمام زمینه‌ها حق و حقوق مردم را حفظ می‌کند یعنی هر کسی در محدوده و مرز خودش باید باشد لذا امروز برای خیلی‌ها نمی‌صرفد که به چیز کم قانع باشند و تمامی آیات قرآن، انسان ساز هستند و به انسان کمال و شرافت و عزت می‌دهد و جلوی راههای



غیرقانونی و مفسد اجتماعی را می‌گیرد و از انسان می‌خواهد تا هوی و هوس‌ها کنترل شود و موارد بسیار دیگر که همه آنها برای یک جامعه، مفید و ضروری می‌باشند.

و رأیت اصحاب الآیات یحقرون و یحتقرون من یحبهم

● و در آنزمان می‌بینی مردمی که با آیات قران، همواره سر و کار دارند با تحقیر به آنها نگاه می‌کنند حتی کسانی که این آدمهای باایمان را دوست دارند آنها را هم تحقیر می‌کنند

● بی‌اعتنایی به آیات قران، یعنی بی‌بندوباری و آزادی هوی و هوسهاست و کسیکه اینطور باشد مزاج او سازگار نیست با آنها که با خدا و اهل ایمان هستند لذا می‌بینیم افرادی که سر و وضع درستی ندارند و انحرافات اخلاقی دارند آنها از آیات الهی فاصله زیادی گرفته‌اند برای همین است که این عده مردم که همواره خود را امروزی و با کلاس می‌دانند افراد با ایمان را تحقیر می‌کنند و آنها را عقب افتاده و امل به حساب می‌آورند

و رأیت بیت الله قد عطل و یؤمر بترکه

● و در آنزمان خواهی دید که به خانه خدا رفتن را به تعطیلی می‌کشاند و دستور می‌دهند که این کار را ترک کنید

● خیلی هم عجیب نیست چون متأسفانه الان در یکی از کشورهای به اصطلاح اسلامی، برای حج رفتن، دولت سخت‌گیری





زیادی می‌کند و با وضع کردن قوانین دست و پا گیر و فشار از هر لحاظ، باعث می‌شود تا عده کمتری بتوانند در موسم حج به خانه خدا بروند و اخیراً زمزمه تبلیغاتی براه انداخته‌اند که این کار، بی‌فایده و یکی از مراسم قدیمیها می‌باشد و ضرورت ندارد و متأسفانه در موقع بازگشت مردم از حج، برنامه‌های تلویزیون بقدری افتضاح می‌شود تا فکر مردم را از بازگشتن حجاج به چیزهای دیگر سرگرم شود و نسبت به حاجیان بی‌اهمیت شوند و این یک نمونه‌اش را الان داریم می‌بینیم و ان شاء الله در جای دیگر در آینده، وضع بدتر از این نشود.

و رأیت الحرمین يعمل فیها بما لا یحب الله، و لا یمنعهم مانع، و لا یحول و بینهم و بین العمل القبیح احد، و رأیت المعازف ظاهرة فی الحرمین

● و در آنزمان خواهی دید که در خانه خدا و مدینه منوره کارهایی انجام می‌شود که خدا دوست ندارد و هیچکس مانع آنها نمی‌شود و بین آنها و با کار زشت آنها کسی جلوگیری نمی‌کند و کم‌کم می‌بینی صدای نوازندگانی که می‌نوازند و صدای آنها همه جا بلند است شنیده می‌شود.

● خرابی اوضاع جامعه و ضعف ایمان مردم به همه جا سرایت می‌کند و هر جا که بروی، آسمان را یکرنگ می‌بینی و گستاخی



بهم، فكن مترقباً، و اجتهد ليراک الله عزوجل فی خلاف ما هم عليه  
 ● با این وضع بیقین بدانکه مردم در مقابل خشم و غضب خداوند  
 قرار دارند و اینکه خداوند به مردم مهلت میدهد برای امری است  
 که برای آن مردم می خواهد پس بدقت مراقب خود باشید و سعی  
 کنید که خداوند شما خوبان را در وضعیتی ببیند که بر خلاف  
 وضعیتی است که مردم دارند

● فان نزل بهم العذاب و كنت فيهم، عجلت الى رحمة الله، و ان  
 اخرت ابتلوا و كنت قد خرجت مما هم فيه من الجرأة على الله  
 عزوجل، و اعلم ان الله لا يضيع اجر المحسنين و ان رحمة الله قريب  
 من المحسنين

● و اگر عذاب و بلای بزرگ بر آن مردم نازل شد و شما در میان  
 آنها بودید برحمت و فرج خداوند امید وار باشید که شامل حال  
 شما خواهد شد، و اگر در میان مردم گرفتار عذاب شده بودید و  
 تمام رفتار و کردار شما غیر از آن بود که مردم با جرأت خدا را  
 معصیت می کردند بدانید که حتی اگر سختی کشیدید و ناملایمات  
 روزگار بد را تحمل کردید بدانید که خداوند عزوجل، هرگز پاداش  
 خوبان راضایع نخواهد کرد و بیقین بدانید که رحمت خداوند برای  
 خوبان، بسیار نزدیک است.

● یک مسلمان آزاده و غیرتمند هرگز با اوضاع بد این دوروزمونه



موافق نیست و بلکه با آن مقابله خواهد کرد

● طبع یک مسلمان، پاکی و پاکیزگی است و شأن او شرافت است

بی غیرتی و بی آبروئی هرگز شایسته او نمی باشد

● امامی که برای هدایت و راهنمایی مردم و خیر و سعادت آنها

همواره تلاش نموده، برای او خیلی سخت است که بداند روزی

همچون زمان ما فرامی رسد که حال و روز مردم، اینطور می شود و

واقعاً برای او دردآور است و باعث رنج و اندوه او است مگر

انحضرت و امامان دیگر در زمان خود، کم رنج کشیدند و چه

مصائب بزرگی را تحمل کردند آنوقت از دست ما مردم این زمان

هم درد کشیدند و برای ما غصه خوردند؟

● ای بزرگواران، ما را ببخشید که اگر از ما هم گناهی سر زده باشد و

انشاء الله ما در رنجهای آن عزیزان برای این مردم، بارفتار و کردار

بد خود، سهمی نداشته باشیم

سلام و درود خداوند بر شما برگزیدگان خدا

● مواردی که امام صادق علیه السلام از آن یاد کرده، آخر و عاقبت بدی

دارد چون خرابی اوضاع مردم زمان ما به جایی می رسد که حد و

مرز ندارد و در اینصورت، اصلاح جامعه و بازگشت به اخلاق و

سنت های خوب اجتماعی و احیای فرامین الهی، کار مشکلی

می شود و توانایی آن از عهده همه، خارج می شود و کار بجایی



می‌رسد که حتی جهاد کردن نیز موثر واقع نمی‌شود و حتی آیات الهی در میان این مردم نیز کارساز نباشد مگر اینکه خداوند، حاجتش را بفرستد و این ذخیره الهی برای همچنین روزی نگه داشته شده و او بیاید و کارها را اصلاح کند و بشریت را نجات دهنده و ریشه ظلم و ظالمان و مفسدان را از بیخ و بن برکند پس حالا که اینطور است بیایم و همیشه دعای ما این باشد

● اللهم عجل لولیک الفرج

● پروردگارا فرج ظهور آقا امام زمان را نزدیک کن

● دعایی است که فصلش الان است و این دعا ورد زبان هر کسی که عاشق مهدی علیه السلام است بارالها چشم ما را بجمال آنحضرت، روشن و منور گردان، و دعای خیرش، شامل حال ما بگردان. خدایا ما را در این دنیای پرفتنه و آشوب، حفظ کن و ایمان ما را استوار گردان.

### معرفت امام زمان علیه السلام

- خوب است بدانیم که معرفت امام زمان علیه السلام قبل از ظهورش، چه مقام و فضیلتی را به انسان می‌دهد؟
- عن ابی عبدالله علیه السلام قال: من عرف هذا الامر ثم مات قبل ان یقوم

القائم علیه السلام کان له اجر من قتل معه <sup>(۱)</sup>

● امام صادق علیه السلام می فرماید هر کس موضوع ظهور و انتظار را با معرفت شناخت و او بمیرد قبل از اینکه حضرت قائم علیه السلام ظهور کند از برای او اجر و پاداش همانند کسی است که همراه آنحضرت جهاد کرده و به شهادت برسد.

● شهیدان راه حق، روز قیامت مقام و مرتبه والایی دارند بخصوص آنهایی که در رکاب امام زمان به شهادت برسند بدرگاه خداوند، اجر و قرب بی نظیری دارند.

● معمولاً آنکه در شوق انتظار ظهور حضرت مهدی علیه السلام است نشان دهنده معرفت و عشق او به آنحضرت است و خیلی از مردم، عاشق با معرفت آن حضرت هستند ولی اجل به آنها مهلت نمی دهد و آنها قبل از ظهور آن حضرت می میرند و برای این عاشقان و محبان، ثوابی نصیبیشان می شود همانند آنها که در کنار امام زمان برای رضای خداوند و احیای فرامین الهی با کفر و ظلم و فساد جنگیدند و به شهادت رسیدند و شهادت در کنار آنحضرت، به معنای بلند مرتبه بودن مقام آنها است که به امام زمان، عشق می ورزیدند و عمری مهدی جان مهدی جان، دل و روحشان را صفا میدادند و روز قیامت آنها با کسی محشور می شوند که در دنیا به او عشق و



علاقه داشتند و کسی که عاشق است، بی‌یقین که او جان بر کف است و این بهترین نشان عاشقان مهدی است و خوشا به سعادت اینگونه افراد که در قیامت بدرگاه خداوند، روسفید و سربلند هستند.

### از آثار مؤلف

#### «شکفتیهای آفرینش در کلام اهل بیت (ع)»

در این کتاب: بیش از ۱۲۰ موضوع بسیار مهم و متنوع از علوم بزرگواران ما مطرح شده، درباره حرکت و چرخش و کروی بودن زمین، لایه‌ها و گازها در جو، اکوسیستم، وزن هوا، کرات‌گازی، سرما در مریخ، اوضاع اورانوس، چهل ماه در منظومه شمسی، منظومه‌های شمسی در کهکشان، درون خورشید، حرکت نور، تفاوت روشنایی بر سطح کرات، تاریکی فضائی، هوا و فضا، سفر به فضا، ثانیه در فاصله‌های نوری، نور نامرئی، کورنگی، امواج صوتی، فرکانس صداها، صداهاى ناشنیدنی، اتم، موجودات میکروسکوپی و...